

کیمهان ۵۷۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۱۹ تا پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهارم و سوم - شماره ۲۰۳۶



علی خامنه‌ای در ایستگاه آخر؛

دفن شرّ مطلق



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۳۶ (۵۷۰)

۱۹ تا ۲۵ تیر ۱۴۰۵
۱۰ تا ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاهل عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های «دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.»
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرپیرنیا
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

۴ سرمقاله-دزه عمیق میان ایران و توسعه / روشنگ آسترکی

۴-۵ تیر هفته - علی خامنه‌ای در ایستگاه آخر؛ دفن شتر مطلق ... /

۵ پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران ... /

۶ شاهزاده رضا پهلوی: راهی که با فداکاری فرزندان جاوید نام ایران روشن شده است، ادامه خواهد یافت... /

۶-۷ متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان هلند ... /

۸ حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان هلند: «سازش با رژیم ایران بی فایده است، به سر کوبیگرها... /

۸-۹ دونالد ترامپ در حاشیه نشست ناتو در آنکارا: «آتش بس» میان آمریکا و جمهوری اسلامی تمام شد... /

۹ حملات سنگین آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران؛ دبیر کل ناتو: این حملات ضروری بود... /

۱۰-۱۱ جمهوری اسلامی و «تفاهم» هایش در سی و ششمین نشست ناتو در آنکارا... / تونی فرانسس (ایندیپندنت عربی)

۱۱ سیر هی علما ... / خیراندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۳ گذار از طوفان - خطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱) ... /

۱۴ حمله به سه نفتکش در تنگه هرمز؛ آمریکا مجوز فروش نفت توسط جمهوری اسلامی را لغو کرد... /

۱۴-۱۵ حماس انتحالی دولت خود در غزه را اعلام کرد؛ اسرائیل: شوس سیاسی است... /

۱۵ پیوستن بریتانیا و فرانسه به ماموریت «آزادسازی کشتیرانی در تنگه هرمز»... /

۱۶-۱۷ سناریوهای خطرناک در تنگه هرمز ... / اولید فارس (ایندیپندنت عربی)

۱۷ مرگ یک رؤیای آخر زمانی ... / فرید خلیفی

۱۷ تجمع ایرانیان در حمایت از فاطمه سپهری در محل دیوار یادبود جاوید نامان میهن در لندن... /

۱۷ مر اسام تشیع جنازه علی خامنه‌ای در فضای امنیتی بر گزار شد... /

۱۸-۱۹ دومین روز بر گزار می‌رود اسام تشیع جنازه خامنه‌ای؛ ترامپ: یک هفته برای عزاداری به... /

۱۹ رؤیای جمهوری اسلامی: بمب اتمی! ... / فرید خلیفی

۱۹ بودجه‌های کلان کجا هزینه می‌شوند؟! ... / بهنام محمدی

۲۰ اقامه نماز میت بر تابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش؛ باز هم از مجتبی خبری نبود اما برادرانش ... /

۲۱ اسرائیل رفت و آمد رهبران و مقامات سازمان‌های تروریستی به مر اسام تشیع جنازه خامنه‌ای را زیر نظر دارد... /

۲۲-۲۳ ادغام دو بال شکستنی «اصلاح طلب و اصولگرا» در دو بال «سپاه» و «روحانیت» ... /

۲۳ عاقبت قدرت نمایی زمامداران ایران در تنگه هرمز ... / سلیمان جوده (المصری الیوم)

۲۴ حملات سنگین هوایی آمریکا به بیش از ۹۰ نقطه در جنوب ایران ... /

۲۵ «هفته جهانی اقدام برای ایران آزاد»؛ گردهمایی مقابل سفارت آمریکا در لندن... /

۲۵ ترکیه چگونه عضو «ناتو» شد؟! ... / فرید خلیفی

۲۶-۲۷ فشار تورم چگونه بر دوش اقشار کم درآمد تحمیل می‌شود؟! ... /

۲۷ «کانون فرهنگی پارس» بر گزار کرد: نشست بررسی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران ... /

۲۷ تجمع ایرانیان آزادی خواه مقابل دفتر نخست وزیر بریتانیا... /

۲۸-۲۹ ایران در آینه‌ی مذاکرات؛ صلح برای چه کسی، و بیهای آن بر دوش چه کسی؟ ... / اسیروس کنگرلو

۲۹-۳۰ «اول لبنان»؟! نه! لبنان برای حزب الله در اولویت نیست! ... / تونی فرانسس (ایندیپندنت عربی)

۳۰-۳۲ کارکنان ایرانی بی بی سی: معامله بر سر پوشش مراسم خاکسپاری خامنه‌ای «شرم آور»... / اجوئیش کرونیکل

۳۲-۳۳ ادامه اعتصاب غذای زوج بریتانیایی محبوس در زندان اوین ... /

۳۳ رافائل گروسی: جمهوری اسلامی درخواست آزانس برای بازديد از تأسیسات آسیب دیده را نپذیرفته است... /

۳۴-۳۶ باز نشر از سال ۱۳۷۸؛ شهرنوش پاریس پور... / الاله بقرات

۳۶-۳۷ محکومیت الهام زراعت پیشه، وکیل دادگستری، به شش سال زندان، ممنوعیت خروج از کشور... /

۳۷ شهرنوش پاریس پور نویسنده و مترجم ایرانی درگذشت... /

۳۸ کارشناسان: بحران آب در حال تبدیل شدن به موضوعی فاقدر اھکار است... /

۳۹ بحران گرانی و کمبود دامین کارکنان دارو و خانه‌ها را گرفت؛ از درآمدهای ناچیز تا خراج... /

۴۰ ۱۶ سال افزایش پیوسته تورم؛ سقوط دستمزدها کارگران ایران به روزانه سه دلار... /

۴۱ احتمال بروز تورم ۱۵۰ درصدی در اقتصاد ایران تا پایان سال... /

۴۲ بی معنا شدن «امنیت شغلی» در بازار کار ایران با قراردادهای موقت... /

۴۳ خطر بروز ابر تورم بیخ گوش اقتصاد ایران است... /

۴۴ خانوارهای کم درآمد به علت هزینه‌های سرسام آور در مان به مرز «فروپاشی» رسیده‌اند... /

۴۵ با آغاز دوباره حملات نظامی در خاور میانه قیمت نفت افزایش یافت و بازارهای سهام ریزش کرد... /

۴۶-۴۷ خبرهای کوتاه... /

۴۸ پشت جلد - عکس هفته / حمایت از شاهزاده رضا پهلوی در لاهه

باز نشر
باز نشر

باز نشر



سرمقاله

دره عمیق میان ایران و توسعه

تیر هفته

علی خامنه‌ای در ایستگاه آخر؛
دفن شرّ مطلق

● علی خامنه‌ای برای ایران و منطقه شرّ مطلق بود. او را در حالی در مشهد دفن کردند که از یک سو حکومت با آمریکا مذاکره می‌کند و از سوی دیگر جنگ دوباره شعله‌ور شده‌است؛ هرچند او معتقد بود با سیاستی که دارد «نه جنگ می‌شود، نه مذاکره می‌کند».

مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای یک هفته به طول انجامید. در سه روز پایانی، یعنی زمانی که جنازه او در کربلا و نجف گردانده شد و سپس با هواپیمای «ماهان ایر» به مشهد منتقل شد، آمریکا در حملاتی سنگین، نقاط راهبردی در جنوب ایران را هدف قرار داد. با این همه، دستگاه تبلیغاتی حکومت و بویژه صداوسیما ترجیح دادند به جای پرداختن به بمباران پایگاه‌های سپاه و ارتش، بر مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای تمرکز کنند. با این حال، در بطن همین مراسم نیز آشکار شد که اختلاف‌ها و چنددستگی‌ها میان مقام‌های حکومت و طرفداران نظام شدت گرفته است. از مراسم رسمی تشییع جنازه خامنه‌ای که در تهران برگزار شد و مقامات خارجی به آن دعوت بودند استقبال قابل ملاحظه‌ای نشد. به جز نخست وزیر ارمنستان و پاکستان، هیچ مقام ارشد دیگر دولتی حتی دولت‌های مسلمان که حکومت آنها را «دوست» و «برادر» می‌خواند به این مراسم نیامدند. این وضعیت نشان می‌دهد تا چه اندازه اعتبار جمهوری اسلامی در سطح منطقه پایین آمده است. شماری از چهره‌های سیاسی داخلی که اندک زاویه‌هایی با خامنه‌ای داشتند نیز به مراسم دعوت نشده بودند یا حضور نیافتند. حسن روحانی و محمد خاتمی به‌عنوان دو رئیس جمهور پیشین، فرزندان هاشمی‌رفسنجانی و چهره‌های شناخته شده جریان اصلاح‌طلب در این مراسم حضور نداشتند.

شکاف میان مقامات و چنددستگی میان حامیان حکومت چه در مصلاهی تهران و خیابان‌های پایتخت و چه در قم و مشهد، طرفداران نظام هر کجا فرصت پیدا می‌کردند ←

همزمان با برگزاری مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای، که دو روز از آن در کربلا و نجف برگزار شد، جمهوری اسلامی چند کشتی خارجی را در تنگه هرمز هدف قرار داد. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، که برای شرکت در نشست رهبران ناتو به آنکارا رفته بود، در واکنش به این اقدام گفت: «به جمهوری اسلامی یک هفته فرصت دادیم تا برای خامنه‌ای عزاداری کند، اما حمله کردند».

به دستور رئیس‌جمهوری آمریکا، ارتش ایالات متحده چند مرکز راهبردی در جنوب ایران را در حملاتی نسبتاً سنگین هدف قرار داد که در نتیجه آن حدود ۱۵ نظامی کشته و زخمی شدند. سران ناتو نیز از این حملات حمایت کردند. در ادامه دونالد ترامپ در اظهاراتی بسیار تند، سران حکومت را با الفاظی نظیر «سرطان»، «آشغال» و «شور» خطاب کرد و گفت، «آتش‌بس» و «تفاهم» با جمهوری اسلامی تمام شد. مقامات آمریکایی نیز گفته‌اند کاخ سفید برای درگیری چندروزه یا چند هفته‌ای با ایران آماده می‌شود و این موضوع را به اطلاع دولت‌های منطقه رسانده است. با این حال، آنها تأکید کرده‌اند که ادامه درگیری‌ها به واکنش جمهوری اسلامی بستگی دارد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و از مهره‌های اصلی نظام، ۱۸ تیرماه در «ایکس» نوشت: «آمریکا هنوز یاد نگرفته است که زورگویی و بدعهدی دیگر بی‌هزینه نیست. شفاف بگوییم؛ برنید، می‌خورید».

او همچنین هشدار داد: «دست و پای بی‌هوده نزدیک به بیشتر فرو خواهد رفت. تنگه هرمز فقط با «ترتیبات ایرانی» باز می‌شود، نه با تهدیدات آمریکایی».

گزارش «اهداف توسعه پایدار ۲۰۲۶» در هفته‌ای که گذشت توسط اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد منتشر شد. امتیاز ایران در این گزارش ۶۸/۸ اعلام شده که بیانگر افزایش تنها ۰/۴ واحد درصدی توسعه در کشور طی یک دهه گذشته است. این میزان ناچیز تغییر برای کشوری که در بخش‌های مختلف از آب و انرژی و فرسودگی زیرساخت‌ها تا آموزش و برابری جنسیتی و محیط‌زیست با چالش‌های جدی روبروست تکانه‌دهنده است. از سوی دیگر رقم ناچیز تحول توسعه‌ای ایران یک پیام مهم دیگر را با خود به همراه دارد: در ساختار جمهوری اسلامی، تغییر درآمدهای دولت، شرایط تحریم و توافق، و سرازیرشدن درآمد خامروشی نفت به اقتصاد ایران تأثیری در توسعه کشور ندارد و تضمینی برای افزایش رفاه و بهبود کیفیت زندگی شهروندان نیست.

توافق هسته‌ای موسوم به برجام میان جمهوری اسلامی و گروه کشورهای ۵+۱ در ژوئیه ۲۰۱۵ امضا شد. توافقی که بندهای آن به‌سرعت اجرایی و با برداشته شدن تحریم‌ها، شریان‌های درآمد ارزی ناشی از خامروشی نفت را به اقتصاد ایران سرازیر کرد. گزارش‌های تبلیغاتی دولت وقت -دولت حسن روحانی- درباره برجام و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور و تقویت زیرساخت‌ها کم‌کم رنگ باخت و جای خود را به اخبار گسترده از فسادهای سازمانیافته و افشاشده‌ی اقتصادی، رانت، سوءمدیریت و اتلاف منابع عمومی داد. کارنامه توسعه ایران در یک دهه گذشته، که دوره گشایش نسبی اقتصادی پس‌برجام را نیز در بر می‌گیرد، نشان می‌دهد مشکل اصلی کشور صرفاً کمبود منابع مالی یا فشار تحریم‌ها نیست، بلکه کیفیت حکمرانی و نحوه تخصیص منابع، تعیین‌کننده‌ترین عامل در مسیر توسعه است.

تجربه کشورهای مختلف جهان نیز همین واقعیت را تأیید می‌کند. بسیاری از کشورهای ثروتمند و دارای منابع طبیعی، به دلیل ضعف نهادهای حکمرانی، نتوانسته‌اند توسعه پایدار را محقق کنند؛ در مقابل، کشورهای با منابع محدود اما با تکیه بر شفافیت، حاکمیت قانون، آموزش باکیفیت، پاسخگویی و مشارکت شهروندان نتوانسته‌اند جایگاه بالایی در شاخص‌های توسعه به دست آورند. بنابراین، توسعه بیش از آنکه محصول درآمدهای کلان باشد، نتیجه وجود نهادهای کارآمد و سیاست‌گذاری مبتنی بر منافع عمومی و ملی است.

شفافیت، پاسخگویی، دسترسی به عدالت، آزادی رسانه‌ها و مشارکت شهروندان به‌عنوان کلیدهای طلایی توسعه شناخته می‌شوند و ناگفته نپساید در چهل و هفت سال گذشته -حتی در دوران پس‌برجام- همه این فاکتورها توسط جمهوری اسلامی با محدودیت شدید روبرو بوده است. همچنین بسیاری از کارشناسان معتقدند توسعه از «مدرسه» آغاز می‌شود اما در ایران پس از انقلاب ۵۷ نه تنها میراث ساختار آموزشی باکیفیت دوران پهلوی حفظ نشد بلکه آموزش مسیری معکوس را طی کرد؛ کمبود شدید فضای آموزشی، ترک تحصیل یا جاماندگی دست‌کم یک میلیون دانش‌آموز از تحصیل، کاهش شدید کیفیت آموزشی و کاهش رتبه سواد دانش‌آموزان ایرانی، همگی گواهی بر پسرقت آموزش در ایران به عنوان «نخستین گام» توسعه است.

نگاهی به دیگر رتبه‌های ایران طی سالهای گذشته نیز نشان می‌دهد برداشته شدن تحریم‌ها تضمینی برای «توسعه» نیست و در کشوری که توسعه نیافته شهروندان همچنان در زمینه‌های مختلف با محرومیت روبرو خواهند بود.

برای نمونه ایران در سال‌های اخیر در شاخص «ادراک فساد» که از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل ارزیابی می‌شود در میان پایین‌ترین رتبه‌های جهان قرار داشته و در «شاخص‌های حکمرانی» بانک جهانی نیز در مؤلفه‌هایی چون کنترل فساد، حاکمیت قانون و پاسخگویی عمومی در قعر جدول رتبه‌بندی‌های بین‌المللی است. ایران یکی از بزرگترین زندان‌های روزنامه‌نگاران است و روند مهاجرت پرسرعت منابع انسانی از کشور بیانگر از دست رفتن یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای حرکت در مسیر توسعه است.

اینهمه نشان می‌دهد «امیدفروشی» درباره مذاکره و توافق شکننده با ایالات متحده و وعده‌هایی چون آزادسازی پولهای بلوکه شده در ساختاری که فساد، انحصار، رانت و نبود نظارت بر آن حاکم است نخواهد توانست ایران را در مسیر توسعه قرار دهد و همچنان توسعه پایدار جایگاهی در سیاست‌گذاری‌های کلان نخواهد داشت!

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران



هم میهنان عزیزم،

لازم است، و توقع من از همه هم میهنانم احترام و ارج گذاری به این تصمیم ملت و دولت دوست و برادر ماست. امسال، و در غیاب شما، من نه تنها از طرف خودم، بلکه به نمایندگی از سوی همه شما، به روان پاک شاهنشاه آریامهر درود خواهم فرستاد. با سپاس از پشتیبانی روز افزون همه شما، و در انتظار پیروزی نور بر تاریکی، فرح پهلوی

پهلوی، در کنار ما بوده اند، و من برای همیشه از این همه لطف و دوستی بی شائبه سپاسگزار و قدردان هستم. امسال دولت مصر، به دلیل مسائل امنیتی و همینطور اوضاع آشفته و درهم منطقه ای، صلاح در آن دیده که این مراسم در سطح دیداری محدود و تنها برای خاندان پهلوی انجام پذیرد. رعایت کامل چنین تصمیمی برای من، همه فامیل پهلوی، و همچنین همه ایرانیان راستین و میهن پرست بطور کامل

امسال چهل و هفتمین سال درگذشت شاهنشاه ایران در مصر است، و در تمامی این سال ها حضور پر شکوه و چشمگیر شما نشانه بارزی از ارج نهادن به خاطره آن پادشاه بزرگ و خاندان پهلوی است. جمهوری مصر و روسای جمهور آن از همان ابتدا، تا به امروز، همیشه و با ابراز محبتی برادرانه نسبت به خانواده

امارات که در صف دوستان رژیم بودند، یا اختلاف شدید با عمان بر سر انسداد تنگه هرمز بیش از آنکه تأمین کننده منافع نظام باشد، به آن زیان می‌رساند. چنانکه حتی محمدباقر قالیباف نیز هشدار داد که بسته ماندن تنگه هرمز بیش از آنکه به سود جمهوری اسلامی باشد، به زیان منافع آن است. با این حال، آشکار است که در ایران افرادی تصمیم‌ساز و مجری هستند که حتی نفوذ و قدرت امثال قالیباف نیز به آنها نمی‌رسد. در چنین شرایطی، زندگی برای مردم دشوارتر شده است. از یک سو گرانی بیداد می‌کند و از سوی دیگر، بیکاری و تعدیل نیرو گسترش یافته است. سفره‌ها کوچکتر شده، درآمد‌ها بشدت کاهش یافته و فشارهای روزمره‌ای که همچون سوهانی بر روح و روان مردم کشیده می‌شود، به طرز محسوسی افزایش یافته‌اند؛ از اختلال در شبکه بانکی که نزدیک به یک ماه است ادامه دارد، تا کمبود دارو، مالیات‌های سنگین و افزایش اجاره‌بها. علی‌خامنه‌ای برای ایران و منطقه شرّ مطلق بود. او را در حالی در مشهد دفن کردند که از یک سو حکومت با آمریکا مذاکره می‌کند و از سوی دیگر جنگ دوباره شعله‌ور شده‌است؛ هرچند او معتقد بود با سیاستی که دارد «نه جنگ می‌شود، نه مذاکره می‌کند.»

سرنوشتی نظام وضعیت را تغییر داد. در واقع شاخ جمهوری اسلامی پس از دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه آنقدر نشکسته است که به تسلیم بی‌قیدوشرط تن دهد و در مقابل نیز حاضر به پذیرش شروط ترامپ نیست. این احتمال که جنگ سومی آغاز شود، کم نیست؛ بویژه آنکه در درون نظام، جریانی که با توافق با آمریکا مخالف است، هرچند در اقلیت قرار دارد، اما به مراتب از جریان‌های خواهان معامله با آمریکا قدرت بیشتری دارد. جریان نخست به احتمال قوی همان مافیایی هستند که دسترسی بیشتری به پول، قدرت و سلاح دارند و احتمالاً ماشین سرکوب مردم در داخل کشور نیز از همانجا بیشتر فرمان می‌گیرد. به همین دلیل است که حتی در اوج ناراضی عمومی از حکومت، همچنان پول و سلاح در اختیار دستگاه سرکوب قرار می‌گیرد. با این‌همه اما این احتمال که در داخل همین جریان، نفوذی‌ها در اساسی‌ترین تصمیمات تأثیرگذار باشند، کم نیست. کسانی که شاید با توسل به اهرم ایدئولوژی و با شعار «خون‌خواهی» و «انتقام»، نظام را به سوی درگیری دیگری با آمریکا و اسرائیل و حتی رویارویی با دولت‌های عربی منطقه سوق می‌دهند. پرتاب موشک و پهپاد به کشورهایی مثل کویت، قطر و

→ علیه عباس عراقچی، مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف به‌عنوان حامیان مذاکره با آمریکا و نمایندگان جمهوری اسلامی در گفتگو با مقامات آمریکایی، شعار سر می‌دانند. حتی گزارش‌هایی منتشر شد که بعضی از ولایت‌مداران دواآتش نیز به سمت عراقچی و پزشکیان هجوم برده‌اند. در این مراسم مجتبی‌خامنه‌ای فرزند و جانشین علی‌خامنه‌ای بازهم غایب بود تا تردیدها و ابهامات در مورد سرنوشت او و اینکه چه کسانی زمام امور را بدست دارند، بیشتر شود. اگرچه مراسم تشییع جنازه علی‌خامنه‌ای برای حکومت فرصتی بود تا «مشروعیت» خود را در میان توده‌ها به نمایش بگذارد، اما شکاف میان مقام‌های حکومت و چندیستگی در میان حامیان آن واقعیتی نبود که بتوان آن را انکار کرد؛ چنان‌که حتی برخی مقام‌ها و کارشناسان وابسته نیز نسبت به آن هشدار دادند. مقامات آمریکایی تأکید می‌کنند که ترامپ علاقه‌ای به تشدید درگیری‌ها و ورود به یک جنگ بزرگ را ندارد، اما به نظر می‌رسد شرایط به نحوی است که همچنان استفاده از ابزار دیپلماسی برای تعیین تکلیف سرنوشت این نزاع ممکن نیست و همچنان باید معادلات در میدان رزم به نتیجه برسد تا بشود در چارچوب یک توافق یا تسلیم و حتی

شاهزاده رضا پهلوی: راهی که با فداکاری فرزندان جاوید نام ایران روشن شده است، ادامه خواهد یافت



رضا پهلوی
REZA PAHLAVI

متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان هلند

● «امروز اینجا هستیم. نه برای خودم، بلکه برای ملت ایران. نه برای آنکه شما مرا به رسمیت بشناسید، بلکه برای آنکه مردم ایران و حق بنیادین آنان برای انتخاب آزادانه حکومتشان را به رسمیت بشناسید.»

● «حمایت امروز از آرمان دموکراتیک مردم ایران، به مراتب کم‌هزینه‌تر از مواجهه فردا با رژیم خطرناک‌تر و قدرتمندتر است.»

● «تا زمانی که این رژیم بر سر کار باشد، این تهدیدها ادامه خواهد داشت و هر روز خطرناک‌تر خواهد شد. هیچ توافقی این مشکل را حل نخواهد کرد. این رفتار در سرشت این رژیم است. شما ۴۷ سال تلاش کردید رفتار جمهوری اسلامی را تغییر دهید، اکنون باید پذیرفت که این سیاست شکست خورده است.»

● «هلند پیشتر نقش رهبری خود را نشان داده است. شما نقش مهمی در پیشبرد روند تروریستی شناختن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اروپا داشتید. اکنون نیز باید بار دیگر پیشگام شوید. اروپا هنوز یک استراتژی واقعی در مورد جمهوری اسلامی ندارد.»

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ در نشست کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان هلند حضور یافت و طی سخنانی بر حمایت از مبارزه مردم ایران برای دموکراسی به عنوان سرمایه‌گذاری در امنیت هلند و ثبات اروپا تأکید کرد. متن کامل این سخنرانی را بر اساس آنچه در وبسایت «ایران را پس می‌گیریم» منتشر شده، در ادامه می‌خوانید.

«از رئیس محترم و اعضای کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان هلند سپاسگزارم که امروز فرصت حضور و سخن گفتن در این نشست را برای من فراهم کردند.

برای ما ایرانیانی که برای دموکراسی مبارزه می‌کنیم، سخن گفتن در پارلمان‌های دموکراسی‌های بزرگ جهان همواره معتاد و ارزشمند است.

این تنها لحظه‌ای مهم برای مردم ایران نیست. لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای امنیت اروپا و به ویژه هلند است. آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد، امنیت این قاره را برای سال‌های آینده شکل خواهد داد. جمهوری اسلامی دیگر صرفاً چالشی در خاورمیانه نیست، بلکه به تهدیدی برای اروپا و جهان تبدیل شده است.

یکی از حساس‌ترین لحظات تاریخ این سرزمین، جان خود را در راه آزادی ایران فدا کردند.

بیش از ۴۰ هزار جاوید نام دی‌ماه، با آگاهی از خطرهای پیش رو، قدم در این مسیر گذاشتند. آنان می‌دانستند شاید دیگر هرگز به خانه بازنگردند، اما در لحظه‌ای که ایران به آنان نیاز داشت، ایستادند. آنان بر خلاف مزدوران ضحاک، برای وعده‌های ناچیز و منافع شخصی به میدان نیامده بودند. آنها، شکوهمند، برای بازپس‌گیری ایران و هویت ملی‌مان برخاستند. آنان که از جنس زندگی، باور و نور بودند، در برابر تاریکی ایستادند تا نام ایران زنده بماند؛ و نام‌شان برای همیشه در تاریخ سرزمین ما ماندگار شد. آنان نشان دادند که عشق به میهن، از ترس مرگ نیرومندتر است.

امروز شش ماه از آن روزها گذشته است، اما برای خانواده‌های شریف جاوید نامان، زمان همچنان در همان شب‌های دشوار متوقف مانده است؛ خانواده‌هایی که عزیز و گاه تنها نان‌آور خود را از دست داده‌اند؛ پدران و مادرانی که هر صبح با جای خالی فرزندشان چشم می‌گشایند؛ همسران، خواهران و برادرانی که در کنار رنج تهدید و سرکوب را نیز تحمل می‌کنند.

این خانواده‌ها تنها صاحبان یک داغ نیستند؛ آنها نگرهبان و امانتدار یاد و فداکاری دلیرترین فرزندان ایران هستند. مسئولیت همه ماست که اجازه ندهیم این بار سنگین را به تنهایی بر دوش بکشند. وظیفه ملی و میهنی ماست که بیش از پیش پشتیبان‌شان باشیم؛ به دیدارشان برویم، صدای آنان را بازتاب دهیم، یاد عزیزانشان را زنده نگه داریم و در حد توان خود، نگذاریم فشارهای روحی، تهدیدها و دشواری‌های مالی، آنان را به سکوت و فراموشی وادار کند. متن این پیام ویدیویی به شرح زیر است:

«هم‌میهنان عزیز، جمهوری اسلامی می‌کوشد صدای واقعی مردم ایران را در میان هیاهوی مراسم حکومتی برای یک جنایتکار بالفطره و یکی از منفورترین حاکمان تاریخ ایران پنهان کند. رژیم فرسوده، پوسیده و رو به زوال، با نمایش‌های ساختگی، تبلیغات دروغین و هزینه‌های هنگفتی که از جیب مردم ایران غارت می‌شود، تلاش دارد تصویری جعلی از مشروعیت برای خود بسازد.

شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب شیروخورشید ایران در یک پیام ویدیویی که چهارشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ برابر با ۸ ژوئیه ۲۰۲۶ همزمان با ششمین ماه خیزش دی‌ماه ۴۰۴ و کشتار وحشیانه‌ی شهروندان معترض توسط حکومت منتشر شد، با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی «تلاش دارد تصویری جعلی از مشروعیت برای خود بسازد»، تأکید کرد: «اما حقیقت ایران جای دیگری ایستاده است؛ در کنار نام و یاد فرزندان دل‌آوری که با آگاهی، رشادت و فداکاری، در یکی از حساس‌ترین لحظات تاریخ این سرزمین، جان خود را در راه آزادی ایران فدا کردند.»

وی افزود: «امروز شش ماه از آن روزها گذشته است، اما برای خانواده‌های شریف جاوید نامان، زمان همچنان در همان شب‌های دشوار متوقف مانده است؛ خانواده‌هایی که عزیز و گاه تنها نان‌آور خود را از دست داده‌اند؛ پدران و مادرانی که هر صبح با جای خالی فرزندشان چشم می‌گشایند؛ همسران، خواهران و برادرانی که در کنار رنج سوگ، فشار تهدید و سرکوب را نیز تحمل می‌کنند.»

شاهزاده مخاطبان را فراخواند تا پشتیبان خانواده‌های جاوید نامان باشند: «وظیفه ملی و میهنی ماست که بیش از پیش پشتیبان‌شان باشیم؛ به دیدارشان برویم، صدای آنان را بازتاب دهیم، یاد عزیزانشان را زنده نگه داریم و در حد توان خود، نگذاریم فشارهای روحی، تهدیدها و دشواری‌های مالی، آنان را به سکوت و فراموشی وادار کند.»

متن این پیام ویدیویی به شرح زیر است:
«هم‌میهنان عزیز، جمهوری اسلامی می‌کوشد صدای واقعی مردم ایران را در میان هیاهوی مراسم حکومتی برای یک جنایتکار بالفطره و یکی از منفورترین حاکمان تاریخ ایران پنهان کند. رژیم فرسوده، پوسیده و رو به زوال، با نمایش‌های ساختگی، تبلیغات دروغین و هزینه‌های هنگفتی که از جیب مردم ایران غارت می‌شود، تلاش دارد تصویری جعلی از مشروعیت برای خود بسازد.
اما حقیقت ایران جای دیگری ایستاده است؛ در کنار نام و یاد فرزندان دل‌آوری که با آگاهی، رشادت و فداکاری، در

پاینده ایران»

تنها دو ماه پیش، این رژیم از طریق عوامل نیابتی خود تلاش کرد یک مخالف ایرانی را در خاک هلند ترور کند. تا زمانی که این رژیم بر سر کار باشد، این تهدیدها ادامه خواهد داشت و هر روز خطرناکتر خواهد شد. هیچ توافقی این مشکل را حل نخواهد کرد. این رفتار در سرشت این رژیم است. شما ۴۷ سال تلاش کردید رفتار جمهوری اسلامی را

است. اما دلیل دیگری نیز وجود دارد که هلند باید نگاه خود به ایران را بازنگری کند. واقعیت‌های داخل ایران تغییر کرده است. سال‌هاست که نزاع اصلی دیگر میان اصلاح‌طلب و تندرو نیست، بلکه میان ملتی است که می‌خواهد آینده خود را به

اجازه دهید اصول خود را روشن بیان کنم. من به ایرانی سکولار، دموکراتیک، متعهد به حقوق بشر، و فراگیر برای همه شهروندان، فارغ از مذهب و باورشان، ایمان دارم. ایرانی که بار دیگر به نیرویی برای صلح و ثبات در جهان تبدیل شود.

به درخواست ده‌ها میلیون تن از هم‌میهن‌انم، مسئولیت هدایت گذار ایران به دموکراسی را بر عهده گرفته‌ام. این همان خواستی بود که مردم ایران در سراسر کشور، هنگامی که در دی‌ماه به فراخوان من پاسخ دادند، با صدای بلند اعلام کردند.

آنان برای آزادی بهایی سنگین پرداختند. بیش از ۴۰ هزار نفر از آنان به دست جمهوری اسلامی کشته شدند.

آنها بهای آزادی را با خون خود پرداختند و شایسته حمایت ملت‌های آزاد هستند.

به همین دلیل امروز اینجا هستم. نه برای خودم، بلکه برای ملت ایران. نه برای آنکه شما مرا به رسمیت بشناسید، بلکه برای آنکه مردم ایران و حق بنیادین آنان برای انتخاب آزادانه حکومتشان را به رسمیت بشناسید.

آنان، همانگونه که در سرود ملی شما آمده است، علیه «استبدادی که قلب را به درد می‌آورد» مبارزه می‌کنند.

من توانسته‌ام طیفی گسترده از نیروهای سیاسی، از چپ تا راست، جمهوریخواه و مشروطه‌خواه، اقوام گوناگون، نسل‌های مختلف، گرایش‌های فکری متفاوت، پیروان ادیان گوناگون، و حتی رقبای سیاسی پیشین را حول یک هدف مشترک متحد کنم: پایان دادن به جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک نظام سکولار و دموکراتیک.

این نیروها به من اعتماد کرده‌اند تا گذار کشور را بر پایه چهار اصل اساسی هدایت کنم.

حفظ تمامیت ارضی ایران، تضمین برابری همه شهروندان و آزادی‌های فردی، جدایی دین از حکومت، و حق مردم ایران برای تعیین نوع نظام سیاسی آینده خود.

این مبارزه بر سر جمهوری یا پادشاهی مشروطه نیست. بر سر فرآیندی است که مردم ایران بتوانند در انتخاباتی آزاد و منصفانه، خود درباره آینده کشورشان تصمیم بگیرند.

چرا این موضوع برای هلند اهمیت دارد؟

زیرا یک ایران آزاد، سکولار و دموکراتیک، یکی از بزرگترین چالش‌های بلندمدت امنیت اروپا را به یکی از مهم‌ترین شرکای استراتژیک آن تبدیل خواهد کرد.

ایران آزاد به حمایت از تروریسم پایان خواهد داد، ارسال تجهیزات برای ماشین جنگی پوتین را متوقف خواهد کرد، به ثبات یکی از حساس‌ترین مناطق جهان کمک خواهد کرد، و به کشوری با ۹۰ میلیون جمعیت تبدیل خواهد شد که مشتاق تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری با اروپا است.

برای هلند، با جایگاه جهانی‌اش در تجارت، لجستیک، مدیریت آب، نوآوری و بازرگانی بین‌المللی، این یک اقدام خیرخواهانه نیست، یک فرصت استراتژیک است.

در مقابل، ادامه حیات جمهوری اسلامی به معنای تهدید دائمی هسته‌ای و موشکی علیه اروپا، گسترش تروریسم در خاک این قاره، ادامه اختلال در تجارت جهانی، و تداوم همکاری نظامی با روسیه خواهد بود.

حمایت امروز از آرمان دموکراتیک مردم ایران، به‌مراتب کم‌هزینه‌تر از مواجهه فردا با رژیم خطرناک‌تر و قدرتمندتر



شاهزاده رضا پهلوی در سفر هلند / ۶ ژوئیه ۲۰۲۶

تغییر دهید، اکنون باید پذیرفت که این سیاست شکست خورده است.

هلند پیشتر نقش رهبری خود را نشان داده است. شما نقش مهمی در پیشبرد روند تروریستی شناختن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اروپا داشتید. اکنون نیز باید بار دیگر پیشگام شوید. اروپا هنوز یک استراتژی واقعی در مورد جمهوری اسلامی ندارد.

همانگونه که روزی از مبارزه علیه آپارتاید و جنبش همبستگی لهستان حمایت کردید، امروز نیز در کنار مردم ایران بایستید.

مردم ایران از شما نمی‌خواهند انقلابشان را بجای آنان انجام دهید. آنان خود هر روز جانشان را برای آزادی به خطر می‌اندازند. تنها خواسته‌شان این است که به سرکوبگران مشروعیت ندهید، تروریست‌ها را تقویت نکنید، و خود را برای روزی آماده کنید که ایران بار دیگر جایگاه شایسته خود را در میان کشورهای آزاد جهان بازخواهد یافت.

حمایت از مردم ایران صرفاً اقدامی انسان‌دوستانه در قبال کشوری دوردست نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای امنیت هلند، ثبات اروپا، و خاورمیانه‌ای است که بجای تروریسم، بی‌ثباتی و موج‌های پناهجویی، تجارت، همکاری و رفاه صادر کند.

کمتر تصمیمی در سیاست خارجی می‌تواند هم‌زمان هر سه این هدف‌ها را تحقق بخشد. تاریخ قضاوت خواهد کرد که آیا اروپا این لحظه را به درستی شناخته یا نه. لحظه‌ای که نه تنها فرصتی برای یاری رساندن به ملتی بزرگ در پس گرفتن حاکمیت خود است، بلکه فرصتی برای امن‌تر کردن هلند، اروپا و جهان نیز هست.

و در پایان، امیدوارم روزی که مردم ایران، مانند شما در سرود ملی‌تان، فریاد بزنند: «آزاد و بی‌هراس هستیم»، بتوانم به آنان بگویم که مردم هلند در کنارشان ایستادند.

سپاسگزارم».

دست بگیرد و رژیمی که نزدیک به نیم‌قرن آن را به گروگان گرفته است. این نبرد، نبرد بر سر روح ایران است.

شما در هلند معنای اشغال را به خوبی می‌شناسید. همانگونه که ملکه ویلهلمینا و مقاومت شجاعانه مردم هلند برای آزاد ساختن کشورشان از اشغال نازی‌ها از یاری دوستان خود بهره گرفتند، نه از سر وابستگی، بلکه از سر عشق به میهن و استقلال آن، امروز مردم ایران نیز در همان نقطه از تاریخ ایستاده‌اند.

راهی معتبر و عملی برای آینده وجود دارد. این خیال‌پردازی نیست. ما برنامه‌ای روشن برای گذار داریم. برنامه‌ای که من و همکارانم برای پایان دادن به جمهوری اسلامی و ساختن آینده‌ای نو تدوین کرده‌ایم.

نخست، تقویت جنبش دموکراسی‌خواهی در داخل ایران و آماده ساختن مردم برای لحظه تعیین‌کننده.

دوم، تشویق نیروهای مسلح به پیوستن به ملت برای تضمین یک گذار باثبات.

سوم، جلب حداکثر حمایت جامعه جهانی از مردم ایران، به ویژه در حوزه‌هایی مانند دسترسی به اینترنت، جایی که فناوری و تجربه هلند می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

چهارم، اعمال حداکثر فشار بر رژیم از طریق تحریم‌ها، اجرای کامل تروریستی شناختن سپاه پاسداران، انزوای دیپلماتیک، و اقدامات هدفمند.

و پنجم، آماده شدن از همین امروز برای دوران گذار، با برنامه‌ای سیاسی، حقوقی و اقتصادی برای بازسازی ایران.

اجازه دهید به سه واقعیت مهم اشاره کنم که باید در سیاست هلند نسبت به ایران مورد توجه قرار گیرد:

نخست، رنج و خواست مردم ایران باید به محور سیاست جامعه جهانی تبدیل شود. موضوعی که امروز تقریباً نادیده گرفته شده است.

دوم، سیاست مداخلات شکست خورده است. تهدیدهایی که جمهوری اسلامی برای اروپا ایجاد می‌کند، پایانی ندارد.

حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان هلند؛ «سازش با رژیم ایران بی‌فایده است، به سرکوبگرها مشروعیت ندهید»

● شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ طی سخنانی در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان پارلمان هلند در شهر لاهه، تأکید کرد که حمایت از مردم ایران «سرمایه‌گذاری در امنیت هلند، ثبات اروپا و ایجاد خاورمیانه‌ای است که بجای تروریسم و بی‌ثباتی، به صادرات و تجارت می‌پردازد.»

● همزمان صدها ایرانی میهن‌دوست در حمایت از انقلاب شیر و خورشید ایران و شاهزاده رضا پهلوی در خارج از ساختمان پارلمان تجمع کرده و خواستار حمایت جامعه بین‌الملل از مردم ایران شدند.

● شاهزاده رضا پهلوی با یادآوری مقاومت ملکه ویلهلمینا و مردم هلند در برابر رژیم هیتلر و ارتش نازی‌ها گفت: «مردم ایران جانشان را برای انقلاب به خطر انداخته‌اند؛ آنها تنها می‌خواهند که به سرکوبگرانشان مشروعیت ندهید، ترورکنندگانشان را تقویت نکنید و برای روزی آماده شوید که ایران بار دیگر جایگاه خود را در میان ملت‌های آزاد جهان باز یابد.»

● در حاشیه این سفر، شاهزاده رضا پهلوی با شماری از روزنامه‌نگاران و نمایندگان رسانه‌ها گفتگو کرد. او در مصاحبه با روزنامه «دی تلگراف» هلند، در پاسخ به این پرسش که آیا تغییر رژیم در ایران می‌تواند به سرنوشتی مشابه عراق یا افغانستان منجر شود، تأکید کرد: «ایران متفاوت است. کشور ما از زمان کوروش کبیر پابرجا بوده است. ما هم‌اکنون برنامه‌ای داریم که فراتر از روز پس از سقوط رژیم را در نظر می‌گیرد و برای گذاری باثبات تلاش می‌کنیم.»

شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ طی سخنانی در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان پارلمان هلند در شهر لاهه، تأکید کرد که حمایت از مردم ایران «سرمایه‌گذاری در امنیت هلند، ثبات اروپا و ایجاد خاورمیانه‌ای است که بجای تروریسم و بی‌ثباتی، به صادرات و تجارت می‌پردازد.»

همزمان صدها ایرانی میهن‌دوست در حمایت از انقلاب شیر و خورشید ایران و شاهزاده رضا پهلوی در خارج از ساختمان پارلمان تجمع کرده و خواستار حمایت جامعه بین‌الملل از مردم ایران شدند.

شاهزاده رضا پهلوی در سخنان خود با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای رهبری دوران گذار به درخواست میلیون‌ها ایرانی توضیح داد: «من ائتلافی متنوع از

نیروهای چپ و راست، جمهوریخواه و پادشاهی‌خواه را حول یک مأموریت مشترک یعنی پایان دادن به جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک سکولار دموکراسی متحد کرده‌ام.»

او همچنین با هشدار نسبت به بی‌فایده بودن سیاست مصالحه و سازش با تهران افزود که تا زمان بقای این



حکومت، تهدیدهای اتمی، موشکی و تروریستی علیه اروپا ادامه خواهد داشت.

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از اظهارات خود با ارائه برنامه‌ای شامل پنج محور برای سرنگونی حکومت ایران و تحقق گذار پایدار، از دولت هلند خواست تا بار دیگر در اروپا پیشگام شود و از مبارزات مردم ایران حمایت کند.

شاهزاده رضا پهلوی با یادآوری مقاومت ملکه ویلهلمینا و مردم هلند در برابر رژیم هیتلر و ارتش نازی‌ها گفت: «مردم ایران جانشان را برای انقلاب به خطر انداخته‌اند؛ آنها تنها می‌خواهند که به سرکوبگرانشان مشروعیت ندهید، ترورکنندگانشان را تقویت نکنید و برای روزی آماده شوید که ایران بار دیگر جایگاه خود را در میان ملت‌های آزاد جهان باز یابد.»

شاهزاده رضا پهلوی با قدردانی از کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان هلند برای دعوتش به این مجلس گفت: «بیامی که به لاهه بروم، ساده بود؛ رنج و خواسته‌های مردم ایران باید به محور اصلی سیاست بین‌المللی در قبال ایران تبدیل شود.» او تأکید کرد: «توانمند کردن مردم ایران، نه گستاخ کردن این حکومت، صلح و ثباتی پایدار به همراه خواهد داشت.»

ایرانی‌های زیادی از راه‌های دور و نزدیک به لاهه رفتند تا حمایتشان از انقلاب شیر و خورشید و شاهزاده رضا پهلوی را نشان دهند.

در حاشیه این سفر، شاهزاده رضا پهلوی با شماری از روزنامه‌نگاران و نمایندگان رسانه‌ها گفتگو کرد. او در مصاحبه با روزنامه «دی تلگراف» هلند، در پاسخ به این پرسش که آیا تغییر رژیم در ایران می‌تواند به سرنوشتی مشابه عراق یا افغانستان منجر شود، تأکید کرد: «ایران متفاوت است. کشور ما از زمان کوروش کبیر پابرجا بوده است. ما هم‌اکنون برنامه‌ای داریم که فراتر از روز پس از سقوط رژیم را در نظر می‌گیرد و برای گذاری باثبات تلاش می‌کنیم.»

دونالد ترامپ در حاشیه نشست ناتو در آنکارا: «آتش‌بس» میان آمریکا و جمهوری اسلامی تمام شد

● در پی ادامه حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۷ تیرماه، با انتقاد شدید از مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرد که «تفاهمنامه» و «آتش‌بس» میان ایالات متحده و رژیم ایران پایان یافته است.

● ترامپ که برای حضور در نشست رهبران عضو ناتو به آنکارا سفر کرده است، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ادامه آتش‌بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی گفت: «از نظر من، آتش‌بس پایان یافته است. دیگر نمی‌خواهم با آنها سر و کار داشته باشم.»

● ترامپ همچنین با لحنی تند، مقامات جمهوری اسلامی را «شور، بیمار و فریبکار» توصیف کرد و گفت: «آنها یک مشت آشغال هستند.» او اضافه کرد که از مقامات جمهوری اسلامی «اصلاً خوشش نمی‌آید» و ایالات متحده «وقت زیادی را با آنها تلف کرده است.»

● مارک روته دبیرکل ناتو در نشست خبری مشترک با دونالد ترامپ از حملات شبانه آمریکا به جمهوری اسلامی حمایت کرد و گفت این حملات «کاملاً ضروری» بوده است.

در پی ادامه حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۷ تیرماه، با انتقاد شدید از مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرد که «تفاهمنامه» و «آتش‌بس» میان ایالات متحده و رژیم ایران پایان یافته است.

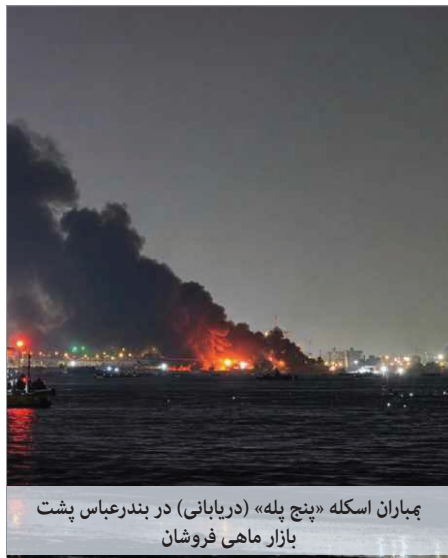
ترامپ که برای حضور در نشست رهبران عضو ناتو به آنکارا سفر کرده است، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ادامه آتش‌بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی گفت: «از نظر من، آتش‌بس پایان یافته است. دیگر نمی‌خواهم با آنها سر و کار داشته باشم.»

او افزود که مقامات جمهوری اسلامی خواهان مذاکره هستند، اما وی ادامه گفتگو با تهران را «اتلاف وقت» می‌داند.

ترامپ همچنین با لحنی تند، مقامات جمهوری اسلامی را «شور، بیمار و فریبکار» توصیف کرد و گفت: «آنها یک مشت آشغال هستند.» او اضافه کرد که از مقامات جمهوری اسلامی «اصلاً خوشش نمی‌آید» و ایالات متحده «وقت زیادی را با آنها تلف کرده است.»

رئیس‌جمهوری آمریکا افزود، مقامات جمهوری اسلامی سال‌هاست او را در فهرست اهداف ترور خود قرار داده‌اند. او گفت: «من سال‌هاست که نفر اول فهرست آنها

حملات سنگین آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران؛ دبیرکل ناتو: این حملات ضروری بود



مباران اسکله «پنج پله» (دریابانی) در بندرعباس پشت بازار ماهی فروشان

موشک‌های کروز ضد کشتی، محل‌های پرتاب پهپاد و تأسیسات بندری ایران را هدف قرار داده است.

سنتکام در بیانیه خود اعلام کرد، در این عملیات بیش از ۸۰ هدف با استفاده از مهمات هدایت‌شونده دقیق مورد حمله قرار گرفت.

در پی حملات آمریکا به تأسیساتی در جنوب ایران، مسعود پزشکیان که برای شرکت در مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای به نجف رفته بود، سفرش را نیمه‌تمام گذاشت و به ایران بازگشت.

سپاه پاسداران با صدور اطلاعیه‌ای مدعی شد که در پاسخ به حملات سنتکام، به تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه حمله کرده است. در این اطلاعیه همچنین ادعا شده که حملات آمریکا ناشی از «حماسه‌سازی مردم در مراسم پرشکوه و دشمن‌شکن» تشییع جنازه خامنه‌ای بود.

سردار حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد، یک فروند پهپاد MQ9 آمریکا در آسمان خورموج استان بوشهر، مورد اصابت قرار گرفته و ساقط شده است. آمریکا هنوز این ادعا را رد یا تأیید نکرده است.

حمایت ناتو از حملات آمریکا

این حملات همزمان با حضور رهبران ناتو در ترکیه صورت گرفت. منابع رسانه‌ای گزارش دادند، ترامپ فرمان حمله را در آنکارا صادر کرد.

مارک روتته دبیر کل ناتو روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه گفت، حملات امروز ارتش آمریکا به جمهوری اسلامی ایران کاملاً ضروری بود.

روته که به همراه دیگر رهبران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در آنکارا پایتخت ترکیه حضور دارد، گفت که اختلافات اعضای این سازمان با ترامپ درباره جنگ با جمهوری اسلامی، «موردی» بوده و این مشکلات هم‌اکنون برطرف شده است.

دبیرکل ناتو گفت، انتظار می‌رود همه اعضای ناتو در بیانیه پایانی نشست آنکارا از حکومت ایران بخواهند تا تنگه هرمز را به صورت کامل بازگشایی کند.

● در واکنش به حملات جمهوری اسلامی به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز، ارتش آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ تأسیسات نظامی سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی شامل چند رادار و دکل، اسکله و قایق‌های سپاه، سایت پهپادی و انبار مهمات در بندرعباس، سیریک، قشم و جزیره هنگام و بندر جاسک را بمباران کرد.

● سنتکام در بیانیه خود اعلام کرد، در این عملیات بیش از ۸۰ هدف با استفاده از مهمات هدایت‌شونده دقیق مورد حمله قرار گرفت.

● در پی حملات آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران، مسعود پزشکیان که برای شرکت در مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای به نجف رفته بود، سفرش را نیمه‌تمام گذاشت و به ایران بازگشت.

● سپاه پاسداران با صدور اطلاعیه‌ای مدعی شد که حملات آمریکا ناشی از «حماسه‌سازی مردم در مراسم پرشکوه و دشمن‌شکن» تشییع جنازه خامنه‌ای بود.

● مارک روتته دبیر کل ناتو گفت که حملات ارتش آمریکا به جمهوری اسلامی ایران کاملاً ضروری بود. روتته که به همراه دیگر رهبران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در آنکارا پایتخت ترکیه حضور دارد گفت، اختلافات اعضای این سازمان با ترامپ درباره جنگ با جمهوری اسلامی، «موردی» بوده و این مشکلات هم‌اکنون برطرف شده است.

در واکنش به حملات جمهوری اسلامی به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز، ارتش آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ تأسیسات نظامی سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی شامل چند رادار و دکل، اسکله و قایق‌های سپاه، سایت پهپادی و انبار مهمات در بندرعباس، سیریک، قشم و جزیره هنگام و بندر جاسک را بمباران کرد.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در بیانیه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اعلام کرد نیروهای آمریکایی این حملات را «برای تحمیل هزینه‌های سنگین بابت هدف قرار دادن و حمله به کشتی‌های تجاری با خدمه غیرنظامی بی‌گناه در یک آبراه بین‌المللی» انجام داده‌اند.

در این بیانیه آمده است: «رفتار تهاجمی ایران کاملاً غیرقابل توجیه، خطرناک و نقض آشکار آتش‌بس بود.» شبکه سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که حملات تازه این کشور به جمهوری اسلامی نه یک عملیات متناسب با حمله سپاه به سه کشتی بلکه اقدامی تنبیهی است که به سرعت تمام نخواهد شد.

یک مقام آمریکایی نیز به آکسیوس گفت، حملات آمریکا به تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی ایران در بامداد چهارشنبه، از نظر گستره و قدرت، چهار تا پنج برابر بزرگتر از حملات ۱۰ روز پیش بوده است.

رویترز نیز به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت، حملات آمریکا به جمهوری اسلامی، سامانه‌های پدافند هوایی، سامانه‌های پایش ساحلی، موشک‌های زمین به هوا،

دونالد ترامپ در حاشیه دیدار خود با مارک روتته دبیرکل ناتو درباره حملات بامداد چهارشنبه آمریکا به اهدافی در ایران نیز گفت نیروهای آمریکایی «حمله‌ای بسیار شدید» انجام داده‌اند که به گفته او «۲۰ برابر شدیدتر» از حملات پیشین بوده است.



دونالد ترامپ

او تأکید کرد که جمهوری اسلامی حملات موشکی به شناورها را آغاز کرده و آمریکا نیز در پاسخ دست به اقدام نظامی زده است. ترامپ هشدار داد: «هر بار که آنها حمله کنند، ما پاسخ خواهیم داد.»

آمریکا و ایران روز ۲۷ خرداد «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» را امضاء کردند که بر اساس آن، درگیری‌های نظامی میان دو کشور متوقف می‌شد و دو طرف متعهد شدند در یک دوره ۶۰ روزه برای دستیابی به «توافق نهایی» و پایدار درباره صلح مذاکره کنند. با این حال، اظهارات تازه رئیس جمهوری آمریکا نشان می‌دهد که او این توافق را پایان‌یافته می‌داند و در شرایط کنونی تمایلی به ادامه‌ی گفتگو با جمهوری اسلامی ندارد. در جریان حملات آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران شامل چند سایت راداری و دکل، پایگاه نیروی هوایی و مقر سپاه پاسداران، دست‌کم شش نفر کشته و مجروح شدند که نیروی دریایی سپاه فعلاً کشته شدن یک نفر را فعلاً تأیید کرد.

حمایت ناتو از حملات آمریکا

مارک روتته دبیرکل ناتو در نشست خبری مشترک با دونالد ترامپ در آنکارا، از حملات شبانه آمریکا به جمهوری اسلامی حمایت کرد و گفت این حملات «کاملاً ضروری» بوده است. روتته با اشاره به حملات آمریکا افزود: «این یک پاسخ بسیار قوی بود و من در این موضوع با شما هم‌نظر هستم.» دبیرکل ناتو همچنین از مواضع کشورهای اروپایی از عملیات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی دفاع کرد. او این اظهارات را در واکنش به انتقادهای ترامپ از برخی اعضای ناتو، از جمله بریتانیا و اسپانیا، به دلیل محدود کردن همکاری نظامی با آمریکا مطرح کرد.

روته خطاب به ترامپ گفت: «می‌دانم که شما درباره ایران ناامید شده‌اید، اما به نظر من اینها مواردی استثنایی هستند.» او افزود: «پنج هزار هواپیما از فرودگاه‌های اروپا در حمایت از عملیات «خشم حماسی» به پرواز درآمدند و اروپا به سکوی بزرگ برای نمایش و اعمال قدرت آمریکا تبدیل شد.»

جمهوری اسلامی و «تفاهم» هایش در سی و ششمین نشست ناتو در آنکارا

از عناصر قدرت خود را از دست می‌دهد، انتظار می‌رود جستجو برای جایگزین‌هایی آغاز شود که بتوانند میراث وضعیتی را بر عهده بگیرند که سال‌ها بر سیاست منطقه مسلط بود.

درواقع، بیشتر توافقاتی صلی که طی حدود یک سال گذشته در سراسر منطقه حاصل شده‌اند، تا حد زیادی بر اساس وضعیت ایران شکل گرفته‌اند و اکنون باید متناسب با شرایط جدید مورد بازنگری قرار گیرند. روند اجرای این توافقات نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تا آخرین لحظه تلاش کرده است مفاد آنها را به سود خود تفسیر و مدیریت کند و در عین حال، موازنه‌های جدید قدرت را نادیده بگیرد.

طرفین درگیر پای میز مذاکره می‌نشستند، هزینه‌هایی می‌پرداختند و به توافقاتی دست می‌یافتند و سپس زندگی به روال عادی بازمی‌گشت.

اما این الگو پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) دستخوش تغییر شد. نظم جدیدی که از دل آن جنگ ویرانگر زاده شد، زمینه ظهور آنچه را «جنبش‌های آزادیبخش» نامیده می‌شد، فراهم کرد؛ جنبش‌هایی که بعدها به ابزاری در دست اتحاد جماهیر شوروی و اردوگاه وابسته به آن تبدیل شدند تا از طریق آنها با رقیب سنتی خود، یعنی ایالات متحده آمریکا، مبارزه و مذاکره کند.

الگوی جنگ نیابتی با فروپاشی اتحاد شوروی به سرعت رنگ باخت، اما حکومت ایران پس از انقلاب اسلامی کوشید

الگوی جنگ نیابتی از طریق جنبش‌های آزادیبخشی که مورد حمایت روسیه بودند، با فروپاشی اتحاد شوروی به سرعت رنگ باخت، اما حکومت ایران پس از انقلاب اسلامی کوشید آن را در چارچوب مفاهیم ایدئولوژیک، مذهبی و منافع خود احیاء کند. در نتیجه، جهان شاهد ظهور بازوهای منطقه‌ای رژیم ایران شد؛ نیروهایی که هرگاه مرکز به آنها نیاز داشت، جنگ‌های را پیش می‌بردند و هر زمان حفظ آنها برای نبردهای مهم‌تر ضروری تشخیص داده می‌شد، از درگیری کنار کشیده می‌شدند. اما این معادله نیز زمانی کارایی خود را از دست می‌دهد که خود مرکز، عناصر قدرتش را از دست بدهد و ابزارها و شاخه‌هایش پراکنده شوند.

بیشتر توافقاتی صلی که طی حدود یک سال گذشته در سراسر منطقه حاصل شده‌اند، تا حد زیادی بر اساس وضعیت ایران شکل گرفته‌اند و اکنون باید متناسب با شرایط جدید مورد بازنگری قرار گیرند. روند اجرای این توافقات نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تا آخرین لحظه تلاش کرده است مفاد آنها را به سود خود تفسیر و مدیریت کند و در عین حال، موازنه‌های جدید قدرت را نادیده بگیرد.

هفته برگزاری راهپیمایی‌های ضدآمریکایی و مراسم نمادین اعتراض در ایران و عراق، با پایان مراسم تدفین رهبر حکومت ایران و همراهانش خاتمه خواهد یافت و همزمان، یکی از مهلت‌های اعلام‌نشده نیز پایان می‌پذیرد؛ مهلتی که پس از آن رسیدگی به مسائل اساسی آغاز خواهد شد. درواقع خلع سلاح نیروهای نیابتی به عنوان نماد چهره جدید از حکومتی تبدیل شده که در حال خروج از معادلات منطقه‌ای است.

جمهوری اسلامی دیگر فرصت چندانی برای خریدن زمان، بازی با اعصاب طرف مقابل یا تغییر معادلات ندارد. نظام پس از پایان مراسم تشییع زمامدارانش، ناگزیر خواهد بود نتایج نشست کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را که این هفته برای نخستین بار طی ۲۲ سال گذشته در آنکارا برگزار می‌شود و دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا حضوری فعال و برجسته در آن دارد، با دقت دنبال کند.

تونی فرانسیس (ایندیپندنت عربی) - سی و ششمین نشست پیمان نظامی ناتو در پایان مجموعه‌ای از تحولات بزرگ در خاورمیانه برگزار می‌شود؛ تحولاتی که جمهوری اسلامی ایران را به بازنده اصلی در سوریه، لبنان و فلسطین تبدیل کرده و ترکیه را به بازیگری جایگزین بدل ساخته است؛ بازیگری که می‌کوشد خلأ ناشی از کاهش نفوذ ایران را پر کند؛ آنهم در سایه «پیروزی»‌های اسرائیل و طرح‌هایی که بنیامین نتانیاهو برای خاورمیانه جدید در نظر دارد.

اکنون دورانی که توافقات نام‌های میان دولت‌ها به صورت خودکار اجرا می‌شود، به پایان رسیده است. تقریباً همه جنگ‌های بزرگ و کوچک تا پایان قرن بیستم با توافقات و مصالحه‌هایی خاتمه می‌یافتند. این سنت احتمالاً از جنگ‌های اروپایی قرن گذشته سرچشمه گرفت و در جنگ‌های جهانی نیز ادامه یافت؛ جنگ آغاز می‌شد، خسارت‌ها وارد می‌آمد،



استقبال رجب طیب اردوغان از دونالد ترامپ در آنکارا/ سی و ششمین نشست پیمان نظامی ناتو در آنکارا / ۷ ژوئیه ۲۰۲۶

توافق مربوط به غزه که جنبش حماس، مهم‌ترین متحد حکومت ایران در این منطقه، در اکتبر ۲۰۲۵ امضا کرد، نخستین توافق در چارچوب رویارویی استراتژیک گسترده میان آمریکا و اسرائیل از یکسو و پروژه منطقه‌ای حکومت ایران از سوی دیگر بود.

پیش از تصویب طرح غزه نیز، جمهوری اسلامی ایران در توافق آتش‌بس میان حزب‌الله و اسرائیل در نوامبر ۲۰۲۴ نقش داشت. هر دو توافق بر خلع سلاح دو گروه وابسته به تهران تأکید داشتند، اما این بند هرگز اجرا نشد. در غزه و لبنان، مسئله سلاح همچنان گره اصلی باقی مانده است؛ همانگونه که موافقت ضمنی جمهوری اسلامی با این

آن را در چارچوب مفاهیم ایدئولوژیک، مذهبی و منافع خود احیاء کند. در نتیجه، جهان شاهد ظهور بازوهای منطقه‌ای رژیم ایران شد؛ نیروهایی که هرگاه مرکز به آنها نیاز داشت، جنگ‌های را پیش می‌بردند و هر زمان حفظ آنها برای نبردهای مهم‌تر ضروری تشخیص داده می‌شد، از درگیری کنار کشیده می‌شدند. اما این معادله نیز زمانی کارایی خود را از دست می‌دهد که خود مرکز، عناصر قدرتش را از دست بدهد و ابزارها و شاخه‌هایش پراکنده شوند.

پس از فروپاشی نظام کمونیستی در مسکو، از احزاب بزرگ کمونیست جهان نیز اثر قابل توجهی باقی نماند. اکنون نیز با نزدیک شدن نظام ایران به مرحله‌ای که بخشی

سیره ی علما

خیراندیشی (احمدحارار)

کیهان لندن شماره ۱۲۲۷) مهر ماه ۱۳۸۷

با نشر



تبریز، یک شب در استناداری ضیافت داده شد. شب بعد، میهمان فرمانده لشکر بودیم و شب سوم یا چهارم برای صرف شام به اتاق بازرگانی دعوت شدیم. در تالار بزرگی، یک میز بزرگ قرار داشت و در وسط میز، بین سایر غذاها یک بوقلمون بریان، به بزرگی یک بره، از دور به شکم پرستان چشمک می‌زد.

ما که عصرانه‌ای خورده و نیمه‌سیر بودیم، برای حمله بردن به میز غذا عجله نداشتیم. بشقاب به دست در کناری ایستاده بودیم و منتظر بودیم میهمانان پر اشتها غذایشان را بکشند و اطراف میز را خلوت کنند تا نوبت به ما بگردد. در این حال نظاره می‌کردیم که چگونه بوقلمون بریان میهمانان را به سوی خود جلب می‌کند. اما از نظامی و غیر نظامی، هرکدام کارد و چنگال برای جدا ساختن تکه‌ای گوشت بر بدن حیوان بیجان می‌آوردند، ناکام می‌شدند. ظاهراً یا بوقلمون به اندازه کافی نپخته و نرم نشده بود یا چنان گوشت سفت و سختی داشت که کارد و چنگال بر آن کارگر نمی‌شد. ناگزیر، مشتاقان یکی پس از دیگری پس از تلاش نافرجام؛ منصرف می‌شدند و به سراغ غذاهای سهل‌الوصول می‌رفتند.

نوبت رسید به آیت‌الله. حضرتش البته در چنان مجلسی مجبور بود با کارد و چنگال غذا بخورد. به بوقلمون حمله‌ور شد و لختی رزمید و مثل دیگران عاجز ماند.

ما، و آنهای دیگری که زیر چشمی این نبرد را نظاره می‌کردند، منتظر بودیم آیت‌الله نیز شکست را بپذیرد و سر خود گیرد و سرفوت غذاهای دیگر برود. اما چنین نشد. آخوند، کارد و چنگال را کنار گذاشت. آستین قبا را بالا زد. بسم‌اللهی گفت. انگشت میانی دست چپ را در ماتحت بوقلمون فروبرد و با انگشتان دست راست، ماهرانه‌تر از هر جراح تیغ به‌دست، چنان حرکتی به کالبد بیجان حیوان بی‌زبان داد که گوشت بدنش از دو سو به داخل ظرف ریخت و اسکلتنش در دست جناب ایشان ماند.

شیخنا استخوان را به کناری نهاد و با همان دست هزمند هنرآفرین، لذیذترین قطعه گوشت را در بشقاب خود گذاشت و سپس با لبخندی فاتحانه به جماعتی که با حیرت شاهد این عملیات بودند «بفرما» زد!

تصویر کم‌نظیر علمای اعلام و فقهای عظام و کارگزاران ذوی‌العز و الاحترام نظام را بر سفره گسترده «مقام معظم رهبری» یک بار دیگر، این بار با ذره‌بین، نگاه کنید تا ثواب بیشتری برده باشید.

«علما» بر سر چگونه نشستند در کنار سفره اتفاق نظر ندارند، بعضی چمپاقه می‌زنند (مثل حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمد خاتمی به شهادت عکس موصوف)، برخی چهارزانو و جمعی دوزانو می‌نشینند اما بالاجماع عقیده دارند که غذا خوردن با دست مستحب و غذا خوردن با قاشق و چنگال مکروه است.

حضرت نواب، رهبر فدائیان اسلام که به‌برکت انقلاب شکوهمند در صف قدسین جای گرفته است و اسمش را بدون صلوات نمی‌توان بر زبان آورد، حتی معتقد بود لقمه برداشتن با دست معصیت دارد. اگر بر سر سفره‌ای که ایشان حضور داشت کسی دست به قاشق و چنگال می‌برد، فریاد عتاب‌آمیز بلند می‌شد که «برادر! خداوند آن پنج انگشت را به تو داده است برای چی؟ برای این که لقمه را با دست به دهان بگذاری و شکر نعمت به‌جای آوری».

لقمه برداشتن با دست، البته برای کسانی که به قاشق و چنگال یا کارد و چنگال عادت کرده‌اند، آسان نیست. باید چندگاهی در محضر علما بنشینید و با آنها همسفره شوی تا یاد بگیری آداب پنجه‌کلاغی حمله بردن و کف‌شتری لقمه ساختن را.

تنها این نیست. از انگشت مبارک علما در مقام دریدن بره بریان و مرغ و بوقلمون هنرها ساخته است که تا نبینی باور نمی‌کنی.

ایستگاه راه‌آهن مراغه افتتاح می‌شد. وزیر وقت راه - مرحوم سرلشکر ولی انصاری - جمعی از رجال و معاریف و تنی چند از روزنامه‌نگاران را به این مراسم دعوت کرده بود. نگارنده این سطور نیز توفیق ملازمت داشت.

سوار قطار مخصوص شدید و تحت زعامت شادروان ساعد مراغه‌ای ابتدا به مراغه رفتیم و از آنجا به تبریز. در طول سفر، ضمناً از فیض مصاحبت یک آیت‌الله نیز برخوردار بودیم. بدیهی است که هیأتی بدین احتشام، از سوی مقامات مربوط با احترام مورد استقبال قرار گرفت. در

خلع سلاح نیز همچنان در ابهام است.

در لبنان، حزب‌الله با وجود آتش‌بس و توافق‌های منعقدشده، وارد نبردی شد که درواقع نبرد سرنوشت‌ساز حکومت ایران است.

نبردی که آمریکا و اسرائیل از اواخر فوریه گذشته علیه جمهوری اسلامی آغاز کردند [جنگ چهل روزه] سرانجام به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» انجامید که درباره آن بحث‌های فراوانی صورت گرفت و حدود سه هفته پیش امضا شد. این یادداشت تفاهم دربردارنده نوعی واداشتن رژیم ایران به پذیرش شرایط جدید است، هرچند جزئیات آن معلوم نیست. با این حال، موضوع خلع سلاح نیروهای نیابتی که در توافق‌های پیشین آمده بود، همزمان با یادداشت تفاهم جمهوری اسلامی و آمریکا و نیز از سر گرفتن گفتگوهای موازی میان لبنان و اسرائیل در واشنگتن و مذاکرات فشرده درباره غزه در قاهره و قبرس، بار دیگر با قدرت مطرح شد. موضوع سلاح اکنون به محور اصلی سیاست سازمان‌های همسو با حکومت ایران تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که تهران می‌خواهد در هر توافقی آن را تثبیت و دائمی کند. اما شرایط به این سادگی پیش نمی‌رود. هفته برگزاری راهپیمایی‌های ضدآمریکایی و مراسم نمادین اعتراض در ایران و عراق، با پایان مراسم تدفین رهبر حکومت ایران و همراهانش خاتمه خواهد یافت و همزمان، یکی از مهلت‌های اعلام‌نشده نیز پایان می‌پذیرد؛ مهلتی که پس از آن رسیدگی به مسائل اساسی آغاز خواهد شد. درواقع خلع سلاح نیروهای نیابتی به عنوان نماد چهره جدید از حکومتی تبدیل شده که در حال خروج از معادلات منطقه‌ای است.

رژیم ایران ناچار خواهد بود درباره سرنوشت سلاح گروه‌های مسلح در عراق و لبنان، به ویژه در این دو کشور، پاسخ‌های روشنی ارائه کند. هر موضعی که تهران در این زمینه اتخاذ کند، نشانه‌ای از رویکرد آینده آن در سطح منطقه خواهد بود.

جمهوری اسلامی دیگر فرصت چندانی برای خریدن زمان، بازی با اعصاب طرف مقابل یا تغییر معادلات ندارد. نظام پس از پایان مراسم تشییع زمامدارانش، ناگزیر خواهد بود نتایج نشست کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را که این هفته برای نخستین بار طی ۲۲ سال گذشته در آنکارا برگزار می‌شود و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا حضوری فعال و برجسته در آن دارد، با دقت دنبال کند.

تهران در آنکارا با چالش‌های تازه‌ای روبرو خواهد شد و شاید با شکل‌گیری نوعی چشم‌انداز غربی جدید برای سراسر خاورمیانه مواجه شود؛ چشم‌اندازی که دونالد ترامپ پیشتر به برخی از ویژگی‌های آن اشاره کرده و در آن، برای ترکیه و رجب طیب اردوغان نقشی محوری قائل شده بود. خود اردوغان نیز علاقه‌اش را به ترسیم نقشه‌ای از امنیت ملی که از بیروت و دمشق آغاز شده و تا غزه امتداد می‌یابد، پنهان نکرده است.

به نظر می‌رسد توافق‌ها و یادداشت‌های تفاهمی که در آستانه نشست آنکارا اعلام شدند، صرفاً ورودی‌هایی اکتشافی برای رسیدن به مرحله‌ای جدید باشند؛ مرحله‌ای که در آن، متن‌های قدیمی دیگر قادر نیستند از سلاح و روایت همیشگی درباره ضرورت حفظ آن به عنوان نماد یک امپراتوری که در جستجوی عوامل تازه‌ای برای تداوم خود است، حفاظت کنند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: تونی فرانسیس روزنامه‌نگار، نویسنده و

تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

داستان پیوستن يك افسر نیروی هوایی به حزب توده

در جنگ با قشقایبها، خلبانان ارتش بیابانها را بمباران و گلوله باران می کردند زیرا عقیده داشتند

ایل قشقایی طرفدار آلمان است و علیه انگلیسیها می جنگد!

به ما می گفتند پشت سر هر سرباز روس يك مراقب ایستاده است که مبادا از جبهه فرار کند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - از شماره های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۱)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می گوید.

گزیده ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می خوانید...

می کرد، به اصطلاح دل و روده دیده بان بالا می آمد. جای خلبان مستقر و محکم بود ولی دیده بان به آن شکل در جایی محکم، مستقر نبود. دیده بان روی صندلی گرد گردان می نشست که این صندلی براحتی می چرخید. لذا در آن گونه عملیات، حالت استفراف به او دست می داد. خلاصه، حالت خیلی بدی بود. وقتی هواپیما روی زمین می نشست، خلبان سر حال بود ولی دیده بان در حالت استفراف.

احمدی: قشقایبها در زمان جنگ، در سمت و سوی آلمانها بودند. با توجه به این موضوع، آن دسته از افسران خلبان ایرانی طرفدار آلمانها، چگونه در عملیات خود علیه آنها عمل می کردند؟

زربخت: در مجموع، خلبانان در جنگ با قشقایبها به طور جدی عمل نمی کردند. اغلب دیده بانها می رفتند و می آمدند و خبرهای کشکی می دادند، برای این که نشان بدهند که حداقل کاری انجام داده اند. دو نفر از اینان که خبرهای نادرستی داده بودند، از گرفتن درجه نظامی در سال بعد، محروم شدند و شاید هم، همان روز قبل از سقوط پادگان خبرهای نادرستی داده بودند.

آن روزی که سمیرم سقوط کرد، نوبت به من افتاده بود. با خلبان رفتیم و مشاهده کردیم. جاده را راهبندان کرده بودند. جاده را کنده و آب انداخته بودند توی جاده. رفتیم روی سمیرم، دیدم آن چادرها دیگر نیستند. منظوم آن چادرهایی است که متعلق به هنگ ارتش بود. آمدم روی جاده شهرضا، دیدیم سربازها با پای پیاده و بدون تفنگ دارند می روند به طرف شهرضا. بنا بر این فهمیدیم که پادگان سقوط کرده است. آن موقع، سرهنگ گیلان شاه رئیس ستاد لشکر اصفهان بود. وقتی بعد از این مأموریت به فرودگاه برگشتیم، ما را بردند به ستاد لشکر. در آنجا، گفتیم به نظر ما پادگان سقوط کرده است. سرهنگ گیلان شاه هم گفت 24 ساعت است ما ارتباط بی سیم با آنها نداریم. از ما

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسین تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به عنوان افسر دیده بان فارغ التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

جنگ ارتش با قشقایبها

زربخت - در اصفهان به عنوان دیده بان پرواز می کردم. در آن موقع بحبوحه جنگ سمیرم (جنگ ارتش با قشقایبها) بود. ایل قشقایی و کوچ بیلاقی شان به سمیرم شروع شده بود.

یک هنگ پیاده تحت فرماندهی سرهنگ شقاقی در سمیرم مستقر شده بود. مأموریت آن هنگ، راهبندان ایل قشقایی بود. خسرو قشقایی فرمانده نظامی ایل بود.

ما هر روز به آن نواحی پرواز می کردیم. خلبان، هواپیما را هدایت می کرد و من هم به عنوان دیده بان از بالا نگاه می کردم. با لوله خبر، مشاهداتم را می نوشتم و می انداختم برای هنگ پیاده مستقر در سمیرم و بعد، برمی گشتیم به اصفهان. آن موقع، افسران برای پرواز به اصطلاح سر و دست می شکستند زیرا ساعتی ده تومان به خلبانان و نیز دیده بانان، حق پرواز می دادند. مثلا برای چهار ساعت پرواز، چهل تومان می گرفتیم.

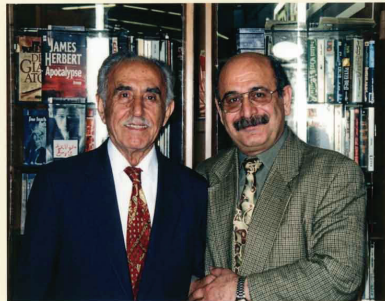
احمدی: آن موقع حقوق شما در درجه ستوان دومی چقدر بود؟

زربخت: 120 تومان و 60 تومان هم حق پرواز می گرفتیم.

احمدی: یعنی حقوق شما 60 تومان از يك ستوان دوم نیروی زمینی بیشتر بود.

زربخت: بله. البته يك جیره سربازی هم به ما افسران می دادند. همان چیزهایی که برای خوراک يك سرباز پیش بینی شده بود، به صورت خشکه به ما می دادند. این جیره خشکه، آن روزها خیلی ذیقیمت بود. ما هم آن را می گرفتیم و جمع می کردیم و می آوردیم برای خانواده مان. زمان جنگ بود و فقر مادی. خواربار کمیاب بود. آرد، برنج، حبوبات و هر چیزی را که به عنوان جیره خشک می دادند، جمع می کردیم و هر دو یا سه ماه می بردیم برای خانواده به تهران.

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

→ تشکر کرد که خبر درستی دادید.

اگر خلبانی طرفدار آلمانها بود، با هم قرار و مدار می‌گذاشتیم و من هم که دیده‌بان بودم، عملاً اجرای عملیات نمی‌کردیم. در آن ایام، خلبانی بود به نام سوادکوهی که من اغلب با او پرواز می‌کردم. ما قرار می‌گذاشتیم، هر چه مپ و یا گلوله برای تیراندازی با مسلسل داشتیم، توی بیابان و در زمینهای بایر خالی می‌کردیم و بعد می‌رفتیم گزارش می‌کردیم که زدیم و بمباران کردیم و کشتیم. اعتقاد داشتیم که قشقایها به نفع آلمانها و برضد انگلیسها می‌جنگند. این ارتش ما هم دست‌نشانده انگلستان است. بنابراین، چرا هموطنان خود را بمباران نکنیم. نباید این هموطنان غیور و میهن‌پرست‌مان را بیخود زیر رگبار گلوله بگیریم. البته بعضی از خلبانها بودند مثلاً فیروزی نامی بود که اصلاً توی این خطاها نبود، می‌رفت و می‌کوبید و کاری به این فکرها نداشت.

احمدی: بعد از سقوط سمیرم در اصفهان ماندید یا به تهران برگشتید؟

زربخت: از اصفهان به شیراز منتقل شدم. یک اسکاداران هوایی در شیراز بود به فرماندهی سرگرد خلبان صدیقی برادر دکتر صدیقی (وزیر کشور دولت دکتر مصدق). تعدادی خلبان در آن اسکاداران بودند مانند ستوان بهمنیه، ستوان زرینه و یک درجه‌دار خلبان به نام محصص. سروان خادمی هم در آن زمان در شیراز بود که بعدها مدیر عامل هواپیمایی ملی ایران شد.

احمدی: سپهبد خادمی؟

زربخت: بله. آن موقع درجه سروانی داشت. در جریان انقلاب، گفته شد خودکشی کرده است. به هر حال، اواخر سال ۱۳۲۲ برای گزارندن دوره خلبانی به تهران منتقل شدم. در این زمان، چند نفر هم از اصفهان و تهران برای طی آموزش خلبانی به آموزشگاه خلبانی اعزام شدند.

احمدی: گویا آن موقع حبیب‌الله نوبخت با قشقایها همکاری داشت. ارتباط شما با حزب کبود در آن مقطع، تداوم داشت؟

زربخت: ارتباط من با حزب کبود در سال ۱۳۲۱ بود. بعد از رفتن به اصفهان، ارتباط قطع شد. آن موقع می‌گفتند چون ایل قشقای طرفدار آلمانها بود، حبیب‌الله نوبخت هم رفته است داخل ایل قشقای. افسری بود به نام سروان علوی که رئیس ستاد خسروخان قشقای بود و در آن ایل فعالیت داشت. ما هم یک گرایشی به ایل قشقای داشتیم.

احمدی: بعد از مراجعت به تهران، به چه سمت و سویی از نظر سیاسی و فکری تمایل پیدا کردید؟

زربخت: در ایامی که در اصفهان و شیراز بودم، رابطه‌ام به‌طور کلی با دوستانم یعنی همان گروه از افسران طرفدار آلمان که قبلاً در باره‌اش صحبت کردم، قطع شده بود. بعد از برگشتنم به تهران، شروع کردم به جنب و جوش و فعالیت در تهران. این ایام، اوایل سال ۱۳۲۳ است.

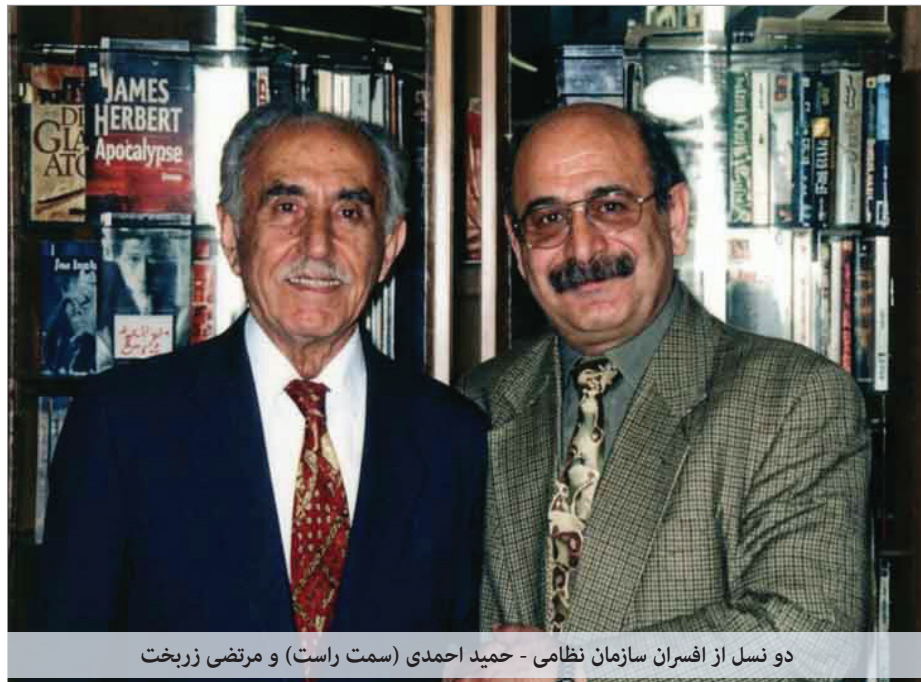
در این دوره، هنوز دیدی که نسبت به شوروی داشتیم، همان دید سابق بود و می‌گفتم، سربازان شوروی به‌زور می‌جنگند. آن زمان به ما گفته می‌شد رژیم شوروی رژیمی استبدادی و غیر مردمی است و خوب به‌خاطر دارم، ستوان شاهرخی که پدرش کارمند عالی‌رتبه وزارت خارجه بود، حرف خنده‌داری می‌زد و می‌گفت: «در جبهه جنگ شوروی، پشت هر سرباز روس، یک مسلسل‌چی ایستاده است. پشت سر

همه آنها، استالین ایستاده و همه اینها را می‌پایند که از جبهه عقب‌نشینی و فرار نکنند!»

احمدی: استالین یکنفره، می‌توانست میلیونها نفر را در جبهه‌ها کنترل کند تا فرار نکنند؟!

زربخت: او یک چنین دیدی داشت. ما که باور نمی‌کردیم ولی هنوز در توهم بودیم تا این که جریان استالینگراد پیش آمد. مقاومت مردم شوروی در برابر ارتش آلمان در استالینگراد و شکست سد محاصره استالینگراد و تسلیم ارتش سیصد هزار نفری پاولوس (در ۲۱ بهمن ۱۳۲۱). من که شوکه شدم. من مانند خیلی‌ها به فکر فرو رفتم؛ اگر مردم شوروی طرفدار این حکومت نبودند، چطور می‌توانستند، چنین مقاومتی بکنند؟! چنین مقاومتی در مقابل ارتش مجهز آلمان که اروپا را زیر مهمیز خودش درآورده بود و هیچ دولتی نتوانسته بود در برابر آن مقابله کند.

به شما داد؟
زربخت: در ابتدا عنوان کتاب «جامعه‌شناسی» بود. این کتاب را حسن نظری در نیمه اول سال ۱۳۲۳ به من داد. کتاب، دوره‌های تاریخی را شرح می‌داد و منطبق می‌کرد با سیستمی که در شوروی روی کار آمده بود. از دوره‌های تاریخی در فرانسه و ایتالیا و... بعد سر آخر، نتیجه می‌گرفت که آخرین مرحله تکامل جوامع بشری، رشد سرمایه‌داری و به دنبال سقوط سرمایه‌داری، ایجاد حکومت کارگری سوسیالیستی است. نظام شوروی هم، چنین حکومتی است. با خواندن این کتاب، یک جهش ناگهانی در اندیشه‌ام ایجاد شد و رفتم توی فکر. بعد، با حسن نظری به بحث نشستیم. او برای من تشریح کرد، جریان این جوری است: حکومت شوروی یک حکومت مردمی است. در سال ۱۹۱۷، لنین با همراهی حزب کمونیست شوروی که یک حزب منسجم و با انضباط بود و مجهز به ایدئولوژی مارکسیسم، انقلاب کردند. با این انقلاب توانستند یک ملت



دو نسل از افسران سازمان نظامی - حمید احمدی (سمت راست) و مرتضی زربخت

دویست میلیونی، دویست میلیون مردم عقب‌مانده را به جامعه امروز برسانند که بتوانند جلو ارتش شکست ناپذیر هیتلر مقاومت بکنند و این ارتش را به عقب بزنند. من به نظری گفتم: «این حرفها که تو می‌زنی مثل حرفهای حزب توده است». گفت: «مگر چه اشکالی دارد؟ حرفهای حزب توده باشد». گفتم: «نه، اشکالی ندارد. اما، مثل این که تو از همان منشأ آب می‌خوری». گفت: «حُب، اگر تو این حرفها را قبول داری، من توده‌ای هستم. من می‌دانم که تو آدمی نیستی مرا لو بدهی. در دوره‌های گذشته با هم بودیم. تو امتحان را داده‌ای و آدمی نیستی که مرا لو بدهی. اگر مایلی، تو هم می‌توانی وارد این حزب بشوی». گفتم: «اگر کتابهای دیگر هست، بده به من آنها را بخوانم». گفت: «همین روزنامه رهبر را بخوان که ارگان کمیته مرکزی حزب است.»

بعد از این صحبتها، صبح به صبح می‌آمدم. روزنامه رهبر را می‌خریدم و توی جیبم قاچم می‌کردم و می‌رفتم یواشکی آن را می‌خواندم و یا این که وقتی می‌آمدم منزل، آن را می‌خواندم. بعد، به حسن نظری گفتم، «من آماده‌ام. من دیگر محبوب خود را یافتم.»

دنباله دارد

به سوی حزب توده ایران
احمدی: در این ایام که به تهران برگشتید، حدود یک سال و نیم ارتباط شما با آن گروه از افسران - که به اتفاق اعلامیه‌ای را با خون خود امضا کردید و از طرفداران آلمان بودند - قطع شد. طبعاً پیروزی ارتش شوروی در نبرد معروف استالینگراد، برخی از آنان را هم می‌باید شوکه کرده باشد. در این ایام، آیا دیدار و بحث و گفتگوی جدیدی هم با آنان در تهران پیش آمد؟

زربخت: اولین تماس من در تهران در این دوره با حسن نظری بود. همان افسر همدوره‌ای‌مان.

احمدی: این ایام، شما در پادگان دوشان‌تپه تهران خدمت می‌کنید؟

زربخت: بله، در دوشان‌تپه تهران هستیم. با هم برو بیایی داریم. اغلب به خیابان استامبول می‌رویم و در کافه‌رستوران آنجا، از این ور و آن ور صحبت می‌کنیم. نظری اولین کتابی که برای مطالعه به من داد، جامعه‌شناسی تألیف احمد قاسمی بود.

احمدی: «جامعه را بشناسید» را تقریباً در چه تاریخی

حمله به سه نفتکش در تنگه هرمز؛ آمریکا مجوز فروش نفت توسط جمهوری اسلامی را لغو کرد



تنگه هرمز / عکس: رویترز

حماس انحلال دولت خود در غزه را اعلام کرد؛ اسرائیل: شو سیاسی است

● «الشرق الاوسط» به نقل از دو منبع در حماس نوشت، این تصمیم برای فراهم کردن زمینه ورود «کمیته ملی اداره غزه» به ریاست علی عبدالحمید شعث انجام می‌شود؛ کمیته‌ای که حدود شش ماه پیش با حمایت میانجی‌های منطقه‌ای تشکیل شد، اما هنوز وارد غزه نشده است.

● حازم قاسم سخنگوی حماس پیشتر گفته بود، این گروه از مسیر واگذاری اداره غزه به کمیته ملی عقب‌نشینی نمی‌کند. منابع فلسطینی نیز گفته‌اند مذاکرات تازه در قاهره بر مرحله دوم آتش‌بس، آینده اداره غزه، نقش نیروی ثبات بین‌المللی و سرنوشت سلاح‌های حماس متمرکز خواهد بود.

● روزنامه «هاآرتس» در اینبار گزارش داد، نه اسرائیل و نه شورای صلح هنوز با این اقدام حماس موافقت نکرده‌اند. برخی تحلیلگران می‌گویند این موضوع نشان می‌دهد تصمیم احتمالی حماس در این مرحله بیشتر یک پیام سیاسی برای پیشبرد مرحله بعدی طرح ترامپ است تا انتقال کامل و نهایی قدرت در غزه.

● در واکنش به این گزارش‌ها، اسرائیل می‌گوید که انحلال دولت تحت حاکمیت حماس، در حالی که مهره‌های آن همچنان در مناصب خود هستند، بیشتر یک شوی سیاسی است.

گروه تروریستی حماس، در آستانه انحلال ساختار حکومتی خود در غزه قرار دارد؛ اقدامی که با هدف نشان دادن آمادگی برای واگذاری اداره غیرنظامی این منطقه به «کمیته ملی اداره غزه» تشکیل‌شده در چارچوب طرح صلح دونالد ترامپ انجام می‌گیرد.

روزنامه «الشرق الاوسط» گزارش داد، رهبری حماس قصد دارد انحلال «کمیته پیگیری کار دولتی» را اعلام کند. این ساختار عملاً دولت اجرایی حماس در غزه بوده و نزدیک به دو دهه اداره این منطقه را در دست داشته است.

«الشرق الاوسط» به نقل از دو منبع در حماس نوشت، این تصمیم برای فراهم کردن زمینه ورود «کمیته ملی اداره غزه» به ریاست علی عبدالحمید شعث انجام می‌شود؛ کمیته‌ای که حدود شش ماه پیش با حمایت میانجی‌های منطقه‌ای تشکیل شد، اما هنوز وارد غزه نشده است.

این تحول در ادامه فشار دولت ترامپ برای اجرای

حامل گاز طبیعی از قطر، بودند. صدا و سیما جمهوری اسلامی به نقل از برخی منابع گزارش داد، نفتکش «الراکیات» متعلق به قطر، قصد داشت با حمایت نیروی دریایی آمریکا از مسیر عمان در تنگه هرمز عبور کند، اما پس از «بی‌توجهی به هشدارهای مکرر»، هدف حمله قرار گرفت.

دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس حمله جمهوری اسلامی به نفتکش قطری و به خطر انداختن جان خدمه آن را به شدت محکوم کرد و آن را تهدیدی خطرناک دانست که ناامنی و بی‌ثباتی منطقه را تشدید می‌کند.

در پی این حمله، قطر معاون سفیر جمهوری اسلامی در دوحه را احضار کرد. این کشور از مقامات حکومت ایران خواست تا درباره حمله به نفتکش «الراکیات» فوراً توضیح دهند و مانع تکرار آن شوند و به قوانین بین‌المللی پایبند بمانند.

خرپرکاری رویترز گزارش داد، این حملات و واکنش آمریکا، تفاهم دیپلماتیک شکننده میان آمریکا و رژیم ایران را در معرض خطر قرار داده و این نگرانی را ایجاد کرده است که افزایش اقدامات تلافی‌جویانه ممکن است مذاکرات برای دستیابی به یک توافق جامع را از مسیر خود منحرف کند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز ۱۵ تیرماه گفت ایالات متحده یا با ایران به توافق می‌رسد یا آمریکا «کار را تمام می‌کند»؛ تهدیدی تازه به اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی آنهم در حالی که تهران همزمان با مراسم تشییع علی خامنه‌ای، رهبر پیشین جمهوری اسلامی، موضعی ستیزه‌جویانه اتخاذ کرده است.

در واکنش به این تهدید تازه از سوی ترامپ، عباس عراقچی، وزیر خارجه رژیم ایران، روز سه‌شنبه در ادامه‌ی تشییع جنازه‌ی علی خامنه‌ای در قم تهدید کرد: «تا زمانی که تهدیدها علیه ایران ادامه داشته باشد، مذاکرات برای دستیابی به توافق نهایی آغاز نخواهد شد».

● ساعاتی پس از حمله به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز، وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوز معاملات نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشاء ایران را لغو و مجوز جدید X1 را جایگزین آن کرد.

● بر اساس این دستورالعمل که سه‌شنبه ۱۶ تیرماه صادر شد، شرکت‌ها تا ۲۶ تیرماه برای پایان دادن به معاملات قبلی فرصت دارند، اما از ۱۶ تیرماه خرید یا بارگیری جدید این محصولات ممنوع است.

● سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا گزارش داد، طی ۲۴ ساعت، سه نفتکش در تنگه هرمز هدف حمله قرار گرفته‌اند. خرپرکاری رویترز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه گزارش داد، این دو نفتکش، یکی حامل نفت خام عربستان و دیگری حامل گاز طبیعی از قطر، بودند.

● صدا و سیما جمهوری اسلامی به نقل از برخی منابع گزارش داد، نفتکش «الراکیات»، متعلق به قطر، قصد داشت با حمایت نیروی دریایی آمریکا از مسیر عمان در تنگه هرمز عبور کند، اما پس از «بی‌توجهی به هشدارهای مکرر»، هدف حمله قرار گرفت.

ساعاتی پس از حمله به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز، وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوز معاملات نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشاء ایران را لغو و مجوز جدید X1 را جایگزین آن کرد.

بر اساس این دستورالعمل که سه‌شنبه ۱۶ تیرماه صادر شد، شرکت‌ها تا ۲۶ تیرماه برای پایان دادن به معاملات قبلی فرصت دارند، اما از ۱۶ تیرماه خرید یا بارگیری جدید این محصولات ممنوع است.

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا گزارش داد که طی ۲۴ ساعت، سه نفتکش در تنگه هرمز هدف حمله قرار گرفته‌اند. خرپرکاری رویترز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه گزارش داد، این دو نفتکش، یکی حامل نفت خام عربستان و دیگری

رئیس‌جمهور فرانسه در بیانیه‌ای مشترک که ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵ منتشر شد، اعلام کردند که «در راستای حمایت از آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آماده انجام یک مأموریت نظامی چندملیتی گسترده‌تر» هستند. ماکرون در «ایکس» توضیح داد، فرانسه «در خاورمیانه تجهیزات مین‌روبی مستقر کرده است، از جمله دو شناور مین‌روب» و افزود: «این نیروها که با دو ناوچه و یک هواپیمای گشت دریایی همراه هستند، آماده‌اند تا همراه با شرکای ما به بازگشت کامل نوبری کمک کنند و امنیت تردد در تنگه هرمز را تضمین کنند.»

عمان نیز موافقت کرده است با بریتانیا و فرانسه همکاری کند تا اطمینان حاصل شود که تنگه هرمز باز می‌ماند.

رئیس‌جمهوری فرانسه در این مورد گفت: «با توجه به این تحول مثبت و تغییر نیازها، پس از مذاکرات سازنده‌ای که با سلطان عمان داشتم، تصمیم گرفتم آرایش نیروهای خود را تعدیل کنم. بدین ترتیب، ناو هواپیمابر شارل دوگل به بندر اصلی خود در تولون بازمی‌گردد و نیروهای مین‌روب ما و اسکورت آنها همچنان مستقر هستند و آماده مداخله در کنار شرکایمان باقی می‌مانند.»

این اقدام بریتانیا و فرانسه با واکنش منفی جمهوری اسلامی روبرو شد. کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، در واکنش به بیانیه مشترک فرانسه و بریتانیا درباره تنگه هرمز، تأکید

پیوستن بریتانیا و فرانسه به مأموریت «آزادسازی کشتیرانی در تنگه هرمز»؛ استقبال عمان، تهدید جمهوری اسلامی



کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه

کرد این آبراه «میدان نمایش نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیست»

او تهدید کرد: «ایران به عنوان قدرت مسئول و ضامن امنیت تنگه، نسبت به هر حرکت نظامی در این آبراه حساس هشدار می‌دهد.»

غریب‌آبادی افزود: «امنیت هرمز با دولت‌های ساحلی است؛ بحران‌سازان مسئول پیامدهای ماجراجویی خود خواهند بود. این هشدار جدی است.»

چند روز پیش از صدور بیانیه‌ی فرانسه و بریتانیا، کشتی‌های خارجی از یک مسیر جدید به اسم «مسیر عمانی» از تنگه هرمز عبور می‌کردند. این مسیر در جنوب مسیر عادی تنگه هرمز قرار دارد و در حالی که با محدودیت‌های زیادی در عمق و عرض مسیر روبروست، اما فعلاً امن است. هرچند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش کرد با حملات محدود نظامی، این مسیر را ناامن نشان دهد.

● پس از هفته‌ها گفتگو میان دولت دونالد ترامپ و مقامات اروپایی، سرانجام بریتانیا و فرانسه با تأخیری نسبتاً طولانی اعلام کردند که در مأموریت «آزادسازی مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز» مشارکت می‌کنند.

● کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در بیانیه‌ای مشترک که ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵ منتشر شد، اعلام کردند که «در راستای حمایت از آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آماده انجام یک مأموریت نظامی چندملیتی گسترده‌تر» هستند.

پس از هفته‌ها گفتگو میان دولت دونالد ترامپ و مقامات اروپایی، سرانجام بریتانیا و فرانسه با تأخیری نسبتاً طولانی اعلام کردند که در مأموریت «آزادسازی مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز» مشارکت می‌کنند.

کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و امانوئل ماکرون

→ مرحله دوم طرح غزه مطرح می‌شود؛ مرحله‌ای که بر اداره تکنوکراتیک، بازسازی و غیرنظامی ساختن این منطقه متمرکز است.

ترامپ در نشست داووس هشدار داده بود حماس باید سلاح‌های خود را تحویل دهد و به تعهداتش عمل کند. با این حال، انحلال ساختار اداری حماس به معنای



نیروهای حماس در غزه

انتقال کامل قدرت و یا خلع کامل این گروه تروریستی از قدرت نیست. رویترز پیشتر گزارش داده بود که حماس در گفتگوهای مربوط به مرحله بعدی طرح غزه، خواستار ادغام بخشی از نیروهای پلیس خود در ساختار جدید شده است؛ در حالی که اسرائیل هرگونه نقش‌آفرینی حماس در اداره آینده غزه را رد می‌کند و ادامه عقب‌نشینی خود را به خلع سلاح این گروه گره زده است.

حازم قاسم سخنگوی حماس پیشتر گفته بود، این گروه از مسیر واگذاری اداره غزه به کمیته ملی عقب‌نشینی نمی‌کند. منابع فلسطینی نیز گفته‌اند مذاکرات تازه در قاهره بر مرحله دوم آتش‌بس، آینده اداره غزه، نقش نیروی ثبات بین‌المللی و سرنوشت سلاح‌های حماس متمرکز خواهد بود. روزنامه «هاآرتس» در اینبار گزارش داد، نه اسرائیل و نه شورای صلح هنوز با این اقدام حماس موافقت نکرده‌اند. برخی تحلیلگران می‌گویند این موضوع نشان می‌دهد تصمیم احتمالی حماس در این مرحله بیشتر یک پیام سیاسی برای پیشبرد مرحله بعدی طرح ترامپ است تا انتقال کامل و نهایی قدرت در غزه.

در واکنش به این گزارش‌ها، اسرائیل می‌گوید که انحلال دولت تحت حاکمیت حماس، در حالی که مهره‌های آن همچنان در مناصب خود هستند، بیشتر یک شوی سیاسی است.

بعد از جنایت «هفت اکتبر» ۲۰۲۳، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که نهم اسفند ۱۴۰۴ در نخستین دقایق جنگ ۴۰ روزه در مخفیگاه خود در تهران کشته شد، نیروهای تروریستی حماس را «مبارزان و رزمندگان اسلام» نامیده و گفته بود که بر بازوان آنها بوسه می‌زند.

سناریوهای خطرناک در تنگه هرمز



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

با این حال، نظام ایران به خوبی می‌داند که آنچه روی کاغذ به دست آورده، ممکن است در صورت تغییر مسیر سیاسی ترامپ دوام نیاورد. از همین رو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حلقه‌های اقتصادی وابسته به آن با این پرسش روبرو شده‌اند که آیا باید تفاهم‌نامه را بطور کامل اجرا کنند یا تنها بر بخش‌های مالی آن تمرکز داشته باشند. به نظر می‌رسد استراتژی تهران تا کنون حفظ اصل تفاهم‌نامه همراه با بازنگری در اولویت‌ها به نفع خود بوده است. بر این اساس، اولویت نخست دریافت مبلغ ۲۴ میلیارد دلار، سپس گسترش صادرات نفت و گاز، پس از آن تداوم حمایت از حزب‌الله لبنان و در نهایت اعمال عوارض بر کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز است.

موضع آمریکا

ایالات متحده از زاویه‌های متفاوت به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» می‌نگرد. ترامپ تأکید کرده است که این آمریکا بود که در جنگ پیروز شد و این واشنگتن بود که راه خروج از بحران را در اختیار تهران قرار داد، نه برعکس. از این رو، آمریکا ترتیب متفاوتی برای اجرای تفاهم‌نامه تعیین کرده است.

واشنگتن خواستار بازگشایی دائمی تنگه هرمز بدون دریافت هرگونه عوارض، مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل و مفاد تفاهم‌نامه شده است. همچنین به دنبال انتقال بقایای مواد هسته‌ای [اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا]، که آن را «غبار هسته‌ای» توصیف می‌کند، به آمریکا یا کشوری ثالث برای راست‌آزمایی است.

ترامپ هرگونه انتقال منابع مالی را به پیشرفت در سه پرونده اصلی مشروط کرده است: بازگشایی تنگه هرمز، تحویل «غبار هسته‌ای» و توقف حمایت رژیم ایران از گروه‌های مسلح هم‌پیمان خود.

در مقابل، تهران از «اهرم هرمز» به عنوان ابزار فشار استفاده کرده تا واشنگتن را وادار کند ابتدا منابع مالی را آزاد کند. این مسئله به مذاکرات رفت و برگشتی میان هیئت‌های دو دولت در خلیج فارس و دیگر پایتخت‌های جهان ←

تلاش‌های گسترده دولت دونالد ترامپ برای یافتن زمینه‌های مشترک، سپس دستیابی به نقاط تفاهم و در نهایت امضای سند یک «توافق نهایی» با حکومت ایران، به تفاهم‌نامه‌ای انجامید که دولت آمریکا آن را یک پیروزی تلقی کرده، در حالی که جمهوری اسلامی آن را صرفاً یک مرحله‌ای انتقالی می‌داند.

در اینجا دو پرسش اساسی مطرح می‌شود: اگر نظام ایران این توافق را صرفاً مرحله‌ای گذرا می‌داند، مقصد نهایی آن چیست؟ و اگر حاضر به حل بحران تنگه هرمز نشود، آیا واشنگتن عقب‌نشینی خواهد کرد و واقعیتی را که تهران در پی تحمیل آن است خواهد پذیرفت؟ یا اینکه ترامپ به اقدامات قاطع‌تر متقابل، حتی تا حد کنترل کامل تنگه هرمز، روی خواهد آورد؟

تهران احساس می‌کند که با وجود شکست نظامی در برابر ایالات متحده، در عرصه دیپلماسی یک پیروزی به دست آورده است. اگرچه توان نظامی این کشور پس از دست دادن بخش عمده‌ای از نیروی هوایی، دریایی و بیشتر زرادخانه موشک‌های بالستیک، عمدتاً به نیروهای زمینی محدود شده است، اما نظام توانسته همین نیروها را برای حفاظت از موجودیت خود و پیشبرد مذاکرات حفظ کند.

در این میان، وعده سرمایه‌گذاری‌هایی نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار، بسیاری از متحدان اقتصادی دولت آمریکا را به اعمال فشار بر کاخ سفید برای پذیرش راه حل مذاکره تشویق کرده است. زمامداران جمهوری اسلامی نیز بیش از هر چیز بر منافع مالی این تفاهم‌نامه تمرکز دارند: از مبلغ وعده‌داده شده ۲۴ میلیارد دلار گرفته تا درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و سپس سرمایه‌گذاری‌های کلان.

چنین منابع مالی می‌تواند اقتصاد ایران را احیاء کند، خسارت‌های نظامی را جبران نماید، اعتبار حکومت را نزد متحدان منطقه‌ای آن بازگرداند و حتی اراده رقبای منطقه‌ای، از جمله اسرائیل، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مخالفان داخلی ایران و سایر جریان‌های اپوزیسیون را تضعیف کند.

● واقعیت‌های استراتژیک تغییری نکرده است. ایالات متحده همچنان برتری نظامی خود را در منطقه و در برابر جمهوری اسلامی حفظ کرده و اگر تصمیم بگیرد، می‌تواند حملات نظامی را از سر گرفته و زمامداران رژیم ایران را به عقب‌نشینی وادار کند و همزمان «یادداشت تفاهم» را کنار بگذارد و شرایط خود را با زور تحمیل نماید. اما اجرای چنین گزینه‌ای مستلزم وجود یک شریک داخلی در ایران است؛ نیرویی که بتواند نظام را از درون به چالش بکشد و دستاوردهای نظامی را به نتیجه‌ای سیاسی در راستای اهداف واشنگتن تبدیل کند.

● دولت آمریکا یا تصمیم می‌گیرد همچنان منتظر اجرای تفاهم بماند یا بطور کامل از این تفاهم‌نامه صرف نظر کرده و دوباره به گزینه تغییر نظام روی خواهد آورد. این احتمال نیز وجود دارد که آمریکا بجای آغاز یک جنگ فراگیر، عملیات نظامی محدودی را انتخاب کند که هدف آن کنترل نظامی تنگه هرمز و دور کردن نیروهای جمهوری اسلامی از این منطقه باشد؛ اقدامی که هرگونه تهدید جمهوری اسلامی ایران علیه امنیت کشتیرانی بین‌المللی در خلیج فارس را از میان بردارد.

● هرگونه عملیات در آبراه هرمز احتمالاً به حضور گسترده‌تر نیروهای زمینی در امتداد سواحل و شاید مشارکت نیروهای مخالف حکومت در داخل ایران نیاز خواهد داشت. در نهایت، انتخاب میان انتظار و پذیرش خطرات آن، یا اقدام سریع و پذیرش خطرات ناشی از آن، همچنان باقی می‌ماند.

ولید فارس (ابندپندنت عربی) - تصور اینکه رژیم ایران داوطلبانه یک پیروزی سیاسی به ایالات متحده هدیه کند، دشوار است. در حالی که به نظر می‌رسد رقص دیپلماتیک میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران بر سر اجرای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» که چند هفته پیش امضا شد، پایانی ندارد، اوضاع در دو سوی خلیج فارس، یعنی سواحل کشورهای عربی و ایرانی، به سمت مخاطراتی فزاینده پیش می‌رود که می‌تواند به بحرانی جدی منجر شود.

مرگ یک رؤیای آخر زمانی



هسته‌ای نطنز و اراک افشا شده و فشارهای بین‌المللی افزایش یافته و تحقیقات گسترده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های اعلام‌نشده رژیم آغاز شده بود. مجموعه‌ای از عوامل، هزینه ادامه یک برنامه سازمانیافته و مخفی اتمی را برای حکومت ایران بطور قابل توجهی افزایش داد.

فرید خلیفی- سقوط صدام حسین که با بلندپروازی هسته‌ای او گره خورده بود، زنگ خطر را برای رژیم جمهوری اسلامی به صدا درآورد؛ جاه‌طلبی هسته‌ای ممکن است بنیان نظام را بر باد دهد! در بهار ۲۰۰۳ با سقوط صدام حسین نیروهای آمریکایی در دو سوی مرزهای ایران بطور گسترده مستقر شده بودند، تأسیسات

انجامیده است. همزمان، هر دو با شکاف‌های سیاسی داخلی نیز روبرو هستند. در ایران، اختلاف میان جناح «تندرو» در سپاه پاسداران و بدنه بوروکراتیک دولت افزایش یافته است. در آمریکا نیز مخالفان دموکرات، دولت را به سوء مدیریت مذاکرات متهم کرده‌اند.

گزینه‌های پیش رو

با وجود همه این تحولات، واقعیت‌های استراتژیک تغییری نکرده است. ایالات متحده همچنان برتری نظامی خود را در منطقه و در برابر جمهوری اسلامی حفظ کرده و اگر تصمیم بگیرد، می‌تواند حملات نظامی را از سر گرفته و زمامداران رژیم ایران را به عقب‌نشینی وادار کند و همزمان «یادداشت تفاهم» را کنار بگذارد و شرایط خود را با زور تحمیل نماید. اما اجرای چنین گزینه‌ای مستلزم وجود یک شریک داخلی در ایران است؛ نیرویی که بتواند نظام را از درون به چالش بکشد و دستاوردهای نظامی را به نتیجه‌ای سیاسی در راستای اهداف واشنگتن تبدیل کند.

تا این لحظه، دولت آمریکا سخنی از وجود چنین شریکی نگفته است. از این رو، پرسش اصلی این است که نظام ایران تا چه زمانی اجرای تفاهم را به تعویق خواهد انداخت و واشنگتن تا چه زمانی رفتار تنش‌زای تهران در خلیج فارس را تحمل خواهد کرد؟

بر همین اساس، تحولات می‌تواند در چند مسیر پیش برود:

دولت آمریکا یا تصمیم می‌گیرد همچنان منتظر اجرای تفاهم بماند، حتی تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای؛ یا بطور کامل از این تفاهم‌نامه صرف نظر کرده و دوباره به گزینه تغییر نظام روی خواهد آورد.

در حالت دوم، این احتمال وجود دارد که آمریکا بجای آغاز یک جنگ فراگیر، عملیات نظامی محدودی را انتخاب کند که هدف آن کنترل نظامی تنگه هرمز و دور کردن نیروهای جمهوری اسلامی از این منطقه باشد؛ اقدامی که هرگونه تهدید جمهوری اسلامی ایران علیه امنیت کشتیرانی بین‌المللی در خلیج فارس را از میان بردارد.

احتمال عملیات هرمز

اگر چنین تصمیمی اتخاذ شود، بحث‌های گسترده‌ای درباره ابزارهای نظامی لازم برای اجرای آن شکل خواهد گرفت. تسلط بر سواحل ایران و برخی جزایر، مستلزم حملات هوایی گسترده، عملیات دریایی-زمینی، عقب راندن نیروهای سپاه پاسداران از سواحل و تخلیه یا نابودی نیروهای مستقر در جزایر خواهد بود.

با این حال، فارغ از مباحث استراتژیک و تاکتیکی که نیازمند بررسی مستقل هستند، هرگونه عملیات در آبراه هرمز احتمالاً به حضور گسترده‌تر نیروهای زمینی در امتداد سواحل و شاید مشارکت نیروهای مخالف حکومت در داخل ایران نیاز خواهد داشت.

در نهایت، انتخاب میان انتظار و پذیرش خطرات آن، یا اقدام سریع و پذیرش خطرات ناشی از آن، همچنان باقی می‌ماند. زیرا تصور اینکه نظام جمهوری اسلامی به میل خود یک پیروزی سیاسی در اختیار ایالات متحده قرار دهد، دشوار است. باید منتظر ماند و دید.

*منبع: ایندیپندنت عربی

*نویسنده: ولید فارس مشاور پیشین دونالد ترامپ در امور خاورمیانه و دبیرکل گروه پارلمانی آتلانتیک
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تجمع ایرانیان در حمایت از فاطمه سپهری در محل دیوار یادبود جاویدنامان میهن در لندن



شماری از ایرانیان ساکن بریتانیا روز یکشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶ در تجمعی در محل دیوار یادبود جاویدنامان میهن در لندن از فاطمه سپهری زندانی سیاسی مشروطه‌خواه حمایت کردند.

این تجمع همزمان با اعتصاب غذای فاطمه سپهری در زندان وکیل‌آباد مشهد صورت گرفت. فاطمه سپهری و برادرش محمدحسین از امضاکنندگان نامه درخواست استعفای خامنه‌ای رهبر پیشین جمهوری اسلامی در خردادماه ۱۳۹۸ بوده‌اند. او پس انتشار نامه بازداشت و به اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب» به حبس و شلاق محکوم شد. این فعال سیاسی مدت کوتاهی پس از آزادی و در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» بازداشت شد و به ۱۰ سال حبس محکوم شد و همچنان در زندان است.

فاطمه سپهری هرچند در طول دو سال گذشته یکبار تحت عمل قلب و تخلیه تومورهای هر دو دست قرار گرفته، اما حاضر به پذیرش مرخصی و آزادی مشروط از سوی قوه قضاییه شهر مشهد نشده است.

با توجه به بیماری‌های متعدد این فعال سیاسی و با وجود اینکه تحمل شرایط زندان برای او غیرممکن و خطرناک است اما قوه قضاییه تا به امروز حاضر به آزادی بی قید و شرط برای او نشده است.



مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای در فضای امنیتی برگزار شد



تابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش در مصلى تهران

دومین روز برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای؛ ترامپ: یک هفته برای عزاداری به جمهوری اسلامی فرصت دادیم



● همزمان با برگزاری دومین روز مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای در مصلاى تهران که شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵ برگزار شد، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، بار دیگر ادعا کرد جمهوری اسلامی خواهان «حل و فصل» اختلافات با ایالات متحده است. وی در اظهاراتی تحقیرآمیز گفت که آمریکا برای عزاداری و دفن جنازه خامنه‌ای یک هفته به جمهوری اسلامی فرصت داده است.

● ترامپ در بخشی از این سخنرانی با اشاره به وضعیت سیاسی در ایران تأکید کرد: «ما ونزوئلا را در یک روز شکست دادیم و ضربه بسیار سختی به [رژیم] ایران وارد کردیم. آنها بی‌صبرانه می‌خواهند به یک توافق برسند؛ آنقدر می‌خواهند مسئله را حل و فصل کنند که قابل تصور نیست.»

● رئیس‌جمهور آمریکا سپس افزود: «ما چون آدم‌های خوبی هستیم، برای برگزاری مراسم دفن به آنها یک هفته فرصت دادیم.»

● در طول مراسم، بارها هواداران نظام شعار «انتقام، انتقام» سر دادند و به مذاکره با آمریکا انتقاد کردند.

همزمان با برگزاری دومین روز مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای در مصلاى تهران که شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵ برگزار شد، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، بار دیگر ادعا کرد جمهوری اسلامی خواهان «حل و فصل» اختلافات با ایالات متحده است. وی در اظهاراتی تحقیرآمیز گفت آمریکا

در این مراسم رهبران بین‌المللی حضور نداشتند و فقط تعدادی از مقام‌های ارشد منطقه‌ای از جمله میخائیل کاولاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، نیچیروان بارزانی رئیس‌اقلیم کردستان عراق، قربانعلی محمد بردی‌اف رهبر ملی ترکمنستان و عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان به تهران رفتند.

امیرخان متقی وزیر خارجه طالبان در افغانستان و شماری از اعضای دیگر گروه‌های تروریستی مانند حشدالشعبی در عراق و حزب‌الله در لبنان از جمله خانواده حسن نصرالله، نمایندگان گروه‌های مسلح فلسطینی، نمایندگان حوثی‌ها و فاطمیون و گروه‌هایی از مکزیک، تاجیکستان، چین و هند در این مراسم حاضر بودند.

براساس گزارش‌های میدانی دور تا دور مصلاى تهران نیروهای امنیتی از ارگان‌های مختلف مستقر شده بودند و ماشین‌ها حق تردد نداشتند.

شماری از مقام‌های ارشد نظام از جمله امیر حاتمى تهدید کردند که تقاص خون خامنه‌ای را خواهند گرفت.

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی علاوه بر توصیه‌های غذایی، در اطلاعیه‌ای به طرفداران نظام توصیه کرد در صورت بروز شرایط اضطراری، «سریع و بدون شتاب از محل خطر» دور شوند، «از موانع امن برای محافظت» استفاده کنند و «از دستور نیروهای انتظامی و امدادی» پیروی نمایند.

همچنین گزارش شد که بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌ها پرسنل و خانواده‌های آنها را به اجبار به این مراسم کشاندند. طبق اعلام ستاد برگزاری این مراسم که مستقیم زیر نظر سپاه پاسداران هدایت می‌شود، بقایای جسد خامنه‌ای پس از گذشت بیش از سه ماه که از کشته شدن وی در نخستین دقایق جنگ چهل روزه می‌گذرد، ۱۶ تیرماه در قم، ۱۷ تیرماه در نجف و کربلا و ۱۸ تیرماه در مشهد تشییع خواهد شد.

● مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای و شماری از اعضای خانواده او که در حمله آمریکا و اسرائیل کشته شدند، جمعه ۱۲ تیرماه در مصلاى تهران تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد؛ در این مراسم مجتبی خامنه‌ای فرزند و جانشین علی خامنه‌ای حضور نداشت.

● همچنین در این مراسم رهبران بین‌المللی حضور نداشتند و فقط تعدادی از مقامات ارشد منطقه‌ای از جمله میخائیل کاولاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، نیچیروان بارزانی رئیس‌اقلیم کردستان عراق، قربانعلی محمد بردی‌اف رهبر ملی ترکمنستان و عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان به تهران رفتند.

● امیرخان متقی وزیر خارجه طالبان در افغانستان و شماری از اعضای دیگر گروه‌های تروریستی مانند حشدالشعبی عراق و حزب‌الله لبنان از جمله خانواده حسن نصرالله، نمایندگان گروه‌های مسلح فلسطینی، نمایندگان حوثی‌ها و فاطمیون و گروه‌هایی از مکزیک، تاجیکستان، چین و هند در این مراسم حاضر بودند.

● طبق اعلام ستاد برگزاری این مراسم که مستقیم زیر نظر سپاه پاسداران هدایت می‌شود، بقایای جسد خامنه‌ای پس از گذشت بیش از سه ماه، که از کشته شدن وی در نخستین دقایق جنگ چهل روزه در نهم اسفند ۱۴۰۴ می‌گذرد، ۱۶ تیرماه در قم، ۱۷ تیرماه در نجف و کربلا و ۱۸ تیرماه در مشهد تشییع خواهد شد.

مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای و شماری از اعضای خانواده او که در حمله آمریکا و اسرائیل در نهم اسفند ۱۴۰۴ کشته شدند، در مصلاى تهران تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد؛ در این مراسم مجتبی خامنه‌ای فرزند و جانشین علی خامنه‌ای حضور نداشت.

رؤیای جمهوری اسلامی: بمب اتمی!

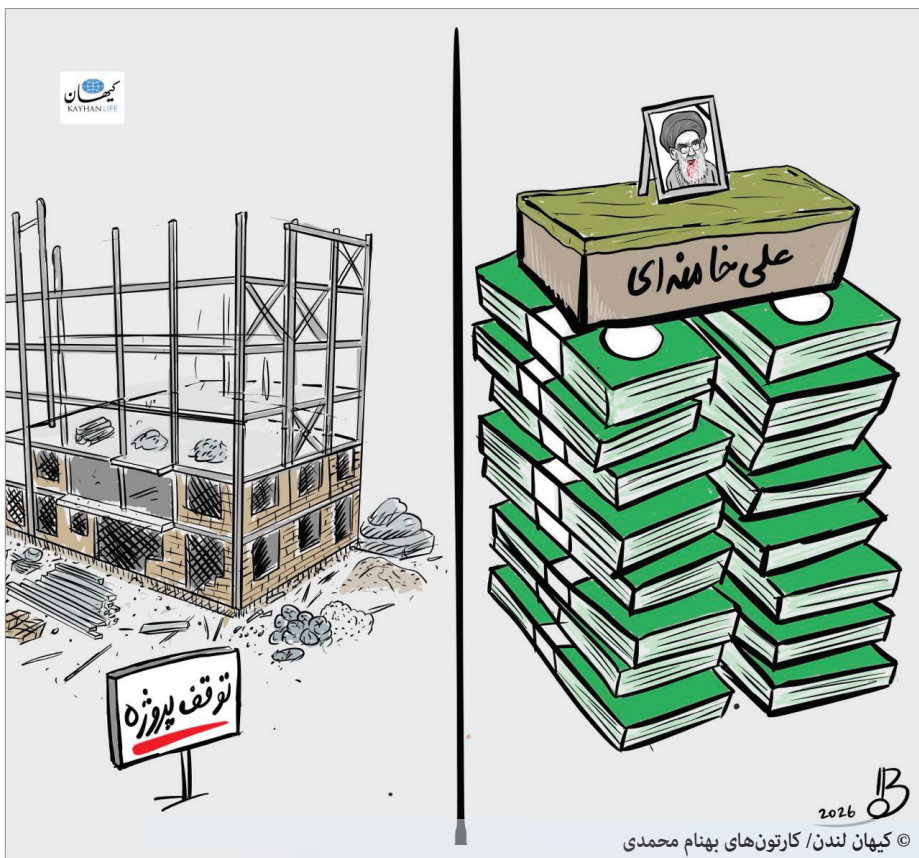


ویدئو

که اغلب رانندگان ایرانی با احتیاط از کنار آن می‌گذرند، سرنوشت متفاوتی برای برنامه اتمی جمهوری اسلامی رقم زد! مرحله‌ای که هرچند احتمالاً نه بطور کامل، ولی ضربه‌ای غافلگیرکننده و هولناک به پروژه مخفی اتمی رژیم وارد آورد!

فرید خلیفی- بنیامین نتانیاهو در سال ۲۰۱۸ همزمان با نمایش بخشی از اسناد آرشیو اتمی که توسط اسرائیل از ایران خارج شده بود، گفت «این نام را به خاطر بسپارید؛ «محسن فخری‌زاده!» دو سال بعد یک وانت نیسان آبی، ماشینی

بودجه‌های کلان کجا هزینه می‌شوند؟!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ برای عزاداری و دفن جنازه خامنه‌ای یک هفته به جمهوری اسلامی فرصت داده است.

ترامپ در بخشی از این سخنرانی با اشاره به وضعیت سیاسی در ایران تأکید کرد: «ما ونزوئلا را در یک روز شکست دادیم و ضربه بسیار سختی به [رژیم] ایران وارد کردیم. آنها بی‌صبرانه می‌خواهند به یک توافق برسند؛ آنقدر می‌خواهند مسئله را حل و فصل کنند که قابل تصور نیست.»

رئیس‌جمهور آمریکا سپس افزود: «ما چون آدم‌های خوبی هستیم، برای برگزاری مراسم دفن به آنها یک هفته فرصت دادیم.»

برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که جمهوری اسلامی مستقیم و غیرمستقیم درباره تأمین امنیت مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای از آمریکا تضمین گرفته است. این اظهارات ترامپ در واقع تأیید ادعاهای منابع غیررسمی است، به ویژه آنکه چند مقام جمهوری اسلامی نیز هشدار داده بودند که شاید آمریکا و اسرائیل به دنبال خرابکاری در مراسم تدفین



رهبر پیشین جمهوری اسلامی باشند. در طول مراسم، بارها هواداران نظام شعار «انتقام، انتقام» سر دادند و به مذاکره با آمریکا انتقاد کردند.

مذاکره با آمریکا و به گفته‌ی مقامات نظام، «قاتلان علی خامنه‌ای»، پیش از تدفین او شروع شده بود. ولی از یکسو دولت مسعود پزشکیان و از سوی دیگر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده ارشد حکومت در مذاکرات به شدت از سوی بخشی از حامیان نظام مورد انتقاد قرار گرفتند. در واکنش به این انتقادات که در مواردی به درگیری خیابانی بین هواداران نظام در تجمعات شبانه انجامید، مسعود پزشکیان رئیس دولت مدعی شد که «اگر رهبری [مجتبی خامنه‌ای] موافقت نمی‌کرد، مذاکره نمی‌کردیم.» در این میان، وضعیت مجتبی خامنه‌ای که به عنوان جانشین پدرش معرفی شده، اصلاً مشخص نیست. وی نه در مراسم تشییع جنازه همسر و فرزندش حاضر بود و نه در تشییع جنازه پدرش. ادعا می‌شود که عدم حضور وی به دلیل مسائل امنیتی است اما به نظر می‌رسد، اگر هنوز زنده باشد، صدماتی که دیده جدی‌تر از آن باشد که بتواند در مراسم عمومی شرکت کند. دستگاه تبلیغاتی نظام نیز یک روایت را تقویت می‌کند و آن «ضرورت حفاظت از جان مجتبی خامنه‌ای» است. در محافل درون حکومت مطرح است که اگر انتقام خامنه‌ای گرفته نشود، امنیت «رهبران بعدی» هم به خطر می‌افتد.

اقامه نماز میت بر تابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش؛ باز هم از مجتبی خبری نبود اما برادرانش ضجه و مویه کردند



جعفر سبحانی بر تابوت خامنه‌ای نماز میت می‌خواند / مصلی تهران ۱۴ تیر ۱۴۰۵

بر اساس گزارش منابع میدانی، بخش‌های مرکزی تهران در محدوده عباس‌آباد و خیابان‌های اطراف مصلی تهران، ده‌ها نیروی امنیتی و لباس شخصی مستقر شدند. بسیاری از کسانی که در مراسم حضور پیدا کردند، شاغلین دولت و نظامی‌ها به همراه خانواده‌هایشان بودند که گفته می‌شود به آنها اعلام شده بود باید در این مراسم شرکت کنند.

به گفته شاهدان عینی، مخارج زیادی صرف پذیرایی و اسکان حامیان نظام شده بود. صبحانه، ناهار، شام، میان وعده، نوشیدنی و انواع شربت و میوه در بین حاضران پخش شد. بسیاری از ارگان‌های حکومتی اعم از نظامی و غیرنظامی ساختمان‌های خود را در اختیار کسانی قرار دادند که برای حضور در مراسم تدفین خامنه‌ای به تهران رفتند. وسایل نقلیه عمومی از جمله مترو، اتوبوس و مینی‌بوس و همچنین ده‌ها دستگاه ون بطور رایگان برای تردد این افراد سازماندهی شده بود.

گفته می‌شود در عراق حشدالشعبی مسئولیت امنیت مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای را بر عهده خواهد داشت. در همین ارتباط، تدارکات گسترده‌ای برای پذیرایی از عراقیان شیعه حامی خامنه‌ای در نظر گرفته شده که بخشی از آن شامل درمانگاه‌های سیار است که از ایران به عراق منتقل شده‌اند.

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان در گفتگو با رسانه‌ها ادعا کرد: «حضور گسترده مردم و مشارکت دستگاه‌های مختلف و حضور مهمانان و هیئت‌های خارجی، نشان‌دهنده ثبات، استحکام، انسجام و وحدت کشور است.» با اینهمه از رهبران دولت‌ها حتی رهبران مسلمانان از جمله رجب‌طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی امیر قطر و هیثم بن طارق آل سعید پادشاه عمان که از دوستان جمهوری اسلامی به شمار می‌روند، برای شرکت در مراسم تشییع خامنه‌ای و خانواده‌اش در تهران حضور نیافتند.

مراسم حضور پیدا نکرده است. این در حالیست که دونالد ترامپ اعلام کرد که یک هفته برای عزاداری و کفن و دفن علی خامنه‌ای به جمهوری اسلامی فرصت داده است. سه پسر دیگر علی خامنه‌ای (میثم، مسعود و مصطفی) اما در مراسم حضور یافته و دوربین‌های صدا و سیما حکومت بارها تصویر آنها را به نمایش گذاشت که ضجه و مویه می‌کردند.

طبق اعلام ستاد برگزاری مراسم تدفین، تابوت خامنه‌ای بعد از تهران در قم و نجف و کربلا گردانده می‌شود و رهبر پیشین نظام در نهایت در شهر مشهد دفن خواهد شد.



سه پسر خامنه‌ای بدون مجتبی در مصلی تهران/ ۱۴ تیرماه ۱۴۰۵

● سومین روز مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۵ در مصلی تهران، برگزار شد. در این روز همراه با حضور شماری از مقامات ارشد نظام، جعفر سبحانی از مراجع تقلید حکومتی بر تابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش نماز میت خواند.

● درباره عدم شرکت مجتبی خامنه‌ای در تشییع جنازه اعضای خانواده‌اش، ادعا شد که وی به دلایل امنیتی در این مراسم حضور پیدا نکرده است. این در حالیست که دونالد ترامپ اعلام کرد که یک هفته برای عزاداری و کفن و دفن علی خامنه‌ای به جمهوری اسلامی فرصت داده است. سه پسر دیگر علی خامنه‌ای (میثم، مسعود و مصطفی) اما در مراسم حضور یافته و دوربین‌های صدا و سیما حکومت بارها تصویر آنها را به نمایش گذاشت که ضجه و مویه می‌کردند.

● به گفته شاهدان عینی، مخارج زیادی صرف پذیرایی و اسکان حامیان نظام شده بود. صبحانه، ناهار، شام، میان وعده، نوشیدنی و انواع شربت و میوه در بین حاضران پخش شد. بسیاری از ارگان‌های حکومتی اعم از نظامی و غیرنظامی ساختمان‌های خود را در اختیار کسانی قرار دادند که برای حضور در مراسم تدفین خامنه‌ای به تهران رفتند. وسایل نقلیه عمومی از جمله مترو، اتوبوس و مینی‌بوس و همچنین ده‌ها دستگاه ون بطور رایگان برای تردد این افراد سازماندهی شده بود.

سومین روز مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۵ در مصلی تهران، برگزار شد. در این روز همراه با حضور شماری از مقامات ارشد نظام، جعفر سبحانی از مراجع تقلید حکومتی بر تابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش نماز میت خواند.

درباره عدم شرکت مجتبی خامنه‌ای در تشییع جنازه اعضای خانواده‌اش، ادعا شد که وی به دلایل امنیتی در این

اسرائیل رفت و آمد رهبران و مقامات سازمان‌های تروریستی به مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای را زیر نظر دارد



مصلى تهران / تيرماه ۱۴۰۵، مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای

ارتش اسرائیل برای احتمال از سر گرفتن جنگ با ایران آماده می‌شود

ارتش اسرائیل همچنان خود را برای سناریویی آماده می‌کند که در آن درگیری با جمهوری اسلامی از سر گرفته شود یا اطلاعات مشخصی از تهدید علیه اسرائیل به دست آید که مستلزم اقدام فوری نظامی باشد.

به گزارش وبسایت «والا»، سپهبد ایال زمیر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، هر هفته طرح‌های عملیاتی دفاعی و تهاجمی را بررسی و تأیید می‌کند و سازمان اطلاعات نظامی نیز همچنان در حال گسترش فهرست اهداف و بازبینی اهداف موجود است.

ارتش اسرائیل بر این باور است که جنگ هزینه سنگینی به حکومت ایران تحمیل کرده است. با این حال، مقامات اسرائیلی معتقدند که حکومت ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هنوز در آستانه فروپاشی قرار ندارند و روند بازسازی خود را آغاز کرده‌اند.

تأمیل شدید مجتبی خامنه‌ای به انتقام

یک مقام ارشد امنیتی اسرائیل گفته است که برآورد اصلی این است که مجتبی خامنه‌ای انگیزه‌ای بسیار قوی برای انتقام دارد. به گفته این مقام، این انگیزه نه تنها ناشی از تحقیر حکومت ایران توسط ارتش اسرائیل، بلکه نتیجه کشته شدن پدرش نیز هست. به گفته این مقام، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران از جمله افرادی است که این انگیزه انتقام‌جویانه را تقویت می‌کند.

همچنین یک مقام ارشد امنیتی دیگر گفته است که اگر حزب الله به خاک اسرائیل حمله کند، ارتش اسرائیل با حمله به اهدافی در منطقه ضاحیه بیروت پاسخ خواهد داد.

به گفته این مقام، در چنین سناریویی تهران بار دیگر ناچار خواهد شد تصمیم بگیرد که آیا موشک‌هایی به سمت اسرائیل شلیک کند یا از مداخله مستقیم خودداری کند.

دولت‌ها نیز ترجیح دادند شخصاً در مراسم شرکت نکنند و نمایندگانی را بجای خود اعزام کردند.

به گفته نهادهای امنیتی اسرائیل، حکومت ایران به دلیل فشارهای اقتصادی به تدریج در حال بازگرداندن خدمات اینترنتی است. در این گزارش همچنین آمده است که مقامات رژیم ایران طی سال‌های گذشته بارها نشان داده‌اند که توانایی کنترل فضای جامعه و هدایت افکار عمومی را دارند.

جمهوری اسلامی همچنین بطور شایه‌روزی در تلاش است توانمندی‌های نظامی خود را بازسازی و اقتصادش را که همچنان تحت تحریم‌های شدید قرار دارد، احیا کند. تا زمان نگارش این گزارش، تغییری در وضعیت بحرانی اقتصاد ایران ایجاد نشده و این مسئله همچنان مهم‌ترین منبع فشار بر حکومت محسوب می‌شود.

با وجود اظهارات دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای را نخواهد داشت، اسرائیل خارج از روند مذاکرات باقی مانده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مذاکره مشارکت ندارد. در نتیجه، نهادهای امنیتی اسرائیل نگران هستند که تصمیم‌های اتخاذشده میان واشنگتن و تهران، آنها را غافلگیر کند.



سپهبد ایال زمیر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل

● نهادهای امنیتی اسرائیل با دقت رویدادهای مربوط به مراسم و سفر مقام‌ها به تهران را زیر نظر دارند؛ مراسمی که رهبران و مقامات ارشد سازمان‌هایی که اسرائیل آنها را تروریستی می‌داند، برای شرکت در آن حضور یافتند.

● مقامات امنیتی اسرائیل به وبسایت خبری «والا» گفته‌اند که بخشی از این مراسم تلاش برای عادی‌سازی و مشروعیت بخشیدن به جایگاه مجتبی خامنه‌ای به عنوان جانشین رهبری است. مجتبی خامنه‌ای در عملیات هدفمند علیه پدرش به شدت مجروح شده و از حضور در مراسم تشییع پدرش هراس دارد. بسیاری از رهبران دولت‌ها نیز ترجیح دادند شخصاً در مراسم شرکت نکنند و نمایندگانی را بجای خود اعزام کردند.

● یک مقام ارشد امنیتی اسرائیل گفته است که برآورد اصلی این است که مجتبی خامنه‌ای انگیزه‌ای بسیار قوی برای انتقام دارد. به گفته این مقام، این انگیزه نه تنها ناشی از تحقیر حکومت ایران توسط ارتش اسرائیل، بلکه نتیجه کشته شدن پدرش نیز هست. به گفته این مقام، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران از جمله افرادی است که این انگیزه انتقام‌جویانه را تقویت می‌کند.

● نهادهای امنیتی اسرائیل با دقت رویدادهای مربوط به مراسم و سفر مقام‌ها به تهران را زیر نظر دارند؛ مراسمی که رهبران و مقام‌های ارشد سازمان‌هایی که اسرائیل آنها را تروریستی می‌داند، برای شرکت در آن حضور یافتند.

● مقامات امنیتی اسرائیل به وبسایت خبری «والا» متعلق به «اورشلیم پست» گفته‌اند که بخشی از این مراسم تلاش برای عادی‌سازی و مشروعیت بخشیدن به جایگاه مجتبی خامنه‌ای به عنوان جانشین رهبری است. مجتبی خامنه‌ای در عملیات هدفمند علیه پدرش به شدت مجروح شده و از حضور در مراسم تشییع او هراس دارد. بسیاری از رهبران

ادغام دو بال شکسته‌ی «اصلاح طلب و اصولگرا» در دو بال «سپاه» و «روحانیت»



ملایان در لباس سپاهی / مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای که نهم اسفند ۱۴۰۴ در نخستین دقایق جنگ چهل روزه در مخفیگاه خود کشته شد / مصلاهی تهران / ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵

دفاع از امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد»، سود حاصل از فروش کنونی نفت را بیست درصد بیشتر از هنگام دور زدن تحریم‌ها بیان کرد.

فروش نفت خام توسط جمهوری اسلامی بعد از تعلیق محدودیت‌ها و تحریم‌های نفتی توسط آمریکا در حالی رو به افزایش است که اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا با اشاره به این تعلیق گفته بود: «هیچ کشوری به دلیل نگرانی از بازگشت تحریم‌های آمریکا هنوز به خرید نفت ایران اقدام نکرده است.» وی در حساب کاربری خود در ایکس با اعلام اجازه‌ی دسترسی به بازسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی، بر رفت و آمد آزاد و بدون مانع کشتی‌ها در تنگه‌ی هرمز بر اساس «تفاهم‌نامه» تأکید کرده بود. این در حالیست که روز چهارشنبه دهم تیرماه، اتحادیه‌های صنعت کشتیرانی تنگه‌ی هرمز را تا نهم ژوئیه (نوزدهم تیرماه) ناامن و منطقه‌ی جنگی اعلام کرده‌اند.

در این میان، با وجود تعلیق تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی و افزایش صادرات آن، قیمت جهانی نفت همچنان بالای هفتاد دلار و بیشتر از قیمت آغاز جنگ چهل روزه‌ی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است. برخی ناظران یکی از دلایل توقف عملیات «خشم حماسی» به دستور دونالد ترامپ و وارد شدن او به یک «یادداشت تفاهم» برای مذاکره را افزایش قیمت نفت و حساسیت وی به این موضوع عنوان کرده‌اند.

اکنون دستیابی جمهوری اسلامی به دلارهای نفتی که بعد از دو جنگ دوازده روزه و چهل روزه در تابستان و زمستان ۱۴۰۴ در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار گرفته، نگرانی عمده‌ی مردم ایران و دغدغه‌ی مخالفان «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» است چرا که باعث تقویت و بازسازی توان سرکوب در داخل و تروریسم در خارج توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود. روندی که تبلیغات

مردمی که سال‌هاست از همه‌ی بال‌ها و جناحین و کل نظام عبور کرده‌اند، سرانجام چه سرنوشتی را برای آنها رقم خواهند زد.

کیهان لندن - علی خامنه‌ای دومین رهبر جمهوری اسلامی که در نخستین دقایق جنگ چهل روزه در نهم اسفندماه ۱۴۰۴ کشته شد و تازه این روزها، بعد از بیشتر از سه ماه آنچه به عنوان جنازه‌ی وی عنوان می‌شود، با نمایش در چند شهر، قرار است در مشهد مدفون شود، زمانی گفته بود که «اصلاح طلب» و «اصولگرا» مثل «دو بال نظام» هستند که آن را نگه می‌دارند. اکنون هر دو بال که چهار دهه بر سفره‌ی انقلاب نشست و با شراکت در قدرت سیاسی مطلق، از منافع اقتصادی تصورناپذیر بهره می‌بردند، شکسته شده و با از میان برداشتن ده‌ها تن از مهم‌ترین مقامات کشوری و لشکری رژیم، برای حفظ قدرت سیاسی و منافع اقتصادی در دو بال «سپاه» و «روحانیت» ادغام شده‌اند.

«یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» در چنین وضعیتی توسط دو دولت جمهوری اسلامی و آمریکا امضاء شد. یادداشتی که بر اساس آن رژیم ایران از جمله متعهد شد که در تنگه‌ی هرمز مزاحمتی به وجود نیابد و آمریکا هم در مقابل، محاصره‌ی دریایی ایران را لغو کند. از روز لغو محاصره‌ی دریایی و بنادر کشور، جمهوری اسلامی تا کنون پنجاه میلیون بشکه نفت صادر کرده است.

شرکت تانکر ترک‌ز که رفت و آمدهای دریایی و تردد نفتکش‌ها را رصد می‌کند، با اعلام این موضوع افزوده است: «این میزان صادرات نفت خام بعد از لغو محاصره‌ی دریایی و در دو هفته‌ی گذشته انجام گرفته است.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی سه‌شنبه نهم تیرماه ۱۴۰۵ در یک گفتگوی تلویزیونی ناممطم، میزان صادرات نفت خام را چهل میلیون بشکه عنوان کرد. وی با

اگر تا چندی پیش درباره سرنوشت صدام حسین و معمر قذافی و نیکلای چائوشسکو به علی خامنه‌ای هشدار داده می‌شد، اکنون سرنوشت او و خانواده و سرداران و مقاماتش هشدار عینی و کاملاً به‌روز به بقایای نظام است!

همین خامنه‌ای زمانی گفته بود که «اصلاح طلب» و «اصولگرا» مثل «دو بال نظام» هستند که آن را نگه می‌دارند. اکنون هر دو بال که چهار دهه بر سفره‌ی انقلاب نشست و با شراکت در قدرت سیاسی مطلق، از منافع اقتصادی تصورناپذیر بهره می‌بردند، شکسته شده و با از میان برداشتن ده‌ها تن از مهم‌ترین مقامات کشوری و لشکری رژیم، برای حفظ قدرت سیاسی و منافع اقتصادی در دو بال «سپاه» و «روحانیت» ادغام شده‌اند.

اکنون دستیابی جمهوری اسلامی به دلارهای نفتی، نگرانی عمده‌ی مردم ایران و دغدغه‌ی مخالفان «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» است چرا که باعث تقویت و بازسازی توان سرکوب در داخل و تروریسم در خارج توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود. روندی که تبلیغات درباره‌ی آن به ملایانی سپرده شده که در نمایش جنازه خامنه‌ای و تدفین آن با عمامه و لباس پاسداری و البته چفیه فلسطینی حضور یافته‌اند.

در شرایطی که دیگر مرز تصنعی بین اصلاح طلب و اصولگرا به عنوان دو بال نظام در دوران به اصطلاح «صلح» از میان رفته، به نظر می‌رسد در دوران جنگ‌های اعلام شده و اعلام نشده، بقایای رژیم حفظ خود و نظام‌شان را در ادغام هر دو جناح در «سپاه» و «روحانیت» دیده‌اند و اعضای اصلاح طلب و اصولگرا را در هر دو بال کنونی می‌توان شناسایی کرد.

اما اینها نیز چاره‌ای ندارند جز اینکه منتظر همانند تا ببینند سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، و مهم‌تر از همه،

عاقبت قدرت‌نمایی زمامداران ایران در تنگه هرمز



فقیه هم از زمان آغاز جنگ آمریکا علیه آن و هم پس از پایان آن، بارها این اهرم فشار را مطرح کرده است. گویی ناگهان متوجه شده باشد که سلاحی در جیب خود داشته که پیشتر [با وجود مطرح شدن] به آن توجه جدی نداشته؛ در حالی که تنگه هرمز همان تنگه است و تغییری نکرده. پیش از این نیز «سلاح» دیگر حکومت ایران، برنامه هسته‌ای بود. محمدباقر قالیباف حاکمیت بر تنگه هرمز را به ایران و سلطنت عمان محدود می‌کند، در حالی که این تنگه نه صرفاً ایرانی است و نه عمانی، بلکه یک گذرگاه بین‌المللی و در عین حال متعلق به منطقه خلیج فارس است. این آبراه ایران و شش کشور شورای همکاری خلیج فارس و عراق را به اقیانوس هند متصل می‌کند. بنابراین، بر اساس اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر آبراه‌های بین‌المللی، عراق همان حقوقی را در این تنگه دارد که ایران دارد و هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس نیز دقیقاً از همان حقوق ایران برخوردارند؛ نه بیشتر و نه کمتر. افزون بر این، جامعه جهانی نیز به دلیل ماهیت بین‌المللی این آبراه، در آن منافی مشروع دارد.

اما جمهوری اسلامی احساس قدرت می‌کند و دلیل همین احساس است که تصور می‌کند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواهان پایان دادن به جنگ است و تمایلی به بازگشت به درگیری نظامی ندارد.

با این حال، رژیم ایران در این قدرت‌نمایی توجه ندارد که ادامه این رویکرد ممکن است نتیجه‌ای کاملاً معکوس به همراه داشته باشد. جهان تنها نفت خود را از تنگه هرمز دریافت نمی‌کند و فقط به گاز قطر وابسته نیست، بلکه بخش مهمی از صادرات کودهای شیمیایی نیز از این مسیر انجام می‌شود و هرگونه اختلال بلندمدت در عبور آنها می‌تواند جهان را با بحران غذایی جدی روبرو کند.

زمامداران ایران از موقعیت دشواری که ترامپ در عرصه داخلی و خارجی با آن روبروست بهره می‌برند و همچنان روی «برگ تنگه هرمز» بازی می‌کنند. اما ممکن است ناگهان دریابند که این برگ، همان «کارت برنده»ی بازی نیست و می‌تواند یکباره علیه خودشان عمل کند و به از دست رفتن همه کارت‌هایش بیانجامد.

*منبع: روزنامه المصری الیوم

*نویسنده: سلیمان جوده

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● محمدباقر قالیباف حاکمیت بر تنگه هرمز را به ایران و سلطنت عمان محدود می‌کند، در حالی که این تنگه نه صرفاً ایرانی است و نه عمانی، بلکه یک گذرگاه بین‌المللی و در عین حال متعلق به منطقه خلیج فارس است. این آبراه ایران و شش کشور شورای همکاری خلیج فارس و عراق را به اقیانوس هند متصل می‌کند. بنابراین، بر اساس اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر آبراه‌های بین‌المللی، عراق همان حقوقی را در این تنگه دارد که ایران دارد و هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس نیز دقیقاً از همان حقوق ایران برخوردارند. جامعه جهانی نیز به دلیل ماهیت بین‌المللی این آبراه، در آن منافی مشروع دارد.

● اما جمهوری اسلامی احساس قدرت می‌کند و دلیل همین احساس است که تصور می‌کند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواهان پایان دادن به جنگ است و تمایلی به بازگشت به درگیری نظامی ندارد.

● زمامداران ایران از موقعیت دشواری که ترامپ در عرصه داخلی و خارجی با آن روبروست بهره می‌برند و همچنان روی «برگ تنگه هرمز» بازی می‌کنند. اما ممکن است ناگهان دریابند که این برگ، همان «کارت برنده»ی بازی نیست و می‌تواند یکباره علیه خودشان عمل کند و به از دست رفتن همه کارت‌هایش بیانجامد.

سلیمان جوده (المصری الیوم) - جهان در برخورد با جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ آمریکا علیه آن، گویی با مأمور پلیسی روبروست که برای دستگیری یک فرد مسلح رفته، اما ناگهان آن فرد سلاح دومی را به سوی او نشانه می‌رود؛ سلاحی که انتظارش را نداشت.

این برداشت را می‌توان از سخنان محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی که از شبکه تلویزیون دولتی ایران منتشر شد نیز دریافت. این شبکه به نقل از او اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران در کنار سلطنت عمان، بر تنگه هرمز حاکمیت دارد، از حقوق خود در این تنگه عقب‌نشینی نخواهد کرد و عبور رایگان از آن تنها برای مدت شصت روز، مطابق با تفاهم‌نامه امضاشده میان واشنگتن و تهران، امکان‌پذیر خواهد بود.

قالیباف دوباره «سلاح تنگه هرمز» را به نمایش گذاشته که البته برای نخستین بار نیست. حکومت تحت رهبری ولی

درباره‌ی آن به ملایانی سپرده شده که در نمایش جنازه خامنه‌ای و تدفین آن با عمامه و لباس پاسداری و البته چفیه فلسطینی حضور یافته‌اند.

در همین ارتباط، سرتیپ پاسدار سیدمجید ابن‌الرضا سرپرست وزارت دفاع جمهوری اسلامی در دیدار با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با دفاع از گسترش توان موشکی و پهپادی نظام، آن را «خط قرمز امنیت ملی و غیرقابل مذاکره» عنوان کرده است.

از سوی دیگر، با اینکه رئیس‌جمهور آمریکا همچنان روند مذاکرات با رژیم را مثبت و خوب تلقی کرده و حتا تأکید می‌کند که رژیم ایران بی‌صبرانه منتظر «حل و فصل» اختلافات با آمریکاست، اما موج تهدیدها علیه او و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، از سوی آنچه در واقع از «ارکان نظام» باقی مانده است، ادامه دارد.

روزنامه‌ی نیویورک‌پست در گزارشی با اشاره به این تهدیدها و بیانیه ده‌ماده‌ای ۶۶ عضو از ۸۸ عضو «مجلس خبرگان رهبری» نوشته است که آنها خواستار کشتن «نخست‌وزیر شرور اسرائیل» و «رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا» هستند. این روزنامه همچنین اضافه کرده است که «روحانیون مجلس خبرگان» این امر را یک «وظیفه‌ی شرعی» دانسته که باید «تحت هر شرایطی» انجام شود.

نیویورک‌پست با اشاره به عکس صفحه‌ی اول روزنامه‌ی «همشهری» که در آن پیشانی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا را با تیتراژ «انتقام قطعی است» با سلاح دوربین‌دار نشانه رفته افزوده که از نظر این روحانیون که مسئول تعیین رهبر در جمهوری اسلامی هستند، آتش‌بسی کنونی یک تاکتیک خرید وقت از سوی آمریکا برای انجام دور دیگری از حملات است.

اکنون در شرایطی که دیگر مرز تصنعی بین اصلاح‌طلب و اصولگرا به عنوان دو بال نظام در دوران به اصطلاح «صلح» از میان رفته، به نظر می‌رسد در دوران جنگ‌های اعلام‌شده و اعلام‌نشده، بقایای رژیم حفظ خود و نظام‌شان را در ادغام هر دو جناح در «سپاه» و «روحانیت» دیده‌اند. با اینهمه وزن این دو بال نیز مانند وزن دو بال پیشین نظام همسان نیست و لنگر زدن‌ها و کج و معوج‌های جمهوری اسلامی در سه دهه‌ی گذشته از جمله به همین دلیل بوده است.

در وضعیت فعلی نیز بین دو بال «سپاه» و «روحانیت»، این ملایان هستند که زیر سلطه‌ی «سپاه» قرار دارند و وظیفه‌ی تبلیغاتی و رجزخوانی را برای آن بر عهده گرفته‌اند و اعضای اصلاح‌طلب و اصولگرا را در هر دو بال کنونی می‌توان شناسایی کرد. آنچه مشخص است اینکه از همه آنها که نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دادند، بقایایی برجای مانده که همچنان برای حفظ خود و انقلاب اسلامی ۵۷ و نظامی که از آن برآمده است، حتا با تسلیم شدن در برابر «شیطان بزرگ» تلاش می‌کنند. در واقع سپاه، روحانیون وفادار به جمهوری اسلامی را زیر بال خود گرفته تا برای قدرت‌نمایی و پیروزی‌های تخیلی نیروهای نظامی رژیم و مظلوم‌نمایی‌های آن، روضه و رجز بخوانند. اما اینها نیز چاره‌ای ندارند جز اینکه منتظر همانند تا ببینند سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، و مهم‌تر از همه، مردمی که سال‌هاست از همه‌ی بال‌ها و جناحین و کل نظام عبور کرده‌اند، سرانجام چه سرنوشتی را برای آنها رقم خواهند زد.

اگر تا چندی پیش درباره سرنوشت صدام حسین و معمر قذافی و نیکلای چائوشسکو به علی خامنه‌ای هشدار داده می‌شد، اکنون سرنوشت او و خانواده و سرداران و مقاماتش هشدار عینی و کاملاً به‌روز به بقایای نظام است!

حملات سنگین هوایی آمریکا به بیش از ۹۰ نقطه در جنوب ایران؛ ترامپ: مقامات جمهوری اسلامی خواهان «توافق» هستند

یکی از نقاطی که هدف قرار گرفت خط آهن آق‌قلا در استان گلستان نزدیک گرگان بود. در جریان هفته‌هایی که ایران در محاصره دریایی بود این خط آهن در واردات کالا به ایران از شمال کشور نقش اساسی داشت.

به ایران از شمال کشور نقش اساسی داشت.

آکسیوس گزارش داد، مقامات آمریکایی خود را برای یک جنگ چند روزه یا چند هفته‌ای با جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز آماده می‌کنند که به زودی آغاز خواهد شد. به گفته آنها، «مدت و شدت کارزار جدید کاملاً به گام‌های بعدی جمهوری اسلامی بستگی دارد». همین مقامات توضیح دادند، ادامه تشدید تنش به این بستگی دارد که آیا حکومت ایران به حملات خود علیه کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز ادامه خواهد داد یا نه.

دونالد ترامپ بامداد پنجشنبه همزمان با حملات آمریکا به اهدافی در ایران گفت مقام‌های جمهوری اسلامی تماس

جاسک، سیریک، بندرعباس، بوموسی، هنگام، لاوان، خارک و همچنین چند نقطه در شمال ایران، شامل خط آهن آق‌قلا در استان گلستان نزدیک گرگان هدف حمله قرار گرفتند.

سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد: «به دستور فرمانده کل قوا [دونالد ترامپ] نیروهای ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، حملات بیشتری را علیه ایران آغاز کرده‌اند تا توان این کشور برای تهدید آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز را بیش از پیش کاهش دهند. ایالات متحده [رژیم] ایران را بابت تجاوزهای اخیر و بی‌دلیل علیه کشتیرانی تجاری و خدمه غیرنظامی که آزادانه در یک آبراه حیاتی بین‌المللی تردد می‌کنند، مسئول می‌داند.»

دونالد ترامپ در حاشیه نشست سران ناتو در آنکارا با اعلام اینکه توافق و تفاهمنامه موجود با جمهوری اسلامی برای پایان دادن به درگیری‌ها دیگر اعتباری ندارد و «تمام

جنگنده و پهپادهای ارتش آمریکا مستقر در منطقه برای دومین شب پیاپی بیش از ۹۰ هدف را که بیشتر آنها در سواحل جنوبی ایران قرار دارند، بمباران کردند. بر اساس گزارش‌های اولیه، این اهداف در چابهار، ایرانشهر، کنارک، جاسک، سیریک، بندرعباس، بوموسی، هنگام، لاوان، خارک و همچنین چند نقطه در شمال ایران، شامل خط آهن آق‌قلا در استان گلستان نزدیک گرگان هدف حمله قرار گرفتند.

● جمهوری اسلامی به تلافی این حملات، تعدادی موشک و پهپاد به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه از جمله کویت پرتاب کرد که اغلب آنها در مسیر رهگیری و منهدم شدند.

● در جریان هفته‌هایی که ایران در محاصره دریایی بود خط آهن آق‌قلا در واردات کالا به ایران از شمال کشور



برج ترافیک دریایی چابهار که هدف حمله هوایی قرار گرفت

گرفتند و «به شدت» خواهان توافق شدند اما او مطمئن نیست که توافق کند یا نه.

دونالد ترامپ در مصاحبه با خبرنگاران در «ایرفورس وان» با اشاره به زمامداران باقیمانده رژیم ایران گفت: «آنها اندکی پیش تماس گرفتند، به شدت می‌خواهند توافق کنند؛ فقط نمی‌دانم آیا شایستگی توافق کردن را دارند یا نه.»

او در پاسخ به این پرسش که آیا آمریکا به درگیری نظامی تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی بازمی‌گردد، گفت: «نمی‌دانم، اما خیلی سریع پیروز می‌شویم.»

دونالد ترامپ همچنین گفت: «نمی‌دانم آیا به توافق پایبند می‌مانند یا نه، مسئله همین است.»

او بار دیگر اظهارات خود را تکرار کرد که آمریکا پیشتر در ایران «از نظر نظامی پیروز شده است». وی افزود که جمهوری اسلامی «چیز زیادی برایش باقی نمانده» و «به شدت» می‌خواهد توافق کند.

شده است»، با لحنی تند، زمامداران حکومت ایران را «افرادی بیمار و آشغال» خطاب کرد.

در مرحله اول حملات اخیر که ۱۷ تیرماه صورت گرفت، بیش از ۹ ارتشی و سپاهی کشته و شماری زخمی شدند. تلفات دومین شب حمله آمریکا تا زمان نگارش این گزارش مشخص نیست اما گفته می‌شود شماری کشته و زخمی برجای گذاشت.

سنتکام اعلام کرد نیروهای آمریکایی حدود ۹۰ هدف نظامی، از جمله سامانه‌های پدافند هوایی، تجهیزات پایش ساحلی، محل‌های نگهداری موشک و پهپاد، توانمندی‌های دریایی و زیرساخت‌های لجستیک نظامی در امتداد سواحل ایران را هدف قرار داده‌اند.

جمهوری اسلامی به تلافی این حملات، تعدادی موشک و پهپاد به پایگاه‌های آمریکادر کشورهای منطقه از جمله کویت پرتاب کرد که اغلب آنها در مسیر رهگیری و منهدم شدند.

نقش اساسی داشت.

● آکسیوس گزارش داد، مقامات آمریکایی خود را برای یک جنگ چند روزه یا چند هفته‌ای با جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز آماده می‌کنند که به زودی آغاز خواهد شد. به گفته آنها، «مدت و شدت کارزار جدید کاملاً به گام‌های بعدی جمهوری اسلامی بستگی دارد.»

● دونالد ترامپ در مصاحبه با خبرنگاران در «ایرفورس وان» با اشاره به زمامداران باقیمانده رژیم ایران گفت: «آنها اندکی پیش تماس گرفتند، به شدت می‌خواهند توافق کنند؛ فقط نمی‌دانم آیا شایستگی توافق کردن را دارند یا نه.»

جنگنده و پهپادهای ارتش آمریکا مستقر در منطقه برای دومین شب پیاپی بیش از ۹۰ هدف را که بیشتر آنها در سواحل جنوبی ایران قرار دارند، بمباران کردند. بر اساس گزارش‌های اولیه، این اهداف در چابهار، ایرانشهر، کنارک،

«هفته جهانی اقدام برای ایران آزاد»؛ گردهمایی مقابل سفارت آمریکا در لندن با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی

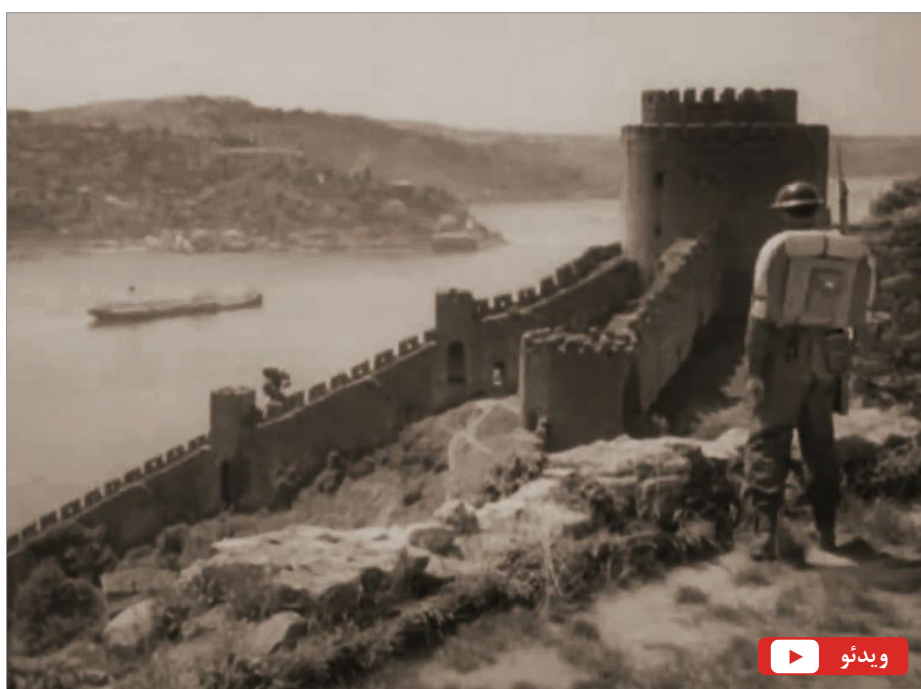


ویدئو

برلین، پاریس، اتاوا، کانبرا، استکهلم، بروکسل، آمستردام، وین، رم، اسلو، برن، مادرید، لیسبون، ورشو و بانکوک از جمله شهرهایی بودند که ایرانیان به طور همزمان در روز چهارم ژوئن در آنها تجمع کردند.

عنوان «هفته جهانی اقدام برای ایران آزاد»، و در نخستین روز این فراخوان در چهارم ژوئیه، ایرانیان در برابر سفارت‌های آمریکا در سراسر جهان تجمع کردند و پیامی روشن به مقامات این کشور دادند: «با تروریست‌ها معامله نکنید»

در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی شماری از ایرانیان ساکن بریتانیا روز شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵ برابر با چهارم ژوئیه ۲۰۲۴ مقابل سفارت ایالات متحده آمریکا در لندن تجمع کردند بر اساس فراخوان شش روزه شاهزاده رضا پهلوی با



ویدئو

ترکیه چگونه عضو «ناتو» شد؟

فرید خلیفی - درباره چگونگی عضویت ترکیه در ناتو، که یک پیمان نظامی غربی است، پاسخ کوتاه این است که ترکیه در واقع برای نجات خود از فشارهای اتحاد شوروی و با وجود مخالفت برخی اعضای این پیمان نظامی، به عضویت ناتو درآمد. ماجرا از این قرار است که پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ ژوزف استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، فشارهای شدیدی بر دولت ترکیه می‌آورد که شامل دو محور اصلی ادعای ارضی و کنترل تنگه‌های حساس در این منطقه می‌شد.

فشار تورم چگونه بر دوش اقشار کم‌درآمد تحمیل می‌شود؟



همزمان با افزایش درآمد و بهبود معیشت آن افزایش می‌یابد. به همین دلیل وقتی از طبقات و گروه‌های پایین‌تر درآمدی به سمت بالا حرکت می‌کنیم، وزن و اهمیت اقلام غیرخوراکی و خدمات در سبد خانوارها بیشتر می‌شود. موضوعی که در محاسبه شاخص‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. یکی از این شاخص‌ها، تورم یا همان رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده است. به بیان دیگر وقتی تورم اقلام حیاتی مانند خوراک و دارو در صدر تورم و افزایش قیمت‌ها قرار می‌گیرد اقشار کم‌درآمد بیشتر از اقشار ثروتمند از افزایش تورم متأثر می‌شود.

در آنسو سالهاست مردم معتقدند آنچه به‌عنوان فشار ناشی از تورم تحمل می‌کنند خیلی بیش از آمار و ارقامی است که از سوی نهادهای حکومتی اعلام می‌شود.

مرکز آمار ایران نیز برای تعیین اقلام سبد مصرف‌کننده از نتایج طرح هزینه و درآمد خانوار استفاده می‌کند و این سبد در طبقه‌بندی بین‌المللی COICOP شامل ۱۲ بخش، ۴۷ گروه و ۱۱۷ طبقه است. اما مسئله همین‌جاست: عدد رسمی برای کل جامعه ساخته می‌شود، در حالی که هر خانوار یک تورم شخصی دارد. یک مستاجر تهرانی، یک خانواده روستایی، یک کارگر با دو فرزند، یک بازنشسته، یک دانشجو و یک صاحبخانه بدون اجاره ماهانه، همگی زیر چتر یک عدد قرار می‌گیرند؛ اما فشار قیمت را یکسان حس نمی‌کنند.

کارشناسان تأکید دارند در اقتصادهایی که تورم مزمن و شدید دارند، شکاف میان تورم رسمی و تورم احساسی بسیار پررنگ‌تر می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر گزارش داده بود که در مرداد ۱۴۰۱، میان تورم احساس شده از سوی مردم ۸۶ درصد بوده، در حالی که بانک مرکزی و مرکز آمار تورم نقطه‌به‌نقطه همان ماه را به ترتیب ۴۶ و ۵۱ درصد اعلام کرده بودند.

همان گزارش توضیح می‌دهد که اختلاف میان آمار بانک مرکزی و مرکز آمار نیز از تفاوت در ضرایب اهمیت، ←

ماهانه ۹/۵ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۶/۸ درصد و تورم سالانه ۶۲ درصد بوده است؛ یعنی خانوارها برای خرید یک مجموعه کالا و خدمات مشابه، نسبت به خرداد سال قبل به‌طور متوسط ۶/۸ درصد بیشتر هزینه کرده‌اند.

تورم ماهانه اقلام غیرخوراکی و خدمات در خرداد سال جاری در کل کشور معادل ۳/۵ درصد برآورد شده است. در مقابل تورم خوراکی‌ها برابر با ۸/۶ درصد بوده و تورم ماهانه کل نیز برابر با ۹/۵ درصد محاسبه شده است. با این حال تورم غیرخوراکی‌ها و خدمات در استان‌های مختلف ارقام مختلفی را به ثبت رسانده است. در خرداد امسال تورم این گروه کالایی در آذربایجان غربی معادل ۳/۹ درصد، در هرمزگان ۲/۹ درصد و در ایلام ۸/۷ درصد برآورد شده که بالاترین مقدار در بین استان‌ها بوده‌اند.

در مقابل تورم ماهانه غیرخوراکی‌ها و خدمات در ماه گذشته در استان‌های قم، قزوین و خراسان جنوبی کمترین مقدار را داشته است. این شاخص در استان‌های مذکور به ترتیب برابر با ۵/۳ درصد، ۲/۳ درصد و ۷/۲ درصد بوده است. تورم اقلام غیرخوراکی و خدمات نیز در استان تهران معادل ۶/۴ درصد برآورد شده که کمتر از میانگین کل کشوری است.

به‌طورکلی آنچه از داده‌ها قابل مشاهده است این است که تورم غیرخوراکی‌ها و خدمات در استان‌های نسبتاً برخوردارتر مانند تهران، اصفهان و البرز در خرداد سال جاری کمتر از میانگین کشوری بوده است. موضوعی که می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که فشار تورم عمدتاً روی دوش خانوارهای فقیرتر است.

از سوی دیگر کارشناسان تأکید دارند وقتی فردی به لحاظ درآمدی به نقطه بحرانی برسد، اولین دغدغه‌اش تأمین نیاز خوراکی خود جهت بقا و زنده ماندن است. در مقابل هر زمان وضعیت زندگی افراد بهبود یابد، زمینه برای هزینه‌کرد در کالاهایی غیر از خوراک نیز فراهم می‌شود. به عبارتی مخارج آموزشی، تفریح، سرگرمی، خرید کالاهای بادوام برای خانوار

● در حالیکه آمارهای رسمی از جمله آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان‌دهنده افزایش چشمگیر تورم در اقتصاد ایران است اما بخش بزرگی از جامعه که در دهک‌های میانی و پایین درآمدی قرار دارند معتقدند تورم واقعی از این عددها خیلی بیشتر است و فشار ناشی از تورم بیش از درصدهای مطرح شده از سوی مراکز حکومتی است.

● وقتی فردی به لحاظ درآمدی به نقطه بحرانی برسد، اولین دغدغه‌اش تأمین نیاز خوراکی خود جهت بقا و زنده ماندن است. در مقابل مخارج آموزشی، تفریح، سرگرمی، خرید کالاهای بادوام برای خانوار همزمان با افزایش درآمد و بهبود معیشت آن افزایش می‌یابد. به همین دلیل افزایش تورم اقلام حیاتی مانند خوراک و دارو اقشار کم‌درآمد را بیشتر متأثر می‌کند.

● دفتر آمار کار آمریکا توضیح داده که مردم هنگام شکل دادن به برداشت خود از تورم، قیمت اقلامی را که بیشتر خریداری می‌کنند سنگین‌تر از کالاهای کم‌تکرار در ذهن می‌نشانند. برای همین است که خوراکی‌ها، سوخت، کرایه حمل‌ونقل، دارو، خدمات درمانی و حتی بسته اینترنت، بیشتر از بسیاری از اقلام دیگر در ذهن مردم تورم می‌سازند. خانواده ممکن است یخچال یا میلمان را چند سال یک‌بار عوض کند، اما نان، مرغ، پنیر، تخم‌مرغ، برنج، میوه، کرایه و دارو را مکرر می‌خرد.

در حالیکه آمارهای رسمی از جمله آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان‌دهنده افزایش چشمگیر تورم در اقتصاد ایران است اما بخش بزرگی از جامعه که در دهک‌های میانی و پایین درآمدی قرار دارند معتقدند تورم واقعی از این عددها خیلی بیشتر است و فشار ناشی از تورم بیش از درصدهای مطرح شده از سوی مراکز حکومتی است.

مرکز آمار ایران برای خرداد ۱۴۰۵ اعلام کرده شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به ۶/۴۵۶ رسیده، تورم

«کانون فرهنگی پارس» برگزار کرد: نشست بررسی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران



ویدئو

لاجوردی از اعضای انجمن پژوهشگران، «آموزش عالی جنسیت و تحولات اجتماعی» به قلم ناهید حسینی پژوهشگر امور زنان و «از لرستان با عشق» به قلم بیژن بختیاری فعال حقوق بشر، در این نشست بررسی شدند.

«کانون فرهنگی پارس» در لندن بیست‌وهفتم ژوئن ۲۰۲۶ در نشستی به بررسی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در دهه اخیر و بازتاب آنها در سه کتاب جدید پرداخت. کتاب‌های «می‌خواهم ایران باقی بماند» به قلم حسین

فوندهای قیمتی، روش قیمت‌گیری و تفاوت در داده‌های هزینه و درآمد خانوار ناشی می‌شود. به بیان دیگر تورم رسمی، تصویر میانگین اقتصاد است، اما تورم احساسی، تصویر فشار روزمره بر سفره، اجاره‌نامه و خریدهای تکراری مردم است.

در روش محاسبه تورم، قیمت کالاهای پرمصرف و کم‌مصرف در کنار هم می‌نشینند. ممکن است قیمت یک قلم خوراکی، دارو، کرایه یا پوشاک به شدت بالا برود، اما چون وزن آن در کل سبد محدود است یا در کنار کالاهایی قرار می‌گیرد که رشد کمتری داشته‌اند، اثرش در عدد نهایی نرم‌تر دیده شود. همین «نرم شدن عدد» برای اقتصاددان قابل توضیح است، اما برای خانواری که همان کالا را هر هفته می‌خرد، قابل تحمل نیست. خانواده وقتی می‌گوید «همه چیز گران شده»، از میانگین ۱۲ گروه کالایی حرف نمی‌زند؛ از تکرار تجربه پرداخت حرف می‌زند. از این می‌گوید که قیمت نان، لبنیات، گوشت، مرغ، میوه، کرایه، دارو و شارژ ساختمان مرتب جلوی چشمش عوض می‌شود. قابل توجه اینکه در خرداد ۱۴۰۵ نیز تورم ماهانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» طبق گزارش مرکز آمار ۶.۸ درصد بوده؛ یعنی حتی در یک ماه هم اقلام روزمره سریع‌تر از تورم کل حرکت کرده‌اند افزایش قیمت بیشتری داشته‌اند.

از طرف دیگر، گزارش‌های تحلیلی مبتنی بر داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در کشور به حدود ۶/۱۳۴ درصد رسیده است؛ عددی که بسیار بالاتر از تورم نقطه‌ای کل یعنی ۶/۸۸ درصد است. این یعنی اگرچه شاخص کل می‌گوید خانوارها به طور متوسط ۶/۸۸ درصد بیشتر از خرداد ۱۴۰۴ هزینه کرده‌اند، اما در بخشی از سفره، رشد قیمت‌ها بسیار تندتر بوده است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد نیوز» گزارش داده تورم برای مردم لحظه‌ای شروع می‌شود که قیمت مرغ، برنج، اجاره، دارو، گوشتی، کرایه تاکسی و قبضه‌ها با حقوق ماهانه‌شان جور در نمی‌آید. برای همین است که حتی وقتی نهادهای رسمی از «تورم ۵۷ یا ۶۲ درصدی» حرف می‌زنند، بخش بزرگی از جامعه حس می‌کند تورم واقعی زندگی‌اش از این عددها جلوتر ایستاده است؛ نه چون مردم الزاما آمار را نمی‌فهمند، بلکه چون آمار رسمی میانگین می‌گیرد، اما زندگی مردم با میانگین اداره نمی‌شود.

بر اساس این گزارش یکی از دلایل مهم بالاتر بودن احساس تورم این است که ذهن مردم وزن بیشتری به کالاهایی می‌دهد که زیاد می‌خرند. اقتصاددان‌ها به این پدیده «سوگیری فراوانی خرید» می‌گویند؛ یعنی قیمت‌هایی که دائم دیده می‌شوند، اثر روانی بیشتری نسبت به قیمت‌هایی دارند که سالی یک‌بار یا چند سال یک‌بار پرداخت می‌شوند. «اقتصاد نیوز» تأکید کرده دفتر آمار کار آمریکا در معرفی شاخصی به نام Everyday Price Index توضیح داده که مردم هنگام شکل دادن به برداشت خود از تورم، قیمت اقلامی را که بیشتر خریداری می‌کنند سنگین‌تر از کالاهای کم‌تکرار در ذهن می‌نشانند؛ این شاخص روی کالاها و خدماتی تمرکز می‌کند که دست‌کم ماهی یک‌بار خریداری می‌شوند و نشان می‌دهد چنین شاخصی برای انتظارات تورمی عموم مردم توضیح‌دهنده‌تر از CPI رسمی است.

برای همین است که خوراکی‌ها، سوخت، کرایه حمل‌ونقل، دارو، خدمات درمانی و حتی بسته اینترنت، بیشتر از بسیاری از اقلام دیگر در ذهن مردم تورم می‌سازند. خانواده ممکن است یخچال یا مبلمان را چند سال یک‌بار عوض کند، اما نان، مرغ، پنیر، تخم‌مرغ، برنج، میوه، کرایه و دارو را مکرر می‌خرد.

تجمع ایرانیان آزادی خواه مقابل دفتر نخست‌وزیری بریتانیا



ویدئو

تجمع‌کنندگان یکی از برجسته‌ترین خواسته‌های خود در ماه‌های اخیر از دولت بریتانیا را بار دیگر تکرار کردند: قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در لیست گروه‌های تروریستی.

در آغاز نخستین هفته بعد از استعفای کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، گروهی از ایرانیان مبارز ساکن لندن، در روز دوشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۲۶ برابر با هشتم تیرماه ۱۴۰۵ در مقابل دفتر نخست‌وزیری تجمع کردند.

ایران در آینده مذاکرات؛ صلح برای چه کسی، و بهای آن بر دوش چه کسی؟



است؛ غارتی که تنها به منابع زیرزمینی محدود نمی‌شود. نفت، گاز، معادن، طلا و ذخایر طبیعی، تنها بخشی از آن چیزی است که از ایران خارج شده یا در قراردادهای نابرابر به بهای ناچیز واگذار شده است. آنچه کمتر دیده می‌شود، غارت ثروت روزمینی ایران است؛ غارت نیروی انسانی، سرمایه اجتماعی، مغزهای علمی، نیروی کار، امید نسل جوان و ظرفیت تمدنی یک ملت.

جوان ایرانی، شاید بیش از هر گروه دیگری، قربانی این وضعیت بوده است. نسلی که می‌توانست سازنده یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای منطقه باشد، اکنون میان سرکوب، مهاجرت، ناامیدی و فرسودگی روانی گرفتار شده است. جامعه‌شناسی بحران به ما می‌آموزد که نابودی یک ملت همیشه با اشغال نظامی آغاز نمی‌شود؛ گاه با گرفتن افق آینده از نسل جوان آغاز می‌شود.

اما شاید دردناک‌ترین بخش ماجرا، آن چیزی باشد که کمتر درباره آن سخن گفته می‌شود: مسئله ایران‌گشی. باید این پرسش را با صراحت مطرح کرد: مأمورانی که در چهار دهه و اندی گذشته دست به سرکوب، کشتار و نابودی ایرانیان زده‌اند، در نهایت در خدمت کدام ساختارهای قدرت عمل کرده‌اند؟

وقتی از کشتار سخن می‌گوییم، منظور تنها اعدام‌های رسمی یا قتل‌های ثبت‌شده نیست. سخن از روندی ممتد از حذف فیزیکی، روانی، اقتصادی و فرهنگی است؛ روندی که بسیاری از ناظران آن را نوعی فرسایش سیستماتیک ملت ایران می‌دانند.

وقتی در بازه‌ای کوتاه، در جریان سرکوب‌های خونین، ده‌ها هزار یا بنا بر برخی برآوردها صدها هزار انسان قربانی می‌شوند، و هنگامی که طی چهل و هفت سال میلیون‌ها ایرانی به اشکال گوناگون قربانی خشونت مستقیم، مهاجرت اجباری، فروپاشی معیشت، اعتیاد، زندان، سرکوب و نابودی فرصت‌های زندگی شده‌اند، دیگر نمی‌توان مسئله را ←

سپروس کنگرلو - هر بار که سخن از مذاکره، توافق، تنش‌زدایی یا صلح به میان می‌آید، افکار عمومی معمولاً بسوی میزهای گفتگو، چهره‌های گفتگو، چهره‌های سیاسی و بازیگران جهانی کشیده می‌شود. اما در میان این همه گفتگو، پرسشی بنیادین سال‌هاست بی‌پاسخ مانده است: بهای واقعی این مذاکرات را چه کسی پرداخته است؟

اگر با صداقت به این پرسش پاسخ دهیم، نام تنها یک طرف بیش از همه برجسته می‌شود: ملت ایران.

نه قدرت‌های جهانی که پشت درهای بسته معامله می‌کنند، نه دولت‌هایی که با زبان دیپلماسی سخن می‌گویند، و نه حکومت‌هایی که خود را نماینده مردم می‌خوانند؛ بلکه این ملت ایران است که طی دهه‌ها، بهای هر تأخیر، هر بحران، هر معامله و هر سازش را با جان، جوانی، ثروت، امنیت و آینده خود پرداخته است.

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تحلیل سیاسی در سال‌های گذشته آن بوده که مسئله ایران را صرفاً در سطح نزاع میان حکومت جمهوری اسلامی و قدرت‌های خارجی تقلیل داده‌اند. چنین نگاهی، مسئله اصلی را پنهان می‌کند. مسئله فقط این نیست که چه کسی مذاکرات را طولانی می‌کند. پرسش عمیق‌تر آن است که طولانی‌شدن این وضعیت به سود چه کسانی تمام شده است.

آیا واقعا تنها حکومت جمهوری اسلامی عامل فرسایشی‌شدن مذاکرات است، یا آنکه این وضعیت برای قدرت‌های دیگر نیز منافع عظیم ایجاد کرده است؟

وقتی کشوری در بحران مزمن ننگه داشته شود، بتدریج استقلال اقتصادی، قدرت چانه‌زنی، و توان ملی آن فرسوده می‌شود. کشوری که ضعیف شده، منزوی شده و تحت فشار مستمر قرار گرفته، آسانتر به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شود. در چنین وضعیتی، کشور دیگر صرفاً یک ملت مستقل نیست؛ به عرصه‌ای برای تقسیم منافع بدل می‌شود. ملت ایران در این سال‌ها شاهد غارتی چندلایه بوده

● هر بار که سخن از مذاکره، توافق، تنش‌زدایی یا صلح به میان می‌آید، افکار عمومی معمولاً بسوی میزهای گفتگو، چهره‌های سیاسی و بازیگران جهانی کشیده می‌شود. اما در میان این همه گفتگو، پرسشی بنیادین سال‌هاست بی‌پاسخ مانده است: بهای واقعی این مذاکرات را چه کسی پرداخته است؟

● وقتی کشوری در بحران مزمن ننگه داشته شود، بتدریج استقلال اقتصادی، قدرت چانه‌زنی، و توان ملی آن فرسوده می‌شود. کشوری که ضعیف شده، منزوی شده و تحت فشار مستمر قرار گرفته، آسانتر به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شود. در چنین وضعیتی، کشور دیگر صرفاً یک ملت مستقل نیست؛ به عرصه‌ای برای تقسیم منافع بدل می‌شود.

● آیا ما تنها با یک حکومت سرکوبگر روبرو هستیم، یا با ساختاری پیچیده‌تر که در آن بازیگران پنهان منطقه‌ای و جهانی نیز از تضعیف ایران سود می‌برند؟

● ایران صرفاً یک واحد سیاسی معاصر نیست؛ ایران یکی از کهن‌ترین پیوستارهای تمدنی جهان است. از دست رفتن بخشی از مرزهای آبی یا خاکی ایران، تنها از دست رفتن جغرافیا نیست؛ از دست رفتن بخشی از حافظه تاریخی یک ملت است. دردناک‌تر آنکه در اغلب مذاکرات، ملت ایران اصلاً طرف گفتگو نیست. درباره ایران سخن گفته می‌شود، اما با ایرانی سخن گفته نمی‌شود.

● ملت ایران دیگر آن ملت خاموش گذشته نیست. حافظه جمعی بیدار شده است. مردم می‌بینند، مقایسه می‌کنند، بخاطر می‌سپارند و داوری می‌کنند. آنان می‌دانند چه چیز از آنان ربوده شده؛ از نفت و طلا گرفته تا فرصت زندگی، از امنیت گرفته تا کرامت ملی.

● پیام امروز ایرانیان روشن است. ما فراموش نخواهیم کرد. نه آنچه در داخل بر این ملت گذشت، و نه آنچه در بیرون بر سر این سرزمین معامله شد.

→ صرفاً در قالب یک بحران داخلی توضیح داد.

اینجاست که پرسش فلسفی دشوارتری پدیدار می‌شود: آیا ما تنها با یک حکومت سرکوبگر روبرو هستیم، یا با ساختاری پیچیده‌تر که در آن بازیگران پنهان منطقه‌ای و جهانی نیز از تضعیف ایران سود می‌برند؟

تاریخ نشان داده است که قدرت‌های بزرگ همیشه برای سلطه بر یک تمدن، نیازمند اشغال مستقیم نیستند. گاه کافی است حافظه تاریخی آن ملت تضعیف شود، ساختارهای آموزشی آن فرسوده گردد، طبقه نخبگانش پراکنده شود و جوانانش امید به آینده را از دست بدهند.

از این منظر، مسئله فقط حکومت نیست؛ مسئله بقای تمدنی ایران است. در آنچه برخی از نظریه‌پردازان از آن با عنوان بازآرایی نظم جهانی یاد می‌کنند، خاورمیانه بار دیگر به کانون بازتقسیم قدرت تبدیل شده است. تجربه کشورهای منطقه نشان داده که در بسیاری موارد، مرزها تنها روی نقشه ثابت مانده‌اند، اما در واقعیت، حاکمیت، منابع و استقلال آنان میان بازیگران خارجی تقسیم شده است.

برای ایران، این خطر ابعادی بسیار عمیق‌تر دارد. ایران صرفاً یک واحد سیاسی معاصر نیست؛ ایران یکی از کهن‌ترین پیوستارهای تمدنی جهان است. از دست رفتن بخشی از مرزهای آبی یا خاکی ایران، تنها از دست رفتن جغرافیا نیست؛ از دست رفتن بخشی از حافظه تاریخی یک ملت است. دردناک‌تر آنکه در اغلب مذاکرات، ملت ایران اصلاً طرف گفتگو نیست.

درباره ایران سخن گفته می‌شود، اما با ایرانی سخن گفته نمی‌شود.

حتی اگر فردا توافقی امضا شود، پرسش اساسی باقی خواهد ماند: چه کسی درباره بازگرداندن ثروت‌های غارت‌شده سخن خواهد گفت؟ چه کسی درباره منابع تاراج‌شده، قراردادهای نابرابر، مرزهای آسیب‌دیده و خسارت‌های تاریخی پاسخ خواهد داد؟

صلحی که عدالت را نادیده بگیرد، در بسیاری موارد چیزی جز تثبیت بی‌عدالتی نیست. ملت ایران امروز بیش از هر زمان دیگری این واقعیت را دریافته است که هیچ قرارداد سیاسی، هیچ معامله اقتصادی و هیچ توافق ژئوپولیتیکی نمی‌تواند حافظه تاریخی یک ملت را پاک کند.

و شاید مهمترین تحول زمانه همین باشد. ملت ایران دیگر آن ملت خاموش گذشته نیست. حافظه جمعی بیدار شده است. مردم می‌بینند، مقایسه می‌کنند، بخاطر می‌سپارند و داوری می‌کنند. آنان می‌دانند چه چیز از آنان ربوده شده؛ از نفت و طلا گرفته تا فرصت زندگی، از امنیت گرفته تا کرامت ملی.

از همین رو پیام امروز ایرانیان روشن است. ما فراموش نخواهیم کرد. نه آنچه در داخل بر این ملت گذشت، و نه آنچه در بیرون بر سر این سرزمین معامله شد. زیرا ملت‌هایی که حافظه تاریخی دارند، ممکن است سال‌ها صبور بمانند، اما هنگامی که برای بازپس‌گیری حق تاریخی خود برمی‌خیزند، دیگر تنها برای امروز نمی‌جنگند؛ برای آینده و برای حیثیت تاریخ خویش می‌ایستند.

ایران امروز بیش از آنکه بر سر میز مذاکره باشد، بر لبه تاریخ ایستاده است. و پرسش نهایی این است: آیا جهان می‌خواهد با ایران زخم‌خورده معامله کند، یا با ملت ایران، که دیر یا زود برای بازپس‌گیری آنچه از او ربوده شده برخورد خواهد داشت؟

چو ایران نباشد تن من مباد،

«اول لبنان»؟ نه! لبنان برای حزب‌الله در اولویت نیست!

در مسیر «فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری» که از سوی هواداران حزب‌الله انجام شد، به خوبی ماهیت و عمق موضع سیاسی این حزب شبه‌نظامی را آشکار می‌کند. حزبی که مسئول پیشبرد سیاست‌های رژیم ایران در ساحل مدیترانه است، لبنان را نه به عنوان یک وطن، بلکه صرفاً به عنوان سنگری پیشرفته برای دفاع از «میهن اصلی» خود، یعنی رژیم جمهوری اسلامی و آرزوهای منطقه‌ای آن، می‌بیند. هواداران حزب‌الله تابلوی «اول لبنان» را آتش زدند؛ همان گروهی که پیشتر در همان مسیر، بنزهای بزرگی با تصاویر علی خامنه‌ای و مجتبی خامنه‌ای نصب کرده بودند و بر برخی دیگر با حروف درشت نوشته بودند: «سیاس جمهوری اسلامی ایران!»

هدف حزب‌الله از نصب این بنزها، اعلام وابستگی

● به آتش کشیدن تابلوی تبلیغاتی با شعار «اول لبنان» در مسیر «فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری» که از سوی هواداران حزب‌الله انجام شد، به خوبی ماهیت و عمق موضع سیاسی این حزب شبه‌نظامی را آشکار می‌کند. حزبی که مسئول پیشبرد سیاست‌های رژیم ایران در ساحل مدیترانه است، لبنان را نه به عنوان یک وطن، بلکه صرفاً به عنوان سنگری پیشرفته برای دفاع از «میهن اصلی» خود، یعنی رژیم جمهوری اسلامی و آرزوهای منطقه‌ای آن، می‌بیند.

● حزب‌الله در زمان جنگ، دستورات تهران را اجرا می‌کند، حتی اگر نتیجه آن ویرانی جنوب لبنان و گسترش اشغال باشد. و هنگامی که رژیم ایران با «شیطان بزرگ» به تفاهم می‌رسد، حزب‌الله نیز خود را با روند مذاکرات



حزب‌الله پس از وقوع انقلاب ۵۷ توسط جمهوری اسلامی در دهه هشتاد میلادی در لبنان تشکیل شد و یکی از مهم‌ترین نیروهای نیابتی و تروریستی آن به شمار می‌رود

کامل خود به رژیم ایران بود. در زمان جنگ، دستورات تهران را اجرا می‌کند، حتی اگر نتیجه آن ویرانی جنوب لبنان و گسترش اشغال باشد. و هنگامی که رژیم ایران با «شیطان بزرگ» به تفاهم می‌رسد، حزب‌الله نیز خود را با روند مذاکرات هماهنگ می‌کند. اگر تهران برای تقویت موقعیت خود در مذاکرات به فشار نظامی نیاز داشته باشد، گلوله‌های بیشتری از جنوب لبنان شلیک می‌شود تا موقعیت چانه‌زنی «میهن اصلی» آن تقویت شود؛ به این امید که تهران پیروزی‌ای به دست آورد و ثمرات آن را میان لبنان و منطقه توزیع کند.

منطق حزب‌الله دقیقاً در نقطه مقابل استراتژی دولت لبنان قرار دارد؛ دولتی که هدفش از مذاکره، پس گرفتن سرزمین‌های اشغال‌شده و پایان دادن به عواملی است که سبب تکرار اشغال می‌شوند؛ عواملی که عمدتاً به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و فعالیت‌های نیابتی‌های آن در لبنان بازمی‌گردد.

دولت لبنان که مشروعیت خود را از قانون، حمایت مجلس و اکثریت گسترده‌ی مردم از همه اقوام و مناطق می‌گیرد، در چارچوب شعار «اول لبنان» حرکت می‌کند و به خوبی از دشواری‌هایی که حکومت ایران از طریق هوادارانش ایجاد می‌کند، آگاه است. با این حال، دو عامل مهم سبب

هماهنگ می‌کند. اگر تهران برای تقویت موقعیت خود در مذاکرات به فشار نظامی نیاز داشته باشد، گلوله‌های بیشتری از جنوب لبنان شلیک می‌شود تا موقعیت چانه‌زنی «میهن اصلی» آن تقویت شود.

● نخست‌وزیر لبنان از ایالات متحده، کشورهای عربی و دوستان بین‌المللی لبنان به دلیل نقش‌آفرینی در دستیابی به توافق [واشنگتن] قدردانی کرد و ابراز امیدواری نمود که با آغاز عقب‌نشینی اسرائیل، مردم جنوب این کشور بتوانند با امنیت و کرامت به خانه‌های خود بازگردند و روند بازسازی آغاز شود. این همان هدفی است که لبنان دنبال می‌کند؛ اما جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله آن را تسلیم، شکست و خیانت می‌دانند.

تونی فرانسیس (این‌دیندنت عربی) - در میان ویرانی‌ها و اشغال بخشی از کشور لبنان، تهران تمام توان خود را صرف واداشتن تشکیلات وابسته‌اش به راه‌اندازی کارزاری برای متهم کردن حکومت و مردم لبنان به خیانت کرده است. نباید تنها به متن بیانیه‌های صادرشده از نشست‌های مذاکرات در واشنگتن توجه کرد؛ بلکه مهم‌تر از آن، بررسی و مواضع اولیه طرفین مذاکره است.

به آتش کشیدن تابلوی تبلیغاتی با شعار «اول لبنان»



کارکنان ایرانی بی‌بی‌سی: معامله بر سر پوشش مراسم خاکسپاری خامنه‌ای «شرم‌آور و غیرقابل قبول» است

● جوئیش کرونیکل گزارش داد که موافقت بی‌بی‌سی با شرط جمهوری اسلامی برای عدم پخش گزارش‌های مراسم تشییع علی خامنه‌ای برای مخاطبان داخل ایران، با اعتراض شماری از روزنامه‌نگاران ایرانی این رسانه روبرو شده و پرسش‌هایی درباره استقلال و بی‌طرفی خبری بی‌بی‌سی برانگیخته است.

● به گفته شماری از کارکنان کنونی و پیشین بی‌بی‌سی، پذیرش شروط حکومت ایران برای پوشش یک رویداد خبری، با اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و تعهد این رسانه به دسترسی آزاد به اطلاعات در تضاد است.

● منتقدان می‌گویند این توافق عملاً به جمهوری اسلامی امکان داده است از اعتبار جهانی بی‌بی‌سی برای بازتاب روایت رسمی خود بهره ببرد، در حالی که مخاطبان داخل ایران از مشاهده همان گزارش‌ها محروم مانده‌اند.

● این مناقشه بار دیگر بحث دیرینه چگونگی تعامل رسانه‌های بین‌المللی با حکومت‌های اقتدارگرا را زنده کرده و این پرسش را پیش کشیده است که حفظ دسترسی خبری تا چه اندازه می‌تواند توجیه‌کننده پذیرش محدودیت‌های تحمیل‌شده از سوی دولت‌ها باشد.

روزنامه جوئیش کرونیکل گزارش داده است که توافق بی‌بی‌سی با جمهوری اسلامی برای پوشش مراسم تشییع علی خامنه‌ای، به شرط خودداری از پخش گزارش‌ها برای مخاطبان داخل ایران، با اعتراض و خشم شماری از روزنامه‌نگاران ایرانی شاغل و پیشین این رسانه روبرو شده است. به گفته این کارکنان، پذیرش چنین محدودیتی نه تنها اصل استقلال و بی‌طرفی خبری بی‌بی‌سی را زیر سؤال برده، بلکه در عمل به حکومت ایران امکان داده است از اعتبار این رسانه برای بازتاب روایت رسمی خود در سطح بین‌المللی بهره ببرد، در حالی که شهروندان ایرانی همزمان از دسترسی به همین گزارش‌ها محروم مانده‌اند؛ موضوعی که بار دیگر بحث بر سر نحوه تعامل رسانه‌های بین‌المللی با حکومت‌های اقتدارگرا را در کانون توجه قرار داده است. کارکنان بی‌بی‌سی پس از آنکه این نهاد رسانه‌ای، به گفته آنان، «با جمهوری اسلامی معامله کرد»، بشدت برآشفته شده‌اند. توافقی که به خبرنگاران این رسانه اجازه داد مراسم تشییع علی خامنه‌ای را در ایران پوشش دهند، اما آنان را از پخش گزارش‌های خود برای مردم داخل کشور منع کرد. بی‌بی‌سی برای پوشش این مراسم، دو گروه جداگانه از خبرنگاران خود را به ایران فرستاد.

با این همه، هیچیک از گزارش‌های آنان برای ایرانیانی که زیر سلطه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی زندگی ←

تهران نمی‌تواند توافقی را بپذیرد که راه را برای پایان جنگ در جبهه لبنان هموار کند و پس از دهه‌ها سرمایه‌گذاری، اهرم فشار خود بر مرزهای اسرائیل و آمریکا را از دست بدهد.

از نگاه حکومت ایران، بازگشت لبنان و اسرائیل به تأکید بر هدف مشترک برقراری صلح و امنیت پایدار، حرکت به سمت روابط حسن همجواری، به رسمیت شناختن حق هر کشور برای زندگی در صلح و حل اختلافات از طریق مذاکرات مستقیم با حمایت آمریکا، به ویژه اگر این روند به استقرار کامل حاکمیت ارتش لبنان و خلع سلاح گروه‌های مسلح غیردولتی بینجامد، پذیرفتنی نیست.

بر اساس چارچوب توافق، ارتش لبنان به تدریج کنترل مناطقی را که به عنوان «مناطق آزمایشی» تعیین می‌شوند، در دست خواهد گرفت. این مناطق با هماهنگی ارتش اسرائیل انتخاب خواهند شد و پس از خلع سلاح گروه‌های غیردولتی و برچیده شدن زیرساخت‌های آنها، اسرائیل به تدریج از آنها عقب‌نشینی خواهد کرد. سپس مناطق آزمایشی دیگری نیز به همین ترتیب تعیین خواهند شد.

پس از استقرار کامل ارتش لبنان در این مناطق، روند بازسازی با حمایت جامعه جهانی آغاز می‌شود و غیرنظامیان می‌توانند با امنیت به خانه‌های خود بازگردند.

این خلاصه چارچوب توافق است که لبنان و اسرائیل با حمایت دونالد ترامپ به آن دست یافته‌اند؛ توافقی که ترامپ بلافاصله پس از آن با رئیس‌جمهور لبنان تماس گرفت تا بر تعهد خود نسبت به امنیت و ثبات لبنان تأکید کند.

اما حزب‌الله و حکومت ایران این توافق را بطور کامل رد می‌کنند. حزب‌الله معتقد است که تنها توافق قابل قبول، توافقی است که به آن اجازه دهد همچنان یک نیروی مسلح باقی بماند؛ همان وعده‌ای که رژیم ایران به آن داده و در بیان سیاسی خود نیز بر آن تأکید می‌کند.

در این میان، الکساندر کارگین تحلیلگر روس معتقد است که مذاکرات واشنگتن فاقد هدفی روشن و دست‌یافتنی است، زیرا اسرائیل خود را در حال جنگ با حزب‌الله می‌داند، نه با دولت لبنان، و خود دولت لبنان نیز از حزب‌الله شکایت دارد. گریگوری لویکونوف نیز بر این باور است که اسرائیل تلاش می‌کند دولت لبنان را از حزب‌الله جدا کند و بیش از هر چیز خواهان آتش‌بس با دولت لبنان است، نه با حزب‌الله. او همچنین معتقد است تا زمانی که مسئله حزب‌الله از نگاه اسرائیل حل نشود، دستیابی به صلح امکان‌پذیر نخواهد بود. تحلیلگر روزنامه روسی «ایزوستیا» می‌نویسد که لبنان اکنون به میدان تقابل منافع قدرتهای منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده و مردم لبنان بیشترین هزینه این کشمکش‌ها را خواهند پرداخت.

به این ترتیب تحلیل‌های روسی نیز که معمولاً به دیدگاه‌های رژیم ایران نزدیک‌اند، نقش آمریکا را در پیشبرد روند مثبت میان لبنان و اسرائیل دست‌کم می‌گیرند.

در شرایط کنونی، تشدید تنش میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خلیج فارس و سرسختی تهران در پرونده لبنان می‌تواند همه این تلاش‌ها را با شکست روبرو کند. تنها راه تضمین اجرای توافقی‌های موجود، پایبندی طرفین به اجرای آنها، بدون احساس پیروزی مطلق، و نیز پذیرش ضرورت عقب‌نشینی رژیم ایران از لبنان و پایان دادن به استفاده از این کشور به عنوان میدان دائمی رویارویی با اسرائیل است. لبنان تصمیم گرفته است دیگر اجازه ادامه این بازی را ندهد، هرچند بهای آن سنگین باشد.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: تونی فرانسیس نویسنده و تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

→ حمایت از موضع دولت لبنان در مذاکرات واشنگتن [بین لبنان و اسرائیل] می‌شود؛ مذاکراتی که با میانجیگری ایالات متحده و شخص دونالد ترامپ صورت می‌گیرد.

درواقع نباید بیش از اندازه به متن بیانیه‌های مذاکرات واشنگتن پرداخت، بلکه باید به مواضع بنیادین طرفین توجه کرد. موضع لبنان به دو دلیل قدرتمند است:

نخست، تعهد ترامپ به استقلال و حاکمیت لبنان و توانایی او برای اعمال فشار بر اسرائیل و وادار کردن آن به اجرای تصمیماتی که شاید خود مایل به اجرای آنها نباشد. دوم، تأکید مکرر اسرائیل بر اینکه هیچ ادعای ارضی نسبت به لبنان ندارد و آماده است در صورت تحقق برخی شرایط، از خاک لبنان تا مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کند. مهم‌ترین این شرایط نیز انحصار کامل قدرت نظامی در اختیار دولت لبنان و پایان یافتن حضور مسلحانه حزب‌الله و دیگر گروه‌های مشابه است.

در منطق مذاکرات لبنان و اسرائیل، نادیده گرفتن این دو عامل و تمرکز صرف بر متن توافق‌ها، به معنای غفلت از جوهر اصلی موضوع است.

نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان، در ارزیابی خود از آخرین بیانیه مذاکرات واشنگتن، هدف اصلی «چارچوب توافق حاصل‌شده با اسرائیل به کمک میانجیگری آمریکا» را «تحقق خروج کامل اسرائیل از تمامی اراضی لبنان، بازگشت حاکمیت دولت و فراهم شدن امکان بازگشت ساکنان جنوب به خانه‌هایشان» دانست.

در مقابل، آنچه بر عهده لبنان گذاشته شده- یعنی گسترش حاکمیت دولت از طریق نیروهای مسلح بر سراسر کشور- چیزی جز همان تعهداتی نیست که لبنانی‌ها پیشتر نیز در «توافق طائف» بر سر آن توافق کرده بودند و سپس در قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت نیز مورد تأکید قرار گرفت. همچنین توافق بر سر «توقف عملیات خصمانه» در سال ۲۰۲۴ نیز تصریح می‌کند که تنها نیروهای قانونی حق حمل سلاح در لبنان را دارند. بیانیه دولت کنونی که بر اساس آن از مجلس رأی اعتماد گرفت نیز همین اصول را تکرار کرده و تأکید کرده است که تنها دولت حق تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح را دارد.

نخست‌وزیر لبنان همچنین از ایالات متحده، کشورهای عربی و دوستان بین‌المللی لبنان به دلیل نقش‌آفرینی در دستیابی به این توافق [واشنگتن] قدردانی کرد و ابراز امیدواری نمود که با آغاز عقب‌نشینی اسرائیل، مردم جنوب این کشور بتوانند با امنیت و کرامت به خانه‌های خود بازگردند و روند بازسازی آغاز شود.

این همان هدفی است که لبنان دنبال می‌کند؛ اما جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله آن را تسلیم، شکست و خیانت می‌دانند. از همین رو، کارزار جدیدی برای ایجاد تنش داخلی آغاز کرده‌اند؛ از جنگ بر سر تابلوهای تبلیغاتی گرفته تا بستن جاده‌ها و درگیری با ارتش لبنان، در حالی که حتی یک گلوله نیز به سوی نیروهای اسرائیلی که آزادانه در جنوب لبنان و آسمان آن حضور دارند، شلیک نشده است.

جمهوری اسلامی و حزب‌الله رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر لبنان را «خائن» و «عامل بیگانه» معرفی کرده‌اند و میلیون‌ها لبنانی را که به کشور خود وفادارند، جاسوس خوانده‌اند. به قول معروف، دزد پرزور یقه‌ی صاحبخانه را می‌گیرد!

درواقع حکومت ایران نمی‌خواهد لبنان در تصمیم‌گیری‌های خود مستقل باشد؛ زیرا بدون لبنان و حزب‌الله، دیگر جبهه‌ای پیشرفته برای نبرد از هزاران کیلومتر دورتر و دور نگه داشتن جنگ از خاک ایران نخواهد داشت؛ همان نکته‌ای که یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز چندی پیش به آن اشاره کرده بود.

خود «شفاف» بوده است. این نهاد رسانه‌ای در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما در پوشش خبری خود، محدودیت‌هایی را که بر کار خبرنگاران تحمیل شده بود، آشکارا با مخاطبان در میان گذاشتیم و در برنامه‌های خود نیز اعلام کردیم که گزارش‌های ما با این شرط تهیه شده است که هیچیک از آنها از طریق بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌ای که مخاطبانش بیش از همه تحت تأثیر رویدادهای ایران قرار داشتند، از استفاده از آنها محروم شد.

بر پایه این محدودیت‌ها، خبرنگاران بی‌بی‌سی در ایران ناچار بودند بیشتر از تصاویر مراسم تشییع رهبر جمهوری اسلامی که از سوی تلویزیون حکومتی ایران پخش شده بود

می‌کنند، پخش نشد. حکومتی که بنا بر گزارش‌ها، تنها در دو روز از اعتراضات سراسری ماه ژانویه، بیش از ۳۰ هزار نفر را به خاک و خون کشید.

بر پایه این توافق، خبرنگاران بی‌بی‌سی تنها زمانی اجازه یافتند از تهران گزارش تهیه کنند که بپذیرند هیچکدام از گزارش‌ها و تصویرهای آنان از بخش فارسی زبان بی‌بی‌سی



فارسی پخش نشود. محدودیت‌های مشابهی نیز برای همه رسانه‌های بین‌المللی فعال در ایران اعمال شده بود.»

بی‌بی‌سی پیش از این بارها گزارش داده است که روزنامه‌نگاران بخش فارسی این رسانه در بریتانیا، به دلیل فعالیت حرفه‌ای خود، بارها با تهدید به مرگ روبرو شده‌اند. خانواده‌های آنان در ایران بازداشت، بازجویی و زیر فشار و تهدید قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، شهروندان عادی ایران نیز اگر با بی‌بی‌سی فارسی گفتگو کنند، با خطر بازداشت و پیگرد روبرو می‌شوند. حکومت اسلامی در سال ۲۰۱۷ دارای‌های صدها تن از روزنامه‌نگاران و همکاران بی‌بی‌سی فارسی را توقیف و اموال شماری از کارکنان این رسانه و اعضای خانواده‌های آنان را نیز مصادره کرد.

یکی از روزنامه‌نگاران گفت: «بخاطر کارمان در بی‌بی‌سی، خانواده‌هایمان بازداشت شده‌اند، دارای‌هایمان را توقیف کرده‌اند، حقوق بازنشستگی پدر و مادرهایمان را قطع کرده‌اند و خود ما نیز بارها تهدید به مرگ شده‌ایم.»

او درباره پوشش مراسم تشییع نیز گفت: «بی‌بی‌سی خبرنگارانی را برای تهیه گزارش برای بخش‌های دیگر خود، بویژه اردو، پشتو و عربی، به ایران فرستاد. بخش‌هایی که مقامات رژیم مایل بودند پیام‌هایشان از طریق آنان به مخاطبان برسد. اما در همان حال، بی‌بی‌سی فارسی را، با وجود تجربه، شناخت و مخاطبان گسترده‌اش در داخل ایران، عملاً کنار گذاشت.»

او اضافه کرد: «ما خواستار برگزاری نشست با مدیران ارشد بی‌بی‌سی شدیم تا درباره این تصمیم گفتگو کنیم و بدانیم آیا هنگام مذاکره با مقام‌های جمهوری اسلامی برای گرفتن مجوز این مأموریت خبری که احتمالاً گسترده‌ترین پوشش خبری بی‌بی‌سی از ایران در سال‌های اخیر بوده، موضوع امنیت و ادامه آزار و فشار علیه روزنامه‌نگاران

و نیز از تصاویر و مطالبی که در خارج از ایران در دسترس قرار داشت، استفاده کنند.

بی‌بی‌سی در دفاع از این تصمیم اصرار دارد که بی‌بی‌سی فارسی، با وجود ممنوع بودن فعالیتش در ایران، همچنان با ارائه «اخباری مستقل و بی‌طرف به حدود یک چهارم مردم ایران دسترسی دارد.»

با این همه، شماری از روزنامه‌نگاران بی‌بی‌سی فارسی بر این باورند که این توافق بر سر پوشش مراسم تشییع، عملاً مانع انجام روزنامه‌نگاری آزاد و مستقل از سوی این رسانه شده است.

یکی از آنان به جوئیش کروئیکل گفته: «این توافق در عمل به پیشبرد دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی کمک کرد. حکومت توانست با بهره‌گیری از اعتبار نام بی‌بی‌سی، پیام‌های خود را برای مخاطبان جهانی، بویژه در خاورمیانه، بازتاب دهد، در حالی که همزمان راهبرد خود را برای محروم کردن مردم ایران از دسترسی به اطلاعات آزاد، بیش از پیش تقویت کرد.»

او افزود: «جمهوری اسلامی سال‌هاست که بی‌بی‌سی فارسی را ابزاری برای نفوذ بریتانیا می‌داند و این رسانه را یک نهاد خصمانه معرفی کرده است.»

سال‌هاست که مقامات جمهوری اسلامی با تهدید، فشار و آزار، روزنامه‌نگاران این شبکه را هدف قرار داده‌اند.

خبرنگاران و کارکنان ایرانی سابق بی‌بی‌سی فارسی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، نمی‌توانند با امنیت به ایران بازگردند، زیرا به دلیل فعالیت حرفه‌ای خود با خطر بازداشت، بازجویی و پیگرد قضایی روبرو هستند.»

بی‌بی‌سی در گفتگو با روزنامه جوئیش کروئیکل تأیید کرد که شرط تعیین شده از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی را پذیرفته و در عین حال مدعی شد که در این باره با مخاطبان

برای مردم داخل ایران پخش نشود. روزنامه‌نگاران ایرانی بی‌بی‌سی فارسی در لندن می‌گویند دیگر باور ندارند که بتوانند کار روزنامه‌نگاری را آزاد و بدون وابستگی انجام دهند.

چند تن از آنان که با نشریه جوئیش کروئیکل گفتگو کرده‌اند، گفته‌اند این تصمیم باعث شده احساس کنند از سوی سازمان خود رها و تنها گذاشته شده‌اند.

یکی از روزنامه‌نگاران گفته: «این کار واقعاً شرم‌آور است. بی‌بی‌سی به جای آنکه از ما پشتیبانی کند، خواسته‌های حکومت جمهوری اسلامی را پذیرفته است.»

یکی دیگر گفت: «آنها با حکومتی خونریز معامله کردند. این یک خیانت نابخشودنی است.»

بی‌بی‌سی نیز در یکی از برنامه‌های خود تأیید کرد که با دولت جمهوری اسلامی به توافقی دست یافته است.

در چهارم ژوئیه، «بن براون» مجری بخش خبری ساعت ده شب بی‌بی‌سی، به بینندگان گفت که «نوال المغافی» خبرنگار ارشد امور بین‌الملل بی‌بی‌سی، از تهران گزارش تهیه کرده است، اما این کار با این شرط انجام شده که هیچ یک از گزارشات و تصاویر او از طریق «بی‌بی‌سی فارسی» پخش نشود.

به جوئیش کروئیکل گفته شده است که بخش گردآوری خبر بی‌بی‌سی، گروهی را عمدتاً برای رسانه‌های انگلیسی زبان این سازمان، از جمله شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی داخلی، به ایران اعزام کرده بود.

همزمان، بخش زبان‌های گوناگون «سرویس جهانی بی‌بی‌سی» نیز گروهی شامل یک خبرنگار و دو تهیه‌کننده را برای پوشش این رویداد به ایران فرستاد.

گزارش‌ها و تصاویر تهیه شده در اختیار بسیاری از بخش‌های زبان‌های گوناگون بی‌بی‌سی قرار گرفت، اما

ادامه اعتصاب غذای زوج بریتانیایی محبوس در زندان اوین



● کریگ فورمن از ۴۹ روز پیش و لیندزی فورمن از ۵۸ روز پیش تا کنون در اعتصاب غذا به سر می‌برند. این زوج طی مدت اعتصاب غذا از دسترسی به معاینه پزشکی محروم مانده‌اند.

● لیندزی فورمن برای مراجعه به بهداری ناچار به طی مسیری طولانی شامل یک راهرو و حدود ۳۰ پله است و حدود ۱۰ روز است که معاینه پزشکی نشده است. وی با سرگیجه، لرزش بدن، ضعف شدید و بیش از ۱۴ کیلوگرم کاهش وزن مواجه شده است. کریگ فورمن نیز حدود ۱۶ کیلوگرم وزن از دست داده است.

● اعتصاب غذای این دو زندانی بریتانیایی در اعتراض به شرایط نگهداری‌شان در زندان و قطع امکان برقراری تماس تلفنی با خانواده صورت گرفته است.

● این زوج حدود یک سال و نیم پیش و در ژانویه ۲۰۲۵ در جریان سفر دور دنیا با موتورسیکلت، در ایران، و توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شدند. اتهام مطرح شده علیه آنها جاسوسی بود؛ اتهامی که از همان ابتدا به طور مداوم توسط این زوج رد شده است.

● در بهمن ۱۴۰۴ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی آنها را به اتهام «جاسوسی» به ۱۰ سال حبس محکوم کرد. به گفته این زوج بریتانیایی «با وجود حضور در دادگاه، هیچ مدرکی ارائه نشده و فرصتی برای دفاع از خود نداشته‌اند.»

خبرگزاری «هرانا» از تداوم اعتصاب غذای کریگ فورمن و لیندزی فورمن، زوج بریتانیایی محبوس در زندان اوین خبر داده و نوشته کریگ فورمن از ۴۹ روز پیش و لیندزی فورمن از ۵۸ روز پیش تا کنون در اعتصاب غذا به سر

تهیه شده توسط خبرنگاران بی‌بی‌سی اجازه نداشت از طریق «بی‌بی‌سی فارسی» منتشر یا پخش شود.

همچنین، بنا بر اطلاعاتی که جوئیش کروئیکل به دست آورده، شماری از مدیران ارشد بی‌بی‌سی در دیدارهایی غیرعلنی با مقامات جمهوری اسلامی درباره چگونگی فعالیت این رسانه در ایران گفتگو کرده‌اند. تاکنون هیچ یک از این دیدارها و گفتگوها به اطلاع افکار عمومی نرسیده بود.

بی‌بی‌سی نیز اعلام کرد که «نوال المغانفی» و «لیز دوسه»، خبرنگاران ارشد امور بین‌الملل این رسانه، مراسم تشییع و همچنین واکنش‌های مردم در ایران را برای «چندین بخش خبری بی‌بی‌سی در بریتانیا و نیز بخش زبان‌های گوناگون این رسانه» پوشش داده‌اند.

بی‌بی‌سی در بیانیه‌ای اعلام کرد: «خبرنگاری و گزارش از داخل ایران همواره با چالش همراه بوده و خبرنگاران ما بندرت اجازه ورود به این کشور را دریافت می‌کنند. با این حال، ما توانسته‌ایم از ایران گزارش‌هایی بی‌طرفانه همراه با تحلیل‌های روشن‌گرانه تهیه کنیم. از جمله درباره سرکوب معترضان از سوی جمهوری اسلامی در اوایل سال جاری که در تازه‌ترین گزارش‌های ما نیز بازتاب پیدا کرده است. همچنین گفتگویی چالش برانگیز با شهردار بندرعباس انجام داده‌ایم، از بخش ایرانی تنگه هرمز گزارش تهیه کرده‌ایم و مراسم تشییع رهبر پیشین جمهوری اسلامی را نیز برای مخاطبان خود در بریتانیا و دیگر کشورهای جهان پوشش داده‌ایم.»

پذیرش محدودیت‌های تعیین شده از جانب مقام‌های جمهوری اسلامی از سوی بی‌بی‌سی، در حالی صورت گرفته است که حکومت ایران سال‌هاست کارزار گسترده‌ای را علیه روزنامه نگاران فارسی زبان مستقر در بریتانیا به راه انداخته است. نهادهای امنیتی بریتانیا نیز بارها نسبت به طرح‌های جمهوری اسلامی برای هدف قراردادن مخالفان حکومت و فعالان رسانه‌ای در خاک این کشور هشدار داده‌اند. تنها در یک سال گذشته، چندین روزنامه‌نگار ایرانی ساکن بریتانیا زیر نظر گرفته شده و هدف عملیات و نیز طرح‌های ادعایی برای ترور قرار گرفته‌اند.

هفته گذشته، دو شهروند رومانی به‌دلیل انجام آنچه دادستان‌ها «حمله‌ای هدفمند با چاقو» به یک روزنامه‌نگار تلویزیونی ایرانی در لندن و «به نیابت از حکومت جمهوری اسلامی» توصیف کردند، به زندان محکوم شدند.

در ماه مه نیز یک شهروند یونانی در دادگاه حاضر شد. او متهم است که یک روزنامه‌نگار ایرانی ساکن لندن را زیر نظر داشته و برای این کار، بنا بر ادعای دادستان، از دوربینی مخفی که داخل یک جوراب پنهان کرده بود، استفاده کرده است. بی‌بی‌سی اعلام کرد که همچنان از کارکنان بخش فارسی خود پشتیبانی می‌کند.

سخنگوی این رسانه گفت: «بی‌بی‌سی تهدیدها، آزارها و رفتارهای خصمانه‌ای را که متوجه همکاران ما در بی‌بی‌سی فارسی است، با نهایت جدیت دنبال می‌کند. ما بارها موضوع امنیت آنان را با سازمان ملل متحد در میان گذاشته‌ایم.» بی‌بی‌سی در پاسخ به پرسش در مورد درخواست کارکنان برای دیدار با مدیران ارشد این سازمان درباره توافق با جمهوری اسلامی بر سر پوشش مراسم تشییع، اعلام کرد: «مدیران ارشد این رسانه بطور منظم با کارکنان بی‌بی‌سی فارسی دیدار می‌کنند.» و افزود: «ما درباره نشست‌های داخلی سازمان اظهارنظر نمی‌کنیم.»

منبع: جوئیش کروئیکل

نوشته: علی همدانی

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

بی‌بی‌سی فارسی نیز با طرف ایرانی مطرح شده بود یا نه. اما به ما گفته شد که چنین نشست‌های برگزار نخواهد شد.

مقامات حکومت اسلامی مدعی شدند که میلیون‌ها نفر در مراسم شش روزه تشییع علی‌خامنه‌ای شرکت کرده‌اند.

با این حال، تصاویر منتشر شده از این مراسم نشان می‌داد که در بخش‌هایی از جمعیت، فاصله‌ها و جای‌های خالی به چشم می‌خورد. همچنین بسیاری از رهبران کشورهای منطقه نیز در این مراسم حضور پیدا نکردند.

جوئیش کروئیکل با بررسی پوشش خبری بی‌بی‌سی در بخش زبان‌های گوناگون که برای مخاطبان مناطق مورد توجه جمهوری اسلامی برنامه پخش می‌کنند، دریافت که «بی‌بی‌سی اردو» برای مخاطبان پاکستان و نیز «بی‌بی‌سی عربی»، هر دو مراسم تشییع را بصورت زنده پوشش دادند و در سراسر این برگزاری، گزارش‌ها و خبرهای پدیدار منتشر کردند. پوششی که از نظر گستردگی و شیوه ارائه، شباهت زیادی به برنامه‌های رسانه‌های حکومتی جمهوری اسلامی داشت.

گزارش‌های بی‌بی‌سی از داخل ایران در ماه‌های اخیر بارها با انتقاد روبرو شده است، اما نحوه پوشش مراسم تشییع علی‌خامنه‌ای بیش از همیشه و بطور خاصی بحث‌برانگیز بوده است.

یکی از روزنامه‌نگاران بی‌بی‌سی فارسی گفته است: «گروه‌هایی که به تهران اعزام شده بودند، تقریباً و منحصرأ همه توجه خود را بر مراسم تشییع متمرکز کردند و از پرداختن به زمینه‌ها و ارائه جزئیات رویدادهایی که به مرگ علی‌خامنه‌ای انجامید، خودداری کردند.

او ادامه داد: «هیچ تلاش آشکاری برای صحبت با خانواده‌های جان باختگان که شش ماه پیش به دست جمهوری اسلامی کشته شدند یا با چهره‌های مخالف حکومت، صورت نگرفت تا تصویر کامل تری از درگیری‌ها و شرایطی که به مرگ علی‌خامنه‌ای انجامید، در اختیار مخاطبان قرار گیرد.»

این انتقاد به سرکوب خونین اعتراضات سراسری ضد حکومتی در دی ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) اشاره دارد. اعتراضاتی که با برخورد خشونت‌آمیز نیروهای جمهوری اسلامی سرکوب شد.

بسیاری از خانواده‌های جان باختگان آن اعتراضات، پس از مرگ علی‌خامنه‌ای آشکارا ابراز شادی کردند و او را مسئول اصلی سرکوب خونین معترضان دانستند.

این روزنامه‌نگار این پرسش را مطرح کرد که آیا با محدودیت‌هایی که مقام‌های جمهوری اسلامی بر کار خبرنگاران تحمیل کرده بودند، اساساً امکان تهیه گزارشی متعادل و همه‌جانبه وجود داشت یا نه؟

او گفت: «اگر محدودیت‌های اعمال شده در ایران به اندازه‌ای بوده که بی‌بی‌سی نمی‌توانسته آن دیدگاه‌ها را بازتاب دهد، پس اساساً چرا گروهی خبرنگار به ایران اعزام شد؟ وقتی از همان آغاز روشن بود که امکان تهیه گزارشی متوازن و منطبق با اصول و ضوابط حرفه‌ای بی‌بی‌سی وجود ندارد؟ و اگر امکان شنیدن این صداها از داخل ایران فراهم نبود، چرا بی‌بی‌سی برای برقراری توازن در پوشش خبری خود، با چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی و دیگر صاحب نظران در خارج از کشور، برای نمونه در لندن، گفتگو نکرد؟» جوئیش کروئیکل دریافت است که این نخستین بار نیست که بی‌بی‌سی بر سر چگونگی و شرایط فعالیت خبری خود در داخل ایران با مقامات جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده است.

به گفته منابع متعدد در داخل بی‌بی‌سی، چندین سفر خبری نیز در ماه‌های اخیر به ایران تحت همین محدودیت انجام شده است. شروطی که بر پایه آن، گزارش‌ها و تصاویر

به گزارش خبرنگاری «هرانا» این زوج طی مدت اعتصاب غذا از دسترسی به ویزیت پزشک یا پرستار محروم مانده‌اند. لیندزی فورمن برای مراجعه به بهداری ناچار به طی مسیری طولانی شامل یک راهرو و حدود ۳۰ پله است و حدود ۱۰ روز است که معاینه پزشکی نشده است. وی با سرگیجه، لرزش بدن، ضعف شدید و بیش از ۱۴ کیلوگرم کاهش وزن مواجه شده است. کریگ فورمن نیز حدود ۱۶ کیلوگرم وزن از دست داده است.

یک منبع مطلع از وضعیت این زوج به خبرنگاری «هرانا» گفته «کریگ و لیندزی فورمن مدتی است امکان ارتباط تلفنی با وکیل شان را پیدا کرده‌اند، اما از تماس با خانواده، فرزندان و حتی یکدیگر محروم هستند. همچنین داروهای ضروری، عینک، کتاب و لوازم بهداشتی ارسالی سفارت بریتانیا، با وجود تأیید پزشک بهداری و مسئولان بند، تاکنون به آنان تحویل داده نشده است. به گفته این منبع، حفاظت و تیم امنیتی زندان با وجود وعده قبلی به سفیر بریتانیا، از تحویل این اقلام به آنان خودداری کرده‌اند.»

به گفته این منبع مطلع، فشارها بر این دو زندانی پس از مصاحبه با شبکه جهانی بی‌بی‌سی و اشاره به آمار اعدام‌ها در ایران تشدید شده است.

کریگ فورمن در دوران حبس خود در زندان‌های اوین و تهران بزرگ تجربه زیست در کنار زندانیان محکوم به اعدام را داشته و همچنین شاهد انتقال زندانیان محکوم به اعدام برای اجرای حکم بوده و هم‌اکنون نیز با شماری از افراد در آستانه اجرای حکم هم‌بند است.

لیندزی فورمن در مصاحبه خود از درون زندان به موضوع اعدام‌ها در ایران اشاره کرده است. این دو زندانی اعلام کردند که «در ایران حرف زدن در مورد اعدام می‌تواند باعث محروم شدن افراد از حقوق اولیه زندگی شود. دولت ایران افراد را اعدام می‌کند و با این بخش یعنی اعدام کردن انسان‌ها مشکلی ندارد، اما اگر این اعدام‌ها روایت شود، با افراد روایتگر برخورد قهرآمیز می‌کند.»

اعتصاب غذای این دو زندانی بریتانیایی در اعتراض به شرایط نگهداری‌شان در زندان و قطع امکان برقراری تماس تلفنی با خانواده صورت گرفته و تداوم اعتصاب غذا و کاهش شدید وزن بدن آنها باعث نگرانی‌هایی جدی نسبت به سلامت و جان آنها شده است.

به گزارش تایمز، آنها پس از عبور از اروپا وارد ایران شدند و قصد داشتند پنج روز در این کشور بمانند و سپس به سمت شرق ادامه مسیر دهند. آنها به تبریز، تهران و اصفهان رفتند و تجربه‌های خود از برخورد با مردم محلی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند، اما به مقصد نهایی‌شان در کرمان نرسیدند.

بیش از یک سال پس از بازداشت و در بهمن ۱۴۰۴ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی آنها را به اتهام «جاسوسی» به ۱۰ سال حبس محکوم کرد. به گفته این زوج بریتانیایی «با وجود حضور در دادگاه، هیچ مدرکی ارائه نشده و فرصتی برای دفاع از خود نداشته‌اند.»

پس از صدور این حکم جو بنت فرزند آنها اعلام کرد «والدین من به ۱۰ سال زندان محکوم شدند در حالی که محاکمه‌شان تنها سه ساعت طول کشیده و آنها اجازه ارائه دفاعیات خود را نداشته‌اند.» او افزود که نزدیکانشان «عمیقاً نگران» هستند. به گفته بستگان این دو تبعه بریتانیایی، این حکم «عجولانه» صادر شده است.

ایوت کوپر وزیر خارجه بریتانیا نیز بهمن سال گذشته حکم صادر شده علیه این زوج بریتانیایی را «کاملاً تحریک‌آمیز و کاملاً غیرقابل توجیه» خواند.

رافائل گروسی:

جمهوری اسلامی درخواست آزانس برای بازدید از تأسیسات آسیب‌دیده را نپذیرفته است



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

پیشتر، کاظم غریب‌آبادی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرده بود: «هیچ برنامه‌ای برای دسترسی [آژانس] به تأسیسات مورد حمله واقع شده و مواد هسته‌ای ایران وجود ندارد.» به گفته او، این مباحث صرفاً در چارچوب توافق نهایی و در نتیجه اقدام عملی طرف مقابل در خانه تمامی تحریم‌ها و موضوعات دیگر بررسی و تعیین تکلیف خواهند شد.

محمدباقر قالیباف رئیس هیئت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی نیز تأکید کرده بود که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دسترسی به تأسیسات هسته‌ای ایران را که هدف حملات آمریکا قرار گرفته‌اند، نخواهند داشت.

او در مصاحبه با صداوسیما حکومت مدعی شد که گزارش‌ها درباره صدور مجوز برای بازرسی از تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان صحت ندارد. قالیباف این گزارش‌ها را «کذب» خواند و گفت: «بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق بازرسی از سایت‌های هسته‌ای که هدف حمله آمریکا قرار گرفته‌اند را ندارند.»

قالیباف افزود، در حال حاضر بازرسان آژانس تنها به دو مرکز، یعنی نیروگاه اتمی بوشهر و راکتور تحقیقاتی تهران دسترسی دارند.

شماری از مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله چند نماینده مجلس و رسانه‌های حکومتی مدام هشدار می‌دهند که گروسی و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای غیرقابل اعتماد هستند. پیش از این برخی مقامات نظام گفته بودند او «جاسوس موساد» است.

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵ در مصاحبه با وبسایت روسی «ریا نووستی» گفت، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران هنوز از تأسیسات هسته‌ای که مورد حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفته بودند، خارج نشده‌اند.

● گروسی ضمن تأکید بر لزوم دسترسی بازرسان به این تأسیسات توضیح داد که «آژانس [از جمهوری اسلامی] چنین درخواستی کرده، اما هنوز موفق به دریافت پاسخ نشده است.»

● پیشتر، کاظم غریب‌آبادی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرده بود: «هیچ برنامه‌ای برای دسترسی [آژانس] به تأسیسات مورد حمله واقع شده و مواد هسته‌ای ایران وجود ندارد.» به گفته او، این مباحث صرفاً در چارچوب توافق نهایی و در نتیجه اقدام عملی طرف مقابل در خانه تمامی تحریم‌ها و موضوعات دیگر بررسی و تعیین تکلیف خواهند شد.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵ در مصاحبه با وبسایت روسی «ریا نووستی» گفت، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران هنوز از تأسیسات هسته‌ای که مورد حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفته بودند، خارج نشده‌اند.

گروسی ضمن تأکید بر لزوم دسترس بازرسان به این تأسیسات توضیح داد که «آژانس [از جمهوری اسلامی] چنین درخواستی کرده، اما هنوز موفق به دریافت پاسخ نشده است.»

بازنشر از سال ۱۳۷۸؛ شهرنوش پارسی پور



اروپایی در این میان نقشی دارد؟ خوانندگانی که روان‌شان بر دو فرهنگ متفاوت سامان یافته است: یکی، فرهنگی که مظهر شخصیت مستقل و هویت فردی را بر خود دارد و دیگری، فرهنگی که از یکسو میل به «ذوب شدن» در توده بی‌شکل و «جمعیت میلیونی» دارد و از سوی دیگر با بخشیدن معنایی منفی به «فردیت» و «من» در برابر ابراز وجودش مقاومت کرده و آن را به عملی «شرم‌آور» بدل می‌سازد، به گونه‌ای که «فرد» ترجیح می‌دهد انگشت‌نما نشود و خود را با جماعت هم‌رنگ سازد.

شهرنوش پارسی پور در بهمن ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد. از نوجوانی داستان می‌نویشت. پیش از انقلاب اسلامی، رمان «سگ و زمستان بلند» و دو مجموعه داستان «آویزه‌های بلور» و «تجربه‌های آزاد» را به چاپ رساند. اگرچه داستان‌های «زنان بدون مردان» و «ماجرای ساده و کوچک روح درخت» را در دهه پنجاه نوشت، ولی اولی در سال ۶۸ در ایران و دومی بیست سال پس از نگارش در ۱۳۷۸ در سوئد (نشر باران) چاپ شدند. شناخته‌شده‌ترین رمان پارسی پور «طوبا و معنای شب» است که دو سال پس از نگارش در سال ۶۸ چاپ شد. وی برای کتاب «زنان بدون مردان» که در همین سال به بازار آمد، مورد بازجویی قرار گرفت و برای «طوبا و معنای شب» مورد استقبال و در عین حال نقد و بررسی‌های فراوان.

پارسی پور در «خاطرات زندان» در اینبار می‌نویسد: «رمان قبلی من، «طوبا و معنای شب» وقف شناخت حالت اجتماع در پیش از انقلاب شده بود. من نیز همانند اغلب نویسندگان ایرانی وقتم را صرف بررسی مسائل پیش از انقلاب کرده بودم تا از برخورد با حکومت احتراز کنم، اما این رمان جدید را می‌خواستم به مسائل بعد از انقلاب اختصاص دهم و از هر راهی که می‌رفتم به خودسانسوری برمی‌خوردم... نتیجه چنین شد که تصمیم گرفتم حالت مبهمی از حوادث سال‌های آغاز انقلاب را مورد بررسی قرار دهم و بعد قهرمانان را به دوردست تاریخ هدایت ←

پور در مورد مسائل سیاسی آن زمان و به ویژه تن ندادن به جذابیت «چیپ» (اگرچه قهرمان رمان «چیپ» است) او را در این زمینه و برای تمام نویسندگان ایران قرار می‌دهد.

● جان پارسی پور شعله‌ور است: «به خانواده‌ام گفتم لطفاً پارچه سیاهی را که پیدا کردید بخرید و برای من چادر درست کنید و بیاورید... بعد به این نتیجه رسیدم که بدون هیچ شک و تردیدی، بزرگترین انقلابی که در تاریخ هفت‌هزارساله این منطقه رخ داده، کشف حجاب رضاشاه است. سلطنت طلب نبوده‌ام و سلطنت طلب نیستم، اما به راستی باور دارم که زنان ایران باید خاطره هفده دی را همانند گوه‌ری گرانها در قلب خود محفوظ نگاه دارند.» این سخنان را شهرنوش پارسی پور در کتاب «خاطرات زندان» نوشته است.

الاهه بقراط - شهرنوش پارسی پور ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵ در هشتاد سالگی در سانفرانسیسکو درگذشت. بازنشر این کتاب‌گذاری که در آن به بررسی مهم‌ترین آثار وی تا سال ۱۳۷۸ پرداخته شده، یادآوری ارزش هنری و ادبی این نویسنده و مترجم سرشناس ایران است.

عقل گوید: شش جهت خد است و بیرون راه نیست
عشق گوید: راه هست و رفته‌ام من بارها
عقل گوید: پا منه، کاندز فنا جز خار نیست
عشق گوید عقل را: کاندز تو است آن خارها
(مولوی)

آیا تا کنون دقت کرده‌اید که بر جلد کتاب‌های فرنگی، این نام نویسنده است که خودنمایی می‌کند و بزرگتر از نام کتاب نوشته می‌شود؟ در ایران اما همیشه برعکس است. نویسنده هر کسی که باشد و عنوان کتاب هر چه باشد، نام نویسنده بسیار کوچک در گوشه‌ای از جلد به چشم می‌خورد. چرا چنین است؟ آیا روانشناسی «مشتی» و خواننده ایرانی و

● بازنشر این کتاب‌گذاری که در آن به بررسی مهم‌ترین آثار شهرنوش پارسی پور تا سال ۱۳۷۸ پرداخته شده، یادآوری ارزش هنری و ادبی این نویسنده و مترجم سرشناس ایران است که با مادام ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵ در آمریکا درگذشت.

● شهرنوش پارسی پور از نوجوانی داستان می‌نویشت. پیش از انقلاب اسلامی، رمان «سگ و زمستان بلند» و دو مجموعه داستان «آویزه‌های بلور» و «تجربه‌های آزاد» را به چاپ رساند. شناخته‌شده‌ترین رمان پارسی پور «طوبا و معنای شب» است که دو سال پس از نگارش در سال ۶۸ چاپ شد. وی برای کتاب «زنان بدون مردان» که در همین سال به بازار آمد، مورد بازجویی قرار گرفت و برای «طوبا و معنای شب» مورد استقبال و در عین حال نقد و بررسی‌های فراوان.

● کسانی که با اندیشه و کلمه سر و کار دارند می‌دانند که دنیای ذهن بسی گسترده‌تر از توان زبان است... پارسی پور شوریده و جستجوگر است. آثار وی بدون تردید از اصیل‌ترین رمان‌های ایرانی هستند. اصیل بدین معنی که هیچ سرچشمه‌ای جز درون و اندیشه نویسنده ندارد. او زیرچشمی از روی دست دیگری نمی‌نویسد. از دنیای خود سخن می‌گوید و در دنیای واقعی به جستجو می‌پردازد و گاه به شدت با آن درگیر می‌شود. در این رهگذر، نفس این نبرد جستجوگرانه و مدعیانه است که اهمیت و اصالت دارد. عنصر اصالت در هنر و ادبیات همواره تعیین‌کننده است و از جایی قابل تأمین نیست مگر از جان و روان آفریننده‌ی آن.

● «سگ و زمستان بلند» نخستین رمان وی که در ۱۳۵۳ در ایران چاپ شد، یک نوآوری جدی در ادبیات داستانی ایران است. چه از نظر ساخت و چه از نظر مضامین سیاسی و اجتماعی، این رمان راه خود را می‌رود. راهی که پارسی پور آن را در آثار بعدی نیز ادامه می‌دهد و شاید به همین دلیل نیز مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. ذهنیت روشن پارسی

کنم و به ریشه‌یابی مسائل بپردازم، و به همین دلیل ساخت کتاب از عالم واقع‌گرا خارج و به میدان‌های فراواقعیت‌گرا پرتاب شد.

کتاب «زنان بدون مردان» نیز تا اندازه‌ای و عمدتاً از زاویه‌ی مسائل زنان مورد توجه قرار گرفت. با اینهمه می‌توان گفت که در مورد اغلب آثار پارسی پور کلمه‌ای نیز نوشته نشده است. جز عبارات و اشارات کل به «موجود بودن» او، یعنی یک نویسنده زن، که بیشتر به «فعالیت زنان» وصل می‌شود تا نویسنده‌ای که حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد، چیز دیگری نمی‌بینیم.

پارسی پور نویسنده شاید به عمد در هاله‌ای از سکوت فرو برده می‌شود. احمد کریمی حکاک و عباس میلانی بر دو کتاب وی پیشگفتاری نوشته‌اند. لیکن هیاهویی که بر سر «طوبا و معنای شب»، که بهترین اثر پارسی پور هم نیست، راه افتاد کجا و این کجا؟ روشن است که پیشگفتار یک موضوع است و بررسی و نقدی که با طرح نویسنده و کتاب در گستره‌ای وسیعتر همراه است موضوعی دیگر. در همین یک سالی که از چاپ کتاب «ماجراهای ساده و کوچک روح درخت» می‌گذرد، کسی به روی خود نمی‌آورد. چرا؟ شاید فرهنگ بیگانه‌پرستی و مرده‌پرستی مانع از دیدن یگانها و زنده‌هاست.

آنچه در زیر می‌خوانید، جز مروری کوتاه نیست.

مردان تمدن‌های مختلف

آیا می‌توان «داستان‌های مردان تمدن‌های مختلف» را که در سال‌های ۷۱ و ۷۲ خورشیدی نوشته شده‌اند و در کنار چند داستان و مقاله در کتاب «آداب صرف چای در حضور گرگ» به چاپ رسیده‌اند، واقعاً داستان نامید؟

سفر نویسنده به تمدن‌های نه‌گانه که نمایانگر جنبه‌های متفاوت زیست و واکنش‌های تاریخی و فرهنگی هستند، بیشتر تأمل و مکث است در تفاوت‌ها، چندگانگی‌ها، بدون هرگونه ارزشدوری. این مجموعه که با طنز پهلوی می‌زند، نگاهی جستجوگر و عمیقاً فلسفی دارد. کسانی که با اندیشه و کلمه سر و کار دارند می‌دانند که دنیای ذهن بسی گسترده‌تر از توان زبان است، ولی به نظر می‌رسد پارسی پور در این مجموعه نسبتاً کوتاه با سماجت به شکار کلمات و جمله‌هایی پرداخته است که توانسته‌اند ذهن پر تکاپوی وی را در بند کشند و به خواننده منتقل سازند.

درواقع مسائلی که او در این مجموعه مطرح می‌سازد و احمد کریمی حکاک در پیشگفتار خویش آنها را به درستی با پدیده و معضل مهاجرت مربوط دانسته، موضوعاتی کاملاً روزمره‌اند. ولی در پس این روزمرگی نکاتی بس سزاوار تأمل دیده می‌شود که در فرهنگ و تاریخ ریشه دارند. طنز و جدی، افسانه و واقعیت، رنج و شادی به ساده‌ترین شکل و زبان ممکن در این مجموع در هم می‌آمیزند. کسی چه می‌داند؟ شاید همه این تمدن‌ها در تبعید و نیز مهاجرت‌های تحمیلی و خودخواسته در دریاچه‌ای غرق می‌شوند که «بیش از آن آبی است که حقیقی باشد».

عشق را دیدم، آبی بود*

«عقل آبی» در سال ۱۳۶۸ در ایران به پایان رسید ولی نخستین چاپ آن پنج سال بعد در سوئد انجام شد. «عقل آبی» پاسخی است به «عقل سرخ» شهاب‌الدین سهروردی. در اینجا زن است که می‌اندیشد، جستجو می‌کند و می‌خواهد «بزیاد».

«عقل آبی» زمانی است متفکر، سرشار از اندیشه‌های فلسفی و روانشناختی. اینهمه بدین معنی نیست که نویسنده اش فیلسوف یا روانکاو است. اگر نقش

«ناخودآگاه» فردی و جمعی را در آفرینش هنری باور کنیم، آنگاه لزومی ندارد تا هنرمند و نویسنده‌ای که می‌اندیشد و جهان را با نگاه دیگری برانداز می‌کند و مسائل انسان و جهان همواره در فکرش زیر و رو می‌شوند، حتماً با اطلاعات فلسفی و روانشناختی معینی بتواند چنین آثاری بیافریند. جهان، «هرمان هسه» را نه فیلسوف، بلکه نویسنده می‌شناسد. ولی امکان ندارد آثار «هسه» را بخوانید و از هزارتوی فلسفی که او شما را به درون آن می‌کشاند، رهایی یابید.

ژده پای مطالعات پارسی پور را در زمینه تاریخ و مذهب از چین و ایران گرفته تا اروپا می‌توان در رمان‌های وی دید. عباس میلانی در یک بررسی به عنوان پیشگفتار به بسیاری از این نکات اشاره کرده است.

«عقل آبی» عقل زنی است که در جستجوی هماهنگی در دنیای دشمنانه‌ای است که انسان در آن نمی‌تواند مفهومی جز زن و مرد، هر دو، داشته باشد. زن شوریده «عقل آبی» می‌گوید: «گریه می‌کردم. اندوه داشت مرا می‌کشت. دائماً می‌آمدم. هی در خودم جمع می‌شدم. بعد هنگامی که خواستم راه بروم سنگین بودم، گام‌های کوتاه بر می‌داشتم و پایم می‌لغید. یک پایم گویی از آن پای دیگر کوتاه‌تر شده بود. به نظر می‌رسید هر کس که در «شبی تاریک و بیم موج و گردابی چنین‌هایی» با معنایی بجنگد، لنگ می‌شود. انسان‌های لنگ در میانه راه بسیار بوده‌اند. من لنگ شده بودم، لنگ می‌زدم. به پشت سر نگرستم، خدای من چه دیدم، صفی انبوه و دراز، همه لنگ می‌زدند، به پیش رویم نگرستم، خدایا چه دیدم، صفی انبوه و دراز، همه لنگ می‌زدند».

«عقل آبی» مانند بسیاری دیگر از رمان‌های ایرانی به پُرگویی دچار است و به ویژه در بخش‌های نخست همه به فلسفه بافی مشغولند و گاه از زبان نویسنده «مقاله» می‌نویسند. نثر «شلخته» پارسی پور نیز جابجا گوی خواننده را می‌گیرد. با اینهمه «عقل آبی» در چارچوب رمان‌های معمول ایرانی نمی‌گنجد و با طرح مسائل فلسفی و شناخت، بیشتر با آثار نویسندگانی چون «خلیل جبران» و «هرمان هسه» پهلوی می‌زند. «عقل آبی» در هزارتوی خیال و تصویر، پر از آدم و سرشار از موضوع است، و مانند دنیای واقعی با هزاران داستان، بدون داستان است.

ماجراهای ساده و کوچک روح درخت

پارسی پور رمان «ماجراهای کوچک و ساده روح درخت» را در سال ۱۳۵۷ پیش از انقلاب اسلامی در فرانسه و هنگامی که در رشته زبان و تمدن چینی تحصیل می‌کرد نوشت. در این کتاب او به مسائل و مشکلات جنسی جامعه ایرانی می‌پردازد. ولی رمان بیست سال بعد در خارج کشور چاپ می‌شود، آنهم در دورانی که کوهی دیگر بر این مسائل افزوده شده است.

راوی داستان یک مرد جوان است و رمان به شیوه اول شخص نوشته شده و شاید به همین دلیل صمیمی‌ترین رمان پارسی پور است. ماجرا از پایان است که آغاز می‌شود و بسیار ساده: از نگاه راوی به زیلوبی که در اتاقش پهن است و توجه به سوختگی موکت زیر آن.

پارسی پور در این رمان نیز مثل آثار دیگرش درون آدم‌های داستان و افکارشان را به جان یکدیگر می‌اندازد و همه آنها را به جان خواننده. به ویژه خواننده‌ای که خود مانند آدم‌های رمان درگیر اندیشه است و جهان را به سادگی و همبیطور که هست نمی‌پذیرد؛ خواننده‌ای که «سوختگی موکت» برایش موضوع پیش پا افتاده‌ای نیست، بلکه مفاهیم بحث‌برانگیزی چون مالکیت، تعلق، پایبندی،

مسئولیت و... را تداعی می‌کند.

راوی با اینکه مرد است ولی چندان هم «مرد» نیست. نه به این معنی که چنین مردانی در واقعیت وجود ندارند، بلکه بدین معنی که این نوع از مردان با نزدیکی به احساسات و برداشت‌های زنانه، دلپذیر و صمیمی‌اند، مهربان‌اند. اگرچه گاه نویسنده بجای راوی می‌نشیند و از زبان او سخن می‌گوید ولی اندیشه‌هایی که راوی به ویژه در مورد رابطه زن و مرد و موضوعات حقوقی ارائه می‌دهد، از او یک موجود کاملاً طبیعی، واقعی و در نتیجه متناقض ارائه می‌کند.

این کتاب صریح‌ترین نوشته پارسی پور است که در آن، اگرچه محدود، به مسائل جنسی و حتی همجنسگرایی پرداخته شده است. تمامی روایان و شخصیت‌های اصلی داستان‌های پارسی پور زن هستند، چرا او برای زمانی که در آن مسائل و مشکلات جنسی صراحت بیشتری دارند، یک مرد را انتخاب کرده است؟

سگ و زمستان بلند

پارسی پور هرگز به هیچ گروه سیاسی وابسته نبوده و از نظر سیاسی هیچ گرایش به هیچ نظرگاه ویژه‌ای نداشته است. حقیقت‌جویی و عصبان او راه بر چنین گرایش‌هایی می‌بندد.

نخستین رمان وی که در ۱۳۵۳ در ایران چاپ شد و روشن نیست چرا هرگز کسی راجع به آن سخن نگفت، یک نوآوری جدی در ادبیات داستانی ایران است. چه از نظر ساخت و چه از نظر مضامین سیاسی و اجتماعی، این رمان راه خود را می‌رود و اعتنایی به باورهای حاکم در آن زمان ندارد. راهی که پارسی پور آن را در آثار بعدی نیز ادامه می‌دهد و شاید به همین دلیل نیز مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. ذهنیت روشن پارسی پور در مورد مسائل سیاسی آن زمان و به ویژه تن ندادن به جذابیت «چپ» (اگرچه قهرمان رمان «چپ» است) او را در این زمینه ورای تمام نویسندگان ایران قرار می‌دهد.

هیچ نویسنده‌ای بجز پارسی پور چنین صریح و بی‌اعتنا نسبت به جوّ سیاسی و اجتماعی به بیان نظرات خویش نپرداخت. سهراب سپهری نیز در شعر چنین کرد. شاید تردید پارسی پور در مورد «قطاری که سیاست می‌برد» به زیان او تمام شده باشد و جریمه‌اش را با بی‌اعتنایی دیگران نسبت به کتابش پرداخته باشد، لیکن امروز به تجربه روشن می‌شود که «حوری» رمان «سگ و زمستان بلند» هنوز که هنوز است چندین گام از تمامی شخصیت‌های رمان‌های ایرانی، چه زن و چه مرد، جلوتر است.

«حوری» زنی که پیش از این مرده است و خواننده آن را تقریباً در پایان درمی‌یابد، ماجراهای جامعه‌ای را باز می‌گوید که با توجه به فضای جامعه در دهه پنجاه خورشیدی شاید به نوعی تعبیر این شعر اسماعیل خویی باشد که:

نه پای رفتن

نه تاب ماندگاری

درد خزه کف جوی این است.

انسان، زن، بکارت، سنت، خانواده، عشق، اعتقاد، زندان، مهاجرت و مرگ در تار و پود مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیچیده می‌شوند و بر گستره ناب خیال، زمانی عمیق و پر تأمل می‌سازند. راوی از وحشت ناشی از ممنوعیت بوسیدن یک پسر به تجربه در برابر سنت‌ها قرار می‌گیرد: «و من متحیر بودم که چرا آسمان آتش نمی‌گیرد و ستاره‌ها به زمین نمی‌ریزند و زمین تکه تکه نمی‌شود. من پسری را بوسیده بودم و حالا بعد از این هر اتفاقی ممکن بود بیفتد.

اگر مادر هم بو نمی‌برد بالاخره یک نفر پیدا می‌شد

شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز، الهام زراعت‌پیشه وکیل دادگستری را بابت اتهام «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس و بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرده است. این دادگاه همچنین او را به مدت دو سال از خروج از کشور منع و گذرنامه‌اش را باطل کرده است. شهلا اروجی، وکیل الهام زراعت‌پیشه، با انتشار مطلبی در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» به مستندات مطرح‌شده در این پرونده واکنش نشان داد و نوشت که در پرونده موکلش موارد زیر به‌عنوان مصادیق اتهامات ذکر شده است:

۱. انتشار استوری شعری با مضمون روز
 ۲. انتشار تصویر همکاران زندانی به طور استوری
 ۳. انتقاد از وکلای تبصره ۴۸ به دلیل دریافت حق الوکاله‌های سنگین.
 ۴. محتوای گفت‌وگوی خصوصی او با دوستانش که به گفته مقام‌های پرونده «خوشایند» نبوده است.
- به گفته این وکیل دادگستری، همین موارد به‌عنوان مستند



الهام زراعت‌پیشه وکیل دادگستری

گزارش و مبنای صدور رأی قرار گرفته و در نهایت، دادگاه حداکثر مجازات برای هر دو اتهام را علیه الهام زراعت‌پیشه صادر کرده است.

الهام زراعت‌پیشه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ در شیراز و در حالیکه برای رسیدگی به پرونده یکی از موکلانش به دادسرای اجرای احکام مدنی شیراز مراجعه کرده بود، مقابل ساختمان این دادسرا بازداشت شد. او از جمله وکلای دادگستری است که در سالهای گذشته وکالت شماری از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری را به‌عهده داشته است.

شهلا اروجی در گفت‌وگو با وبسایت «امتداد» با اشاره به گذشت بیش از ۵۰ روز از بازداشت الهام زراعت‌پیشه، از صدور عجلوانه کیفرخواست، روند رسیدگی به این پرونده، ادامه بازداشت موکلش و ممانعت از ارسال اعتراض به قرار بازداشت در دادگاه تجدیدنظر انتقاد کرده است.

شهلا اروجی با اشاره به اینکه در مرحله دادسرا امکان ورود وکیل منتخب غیر از وکلای مورد تأیید تبصره ماده ۴۸ وجود ندارد، توضیح داده «پس از ثبت پرونده در شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز، اعلام وکالت کردم و هم‌زمان با استناد به مواد ۲۳۸ و ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، درخواست تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه را

محکومیت الهام زراعت‌پیشه، وکیل دادگستری، به شش سال زندان، ممنوعیت خروج از کشور و ابطال گذرنامه

که بو برد.» و چند سال بعد: «من از اینکه دائماً یک شیئی منتظر شوهر باشم خسته هستم. می‌خواهم آدم باشم... من انسان نیستم، یک شیئی هستم، یک شیئی جنسی... باید از شرّ این تعریف خلاص بشوم. من، من می‌خواهم بی‌آبرو باشم. از این آبرو خسته شده‌ام، چون دست و پای مرا مثل یک گوسفند در گله بسته است... من می‌خواهم رسوا بشوم. طالب رسوایی هستم» و رسوا می‌شود: «من از زمین، باد، باران و خورشید بار برداشته بودم، آبیستم بودم» و تاوان آن را در دنیایی که پر از «سوء تفاهم» است و در آن «رفتق فقط ایستادن» است، با مرگ که پایان دروغ‌هاست، می‌دهد. این راه را برادرش نیز به گونه‌ای دیگر پیموده است.

پس از مرگ نیز به دنبال رابطه می‌گردد، می‌جوید و نمی‌یابد: «همه را دوست داشتم و این «همه» این را نمی‌دانست» و در پی صدای زنده قلب‌اش به راه می‌افتد: «به مقبره رسیدم... دروغ هزارساله به پایان می‌رسید. روی قبر را خواندم. این تنها جایی بود که داشتم.»

پارسی پور شوریده و جستجوگر است. آثار وی بدون تردید از اصیل‌ترین رمان‌های ایرانی هستند. اصیل بدین معنی که هیچ سرچشمه‌ای جز درون و اندیشه نویسنده ندارد. او زیرچشمی از روی دست دیگری نمی‌نویسد. از دنیای خود سخن می‌گوید و در دنیای واقعی به جستجو می‌پردازد و گاه به شدت با آن درگیر می‌شود. در این رهگذر، نفس این نبرد جستجوگرانه و مدعیانه است که اهمیت و اصالت دارد. عنصر اصالت در هنر و ادبیات همواره تعیین‌کننده است و از جایی قابل تأمین نیست مگر از جان و روان آفریننده‌ی آن.

جان پارسی پور شعله‌ور است: «به خانواده‌ام گفتم لطفاً پارچه سیاهی را که پیدا کردید بخرید و برای من چادر درست کنید و بیاورید... بعد به این نتیجه رسیدم که بدون هیچ شک و تردیدی، بزرگترین انقلابی که در تاریخ هفت‌هزارساله این منطقه رخ داده، کشف حجاب رضاشاه است. سلطنت‌طلب نبوده‌ام و سلطنت‌طلب نیستم، اما به راستی باور دارم که زنان ایران باید خاطره هفده دی را همانند گوهری گرانبها در قلب خود محفوظ نگاه دارند.» این سخنان را شهرنوش پارسی پور در کتاب «خاطرات زندان» نوشته است. همانجا می‌نویسد در پاسخ زندانیانی که پرسیده بودند چرا اینقدر از پاهایش مراقبت می‌کند، چنین گفته است: «... خم شدم و پایم را بوسیدم و گفتم: ای پای عزیزم، ای موجودیت محترم و نجیب، ای که مرا راه می‌بری و تمام بار بدن روی توست، ترا سپاس می‌گذارم و قول می‌دهم از تو مراقبت کنم.»

دنیای قصه‌های او که از ناخودآگاه پر تب و تاب او سرچشمه می‌گیرند با بیان پارسی پور به عنوان سخنران و مقاله‌نویس و حتا ناظری که دارای نظرات سیاسی و اجتماعی است، به شدت متفاوت است.

شهرنوش پارسی پور در حال حاضر مشغول نوشتن یک رمان تاریخی است که سال‌های ۱۳۲۲ تا انقلاب را در بر می‌گیرد.**

این بررسی و کتابگزاری با عنوان «شهرنوش پارسی پور» در کیهان لندن شماره ۷۹۹ به تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۷۸/۱۶ مارس ۲۰۰۰ چاپ شد.
*شعری از رضا مقصدی

**این کتاب با عنوان «بر بال باد نشست» در سال ۲۰۰۲ توسط نشر باران در سوئد منتشر شد و کیهان لندن یک کتابگزاری با عنوان «در میانه‌ی دو مرز» به قلم الاهی بقراط درباره آن منتشر کرد.

شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز، الهام زراعت‌پیشه وکیل دادگستری را بابت اتهام «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس و بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرده است. این دادگاه همچنین او را به مدت دو سال از خروج از کشور منع و گذرنامه‌اش را باطل کرده است.

شهلا اروجی، وکیل الهام زراعت‌پیشه، با اشاره به گذشت بیش از ۵۰ روز از بازداشت موکلش، از صدور عجلوانه کیفرخواست، روند رسیدگی به این پرونده، ادامه بازداشت موکلش و ممانعت از ارسال اعتراض به قرار بازداشت در دادگاه تجدیدنظر انتقاد کرده است.

پس از اعتراضات دی ۴۰۴ موج تازه‌ای از فشار بر وکلای دادگستری در استان فارس وارد شد و دست‌کم هشت وکیل دادگستری به‌طور سازمانیافته بازداشت شدند. مهران و مهدی انصاری، دو سرعمو که هر دو وکیل دادگستری در شیراز هستند و بعد از اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شده بودند، در خرداد امسال به زندان محکوم شدند.

مهران انصاری توسط دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به تحمل یک سال حبس محکوم شد. مهدی انصاری نیز به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال زندان و دو سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد.

شهرنوش پارسی‌پور نویسنده و مترجم ایرانی درگذشت

با چهار سال حبس ادامه یافت. شهرنوش پارسی‌پور در زندان قزلحصار رمان «طوبا و معنای شب» را خلق کرد و پس از آزادی از زندان آن را بازنویسی و در سال ۱۳۶۸ منتشر کرد. این رمان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرفروش‌ترین آثار شهرنوش پارسی‌پور است. او پس از آزادی در زندان نویسندگی و ترجمه را در کنار شغل کتابفروشی ادامه داد. «زنان بدون مردان» معروف‌ترین اثر شهرنوش پارسی‌پور در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. این داستان در دوره حوادث ۲۸ مرداد و انحلال دولت محمد مصدق اتفاق می‌افتد و به وضعیت زنان در جامعه آن روزهای ایران اشاره دارد. «زنان بدون مردان» بلافاصله



کیهان

پس از انتشار در ایران ممنوع شد، اما بارها در خارج از ایران به زبان‌های مختلف ترجمه و چاپ شد. تشدید فشارهای امنیتی و قضایی علیه این نویسنده پس از انتشار کتاب «زنان بدون مردان» سبب شد او ایران را به اجبار ترک و ساکن ایالات متحده شود.

شیرین نشاط عکاس و فیلمساز ایرانی در سال ۲۰۰۹ فیلمی را بر پایه این کتاب و با همین نام ساخت که به‌عنوان بهترین کارگردان در جشنواره فیلم ونیز تندیس «شیر نقره‌ای» را دریافت کرد.

رمان‌های «عقل آبی»، «ماجرای ساده و کوچک روح درخت»، «شیوا»، «بر باد نشست» و «کمی بهار» و همچنین مجموعه داستان‌های «تجربه‌های آزاد»، «آویزه‌های بلور» و «آداب صرف چای در حضور گرگ» از دیگر آثار شهرنوش پارسی‌پور هستند. او همچنین آثاری را از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و چینی به فارسی ترجمه کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «صخره تانیوس» نوشته امین معلوف، نویسنده فرانسوی لبنانی‌تبار اشاره کرد.

شهرنوش پارسی‌پور در سال‌های اقامتش در آمریکا چند داستان بلند و ترجمه از خودش به یادگار گذاشت. او که برنده جایزه بیتای ۲۰۱۶ است، از سوی هجدهمین همایش پژوهش‌های زنان در آمریکا، به عنوان زن سال برگزیده شد.

● شهرنوش پارسی‌پور، نویسنده، مترجم، تهیه‌کننده و فعال اجتماعی بامداد شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۴ در سن ۸۰ سالگی در سانفرانسیسکو درگذشت. او از چند روز پیش به علت سکنه قلبی و نفس تنگی در بیمارستان بستری شده بود.

● شهرنوش پارسی‌پور سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد و در اوایل دهه پنجاه از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. او اولین داستان بلندش به نام «سگ و زمستان بلند» را در تهران منتشر کرد.

● شهرنوش پارسی‌پور سال ۱۳۵۹ و پس از اتمام تحصیلاتش در پاریس به ایران بازگشت و پس از مدت کوتاهی بازداشت شد. این بازداشت با چهار سال حبس ادامه یافت.

● او در زندان قزلحصار رمان «طوبا و معنای شب» را خلق کرد و پس از آزادی از زندان آن را بازنویسی و در سال ۱۳۶۸ منتشر کرد. این رمان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرفروش‌ترین آثار شهرنوش پارسی‌پور است.

شهرنوش پارسی‌پور، نویسنده، مترجم، تهیه‌کننده و فعال اجتماعی بامداد شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۴ در سن ۸۰ سالگی در سانفرانسیسکو درگذشت. این نویسنده از چند روز پیش به علت سکنه قلبی و نفس تنگی در بیمارستان بستری شده بود.

شهرنوش پارسی‌پور سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد و در اوایل دهه پنجاه از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و نخستین داستان بلندش به نام «سگ و زمستان بلند» را در تهران منتشر کرد.

شهرنوش پارسی‌پور در سال ۱۳۴۶ با ناصر تقوایی، کارگردان مشهور ایرانی ازدواج کرد و پس از شش سال در سال ۱۳۵۲ از او جدا شد. حاصل این ازدواج فرزندی به نام علی است. او در دهه پنجاه برای مدتی در تلویزیون ملی ایران مشغول به کار شد و سپس ایران را به مقصد فرانسه و برای ادامه تحصیل در رشته زبان و فرهنگ چینی در دانشگاه سوربن ترک کرد. شهرنوش پارسی‌پور سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت و پس از مدت کوتاهی بازداشت شد. این بازداشت

→ مطرح کردم. با صدور کیفرخواست، دیگر دلیلی برای ادامه بازداشت وجود نداشت، زیرا هیچ‌یک از جهات قانونی بازداشت موقت از جمله بیم تبانی، تأثیرگذاری بر شهود یا بیم فرار درباره موکل مصداق نداشت. در هر حال زراعت‌پیشه وکیل دادگستری شناخته‌شده‌ای در مرودشت است و پرونده‌ها و موکلان متعددی دارد.»

به گفته این وکیل، دادگاه با درخواست تبدیل قرار موافقت نکرد و پس از گذشت یک ماه نیز با وجود اعتراض مجدد، قرار بازداشت موقت را ابقا کرد: «پس از ابقای قرار، مطابق قانون به این تصمیم اعتراض شد و خواستار ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر شدیم، اما قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز از ارسال پرونده به مرجع تجدیدنظر خودداری کرده است. در حالی که این اقدام خلاف قانون است. در همین فاصله جلسه رسیدگی برگزار و حکم نیز به سرعت صادر شد؛ حکمی که بر اساس آن الهام زراعت‌پیشه به پنج سال حبس بابت اتهام اجتماع و تبانی و یک سال حبس بابت اتهام تبلیغ علیه نظام، یعنی حداکثر مجازات قانونی هر دو عنوان اتهامی، محکوم شده است.»

وکیل مدافع الهام زراعت‌پیشه افزوده «با وجود باقی بودن مهلت قانونی تجدیدنظرخواهی، بار دیگر خواستار ارسال اعتراض به قرار بازداشت موقت به دادگاه تجدیدنظر شدیم، اما قاضی رسیدگی‌کننده اعلام کرده این اعتراض همراه با اعتراض به رأی ارسال خواهد شد. موضوعی که عملاً موجب می‌شود دادگاه تجدیدنظر دیگر به اعتراض نسبت به قرار بازداشت رسیدگی نکند.»

او افزوده «ادامه بازداشت زراعت‌پیشه علاوه بر آثار شخصی، موجب آسیب به موکلان متعدد او شده است. به دلیل محدودیت‌های تماس زندانیان و ضبط تلفن همراه وی، ارتباط موکلان با او تقریباً قطع شده و بسیاری از پرونده‌هایش بلاتکلیف مانده است.»

شهرنوش پارسی‌پور، نویسنده، مترجم، تهیه‌کننده و فعال اجتماعی بامداد شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۴ در سن ۸۰ سالگی در سانفرانسیسکو درگذشت. این نویسنده از چند روز پیش به علت سکنه قلبی و نفس تنگی در بیمارستان بستری شده بود.

این وکیل همچنین تأکید کرده «الهام زراعت‌پیشه بدون توجیه قانونی در بازداشت نگهداری شده، با درخواست‌های رفع یا تبدیل قرار بازداشت موافقت نشده و اعتراض به ابقای قرار نیز برخلاف قانون به دادگاه تجدیدنظر ارسال نشده است؛ وضعیتی که در عمل موجب استمرار بازداشت تا زمان رسیدگی به مرحله تجدیدنظر شده است.»

پس از اعتراضات دی ۴۰۴ موج تازه‌ای از فشار بر وکلای دادگستری در استان فارس وارد شد و دست‌کم هشت وکیل دادگستری به‌طور سازمانیافته بازداشت شدند. مهران و مهدی انصاری، دو پسرعمو که هر دو وکیل دادگستری در شیراز هستند و بعد از اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شده بودند، در خرداد امسال به زندان محکوم شدند.

مهران انصاری توسط دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به تحمل یک سال حبس محکوم شد. مهدی انصاری نیز به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال زندان و دو سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد.

کارشناسان: بحران آب در حال تبدیل شدن به موضوعی فاقد راهکار است



راهکار دیگری است که پروژه‌هایی بسیار کلان، دشوار و پرهزینه را می‌طلبد: به عنوان مثال آبی که از دریا به اصفهان و یزد می‌رود را به تهران برسانیم. اگر چه این پروژه‌ها سخت و سنگین است اما در نهایت مجبوریم به این سمت حرکت کنیم و به نظر تا ۱۰ سال دیگر این راهکار به تهران هم خواهد رسید.

او معتقد است که عملی کردن این راهکارها هم ایجاد بحران می‌کند: «یعنی می‌گوییم تهران به لحاظ آبی با مشکل مواجه نیست و عرضه آب را دوباره افزایش می‌دهیم که در نتیجه آن بار دیگر شاهد افزایش جمعیت و افزایش مصرف آب خواهیم بود و این سیکل ادامه می‌یابد.»

مسعود مرسلی به این پرسش که آیا با بحران در مدیریت بحران آب تهران مواجه هستیم، پاسخ مثبت داده و می‌گوید: متأسفانه ما هم در پایش عملکرد مناسبی نداشته‌ایم و هم در مواجهه با پدیده فرونشست نمی‌دانیم چه می‌کنیم. در رابطه با راهکار عملی مقابله با فرونشست حتی یک قدم هم به جلو حرکت نکرده‌ایم و تنها صحبت کرده‌ایم. حتی موضوع تعادل‌بخشی و احیای استان حدود ۱۰ سال پیش مطرح شد اما امروز در عمل رها شده است. این وضعیت نشان‌دهنده ضعف مدیریت است که کمبود بودجه، نبود تخصص، فقدان عزم جدی و نگاه بخشی‌نگر از جمله علل این ضعف است.

دیگر کارشناسان محیط‌زیست نیز مانند مسعود مرسلی معتقدند مدیریت ساده مصرف یا دیگر راهکارهای دم‌دستی دیگر پاسخگوی عمق بحران آب نیست. به عقیده کارشناسان برای جلوگیری از فروپاشی زیست‌بوم‌های آسیب‌پذیر در سال‌های خشک پیش رو، تغییر رویکرد کلان در مدیریت منابع آب الزامی است. حرکت به سمت بازسازی چرخه طبیعی آب، اصلاح شیوه‌های بهره‌برداری در بخش‌های مختلف به ویژه کشاورزی، و پرهیز از غفلت در برنامه‌ریزی‌های ساختاری، تنها راهکارهای مؤثر برای حفظ توازن زیست‌بوم‌ها در مواجهه با تغییرات اقلیمی آینده است.

نشست سریع سطح آب و در نتیجه فرونشست زمین شده است. به طوری که در سال‌های اخیر، فرونشست زمین به‌ویژه در جنوب و جنوب‌غرب تهران، افزایش بسیاری یافته است. در حال حاضر فرونشست در جنوب تهران به شدت توسعه یافته و از ۱۵ سانتیمتر در سال هم بیشتر شده است شرايطی فاجعه‌بار که حتی اگر همین اکنون هم پایان داده شود، فرونشست حدود ۱۵ سال دیگر ادامه خواهد داشت.» او ضمن انتقاد از سال‌ها بی‌توجهی به معضل آب از سوی دولت گفته «این بی‌توجهی باعث شده که هر سال شاهد تشدید بحران آب باشیم به نحوی که در حال حاضر نمی‌توانیم به صورت اورژانسی برای حل معضل آب اقدامی انجام دهیم و با پیچیدن یک نسخه، سریعاً این مشکل را حل کنیم. حل این موضوع بسیار پیچیده و زمان‌بر است.» به عقیده این متخصص حوزه آب‌های زیرزمینی «بحران آب به تدریج در حال تبدیل شدن به موضوعی فاقد راهکار است.» او توضیح می‌دهد «هر سال نیاز آبی را در تهران افزایش می‌دهند، درحالی که یکی از راهکارهای اصلی ما درحال حاضر، کاهش بسیار جدی کشاورزی در استان تهران و حوضه آبریز تهران است، به بیان دیگر ناچاریم کشاورزی را به‌تدریج تعطیل کنیم یا به سمت روش‌هایی بپریم که مصرف بسیار کمی داشته باشند و آب این بخش را به مصرف شرب اختصاص دهیم. تنها راهکار واقعی همین است.»

این استاد دانشگاه با اشاره به راهکارهای دولت برای حل بحران آب تهران تأکید کرده «تعطیل کردن کشاورزی اگرچه مهم‌ترین راهکار برای مقابله با بحران آبی پایتخت است اما این اقدام مشکلات جدی را در حوزه اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد از جمله بیکاری و... در کنار این موضوع کاهش مصارف هم مهم است که در حال حاضر مصرف آب در تهران نسبتاً معقول بوده است و با توجه به اینکه فشار آب در تهران را کاهش داده‌اند، مردم به‌صورت ناخودآگاه کمتر مصرف می‌کنند.»

به گفته این متخصص آب، انتقال آب بین‌حوضه‌ای هم

● با وجود افزایش ۸۰ درصدی ورودی آب به مخازن سدها و پر شدن ۶۶ درصدی ظرفیت آن‌ها، کارشناسان حوزه آب و محیط‌زیست هشدار می‌دهند که این بهبود وضعیت کاملاً موقتی است و نباید مانع از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و اصلاحات ساختاری در حوزه مدیریت منابع آب شود.

● مسعود مرسلی، متخصص حوزه آب‌های زیرزمینی و استاد دانشگاه، گفته «سال گذشته بسیاری از مناطق تهران نزدیک ۶ تا ۸ ماه هر شب با قطعی ۷ یا ۸ ساعته آب مواجه بودند که مفهوم آن همان بحران آبی است.»

● به عقیده کارشناسان برای جلوگیری از فروپاشی زیست‌بوم‌های آسیب‌پذیر در سال‌های خشک پیش رو، تغییر رویکرد کلان در مدیریت منابع آب الزامی است. حرکت به سمت بازسازی چرخه طبیعی آب، اصلاح شیوه‌های بهره‌برداری در بخش‌های مختلف به ویژه کشاورزی، و پرهیز از غفلت در برنامه‌ریزی‌های ساختاری، تنها راهکارهای مؤثر برای حفظ توازن زیست‌بوم‌ها در مواجهه با تغییرات اقلیمی آینده است.

با وجود افزایش ۸۰ درصدی ورودی آب به مخازن سدها و پر شدن ۶۶ درصدی ظرفیت آن‌ها، کارشناسان حوزه آب و محیط‌زیست هشدار می‌دهند که این بهبود وضعیت کاملاً موقتی است و نباید مانع از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و اصلاحات ساختاری در حوزه مدیریت منابع آب شود.

آمارهای سازمان هواشناسی نشان می‌دهد حجم ذخایر سدهای ایران با رشد ۳۵ درصدی نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته، به ۳۴/۳۶ میلیارد مترمکعب رسیده است. با اینهمه قرارگیری ایران در کمربند خشک‌سالی جهانی، پایداری این ذخایر را به شدت تهدید می‌کند. خشک‌سالی‌های پیاپی سال‌های گذشته، تراز آب‌های زیرزمینی را به شدت کاهش داده و سلامت زیست‌بوم‌های رودخانه‌ای را با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ به طوری که جبران این کسری‌های انباشته شده با بارندگی‌های کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست.

نکته مهم دیگر در بررسی آمارهای آبی، توزیع ناهمگون بارندگی‌ها در سطح کشور است. گزارش‌ها حاکی از آن است که بهبود نسبی ذخایر آبی در تمام نقاط کشور یکسان نیست و برخی از حوضه‌های آبریز حساس همچنان با تنگنای شدید مواجه هستند. سدهای منطقه خراسان، حوزه‌های آبی استان تهران و استان قم از جمله مناطقی هستند که تنش‌های محیط‌زیستی و کم‌آبی در آن‌ها همچنان با شدت پابرجاست و این مخازن نتوانسته‌اند به شرایط پایدار برسند.

در همین رابطه مسعود مرسلی، متخصص حوزه آب‌های زیرزمینی و استاد دانشگاه، گفته «سال گذشته بسیاری از مناطق تهران نزدیک ۶ تا ۸ ماه هر شب با قطعی ۷ یا ۸ ساعته آب مواجه بودند که مفهوم آن همان بحران آبی است. در چند سال اخیر، سالانه ۲۰ تا ۴۰ چاه عمیق در تهران حفر می‌کنیم که هر یک ۱۵ یا ۲۰ لیتر در ثانیه آب‌دهی دارند و مستقیماً به شبکه آبرسانی وصل می‌شوند. این درحالی است که در گذشته هر ۱۰ سال یک بار وقتی با مشکل مواجه می‌شدیم اقدام به حفر چنین چاه‌هایی می‌کردیم.» مسعود مرسلی افزوده «این سیاست‌ها به تشدید بحران آب کمک می‌کند. ما با حفر چاه عمیق در واقع آب را از لایه‌های پایین‌تر به سطح می‌رانیم که این وضعیت باعث

بحران گرانی و کمبود دامن کارکنان داروخانه‌ها را گرفت؛ از درآمدهای ناچیز تا اخراج!



● جهش چند برابری قیمت دارو و تجهیزات پزشکی نسبت به زمستان گذشته، از سرریز شدن یک بحران جدی زیر پوست نظام سلامت حکایت می‌کند که بر اساس گزارش‌ها این روزها کارکنان داروخانه‌ها را نیز متأثر کرده است.

● برهان آرش، فعال کارگری و نماینده کارکنان داروخانه‌های استان کرمانشاه، گفته «داروخانه‌هایی هستند که صریح می‌گویند بیمه نمی‌کنیم؛ اگر با حقوق ۱۲ میلیون تومان موافقی، بیا سر کار. خیلی‌ها هم از روی ناچاری، بیکاری و نداشتن شغل بهتر این شرایط را قبول می‌کنند.»

● برهان آرش تأکید کرده کارگران، از جمله کارکنان داروخانه‌ها، امروز برای زندگی کار نمی‌کنند؛ فقط برای زنده ماندن کار می‌کنند.

بحران در بخش دارو و درمان ایران به کارکنان داروخانه‌ها رسیده است. بسیاری از داروخانه‌ها به علت کاهش شدید حاشیه سود که به‌علت ناتوانی شهروندان در خرید دارو، مکمل‌های دارویی و تجهیزات پزشکی رخ داده، نمی‌توانند حقوق و مزایای کارکنان خود را پرداخت کنند.

گروه «بهداشت و درمان» در ماه‌های گذشته همواره در صدر جدول تورم خانوار جا خوش کرده است. نرخ تورم ماهانه این بخش پس از ثبت ارقام بی‌سابقه ۶/۱۵ و ۱/۲۳ درصدی در فروردین و اردیبهشت، در خردادماه نیز به حدود ۴/۹ درصد رسید که فاصله‌ای معنادار با تورم کل اقتصاد دارد. این جهش چند برابری نسبت به زمستان گذشته، از سرریز شدن یک بحران جدی زیر پوست نظام سلامت حکایت می‌کند که بر اساس گزارش‌ها این روزها کارکنان داروخانه‌ها را نیز متأثر کرده است.

خبرگزاری «ایرنا» گزارش داده کارکنان داروخانه‌ها همانند میلیون‌ها کارگر دیگر با مشکلات معیشتی، دستمزدهای ناکافی و ناامنی شغلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برهان آرش، فعال کارگری و نماینده کارکنان داروخانه‌های استان کرمانشاه، در گفتگو با «ایرنا» گفته «داروخانه‌هایی هستند که صریح می‌گویند بیمه نمی‌کنیم؛ اگر با حقوق ۱۲ میلیون تومان موافقی، بیا سر کار. خیلی‌ها هم از روی ناچاری، بیکاری و نداشتن شغل بهتر این شرایط را قبول می‌کنند.»

به گفته این فعال صنفی، بسیاری از داروخانه‌ها برای کاهش هزینه‌ها ناچار به کاهش -یا به بیان بهتر اخراج- نیروی کار شده‌اند: «داروخانه‌ای که قبلاً پنج نیرو داشت، حالا دو نفر را تعدیل کرده است، چون دیگر توان پرداخت هزینه‌ها را ندارد.»

برهان آرش افزایش شدید اجاره‌بهای واحدهای تجاری را یکی از عوامل اصلی فشار بر داروخانه‌ها می‌داند و می‌گوید: «قبلاً اجاره یک واحد تجاری در شهرستان‌های کوچک، ماهانه ۲۰ یا ۳۰ میلیون تومان بود، اما امروز برخی مالکان برای همان ملک ۸۰ میلیون تومان اجاره می‌خواهند. داروخانه با این شرایط چقدر درآمد دارد که هم اجاره بدهد و هم هزینه‌های دیگر را تأمین کند؟»

او توضیح داده افزایش هزینه دارو و مکمل‌ها سبب کاهش شدید فروش در داروخانه‌ها شده و تعداد زیادی از داروخانه‌ها را در معرض ورشکستگی قرار داده است: «قیمت مکمل‌ها چند برابر شده است. مکملی که قبلاً حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود، حالا ۵ میلیون

قیمت‌ها، از سرعت ترمیم درآمدهای عمومی جلو زده است. «اقتصاد ۲۴» در تحلیل دلایل بروز این بحران نوشته حذف ارزش ترجیحی متهم ردیف اول این گرانی‌ها قلمداد می‌شود، اما کالبدشکافی ساختار تولید دارو نشان می‌دهد که ما با یک منظومه از مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستیم. از دی‌ماه سال گذشته، با اجرای سیاست همسان‌سازی نرخ ارز، به ناکاه بهای ارز تامینی برای مواد اولیه و اقلام جانبی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به محدوده ۱۴۴ الی ۱۴۵ هزار تومان جهش کرد. این تغییر ضربتی در کنار حذف کامل ارزش ترجیحی اکثر داروها از اسفندماه، شوک بزرگی را به بهای تمام‌شده تولید وارد ساخت.

این گزارش افزوده تولیدکنندگان دارویی امروز در محاصره افزایش همه‌جانبه هزینه‌ها قرار دارند. قیمت مواد پتروشیمی مورد نیاز برای بسته‌بندی و همچنین قیمت آلومینیوم تحت تاثیر تنش‌های منطقه‌ای و ترکش‌های جنگ به چند برابر افزایش یافته است. از سوی دیگر به دلیل تغییر مسیرهای حمل‌ونقل به راه‌های زمینی و رشد هزینه‌های پرسنلی و دستمزدها، حاشیه سود کارخانه‌ها به شدت منقبض شده است. بحران شدید نقدینگی و سرمایه در گردش نیز به دلیل چند برابر شدن نرخ ارز، شرکت‌ها را در وضعیتی قرار داده که برای خرید همان حجم قبلی مواد اولیه به سرمایه‌ای چند برابری نیاز دارند. در حالی که نظام بانکی تسهیلات خود را با نرخ‌های بهره کمرشکن بالای ۳۸ درصد عرضه می‌کند، عملاً رمقی برای ادامه تولید باقی نمانده است.

علاوه بر این، دوره بازگشت سرمایه در این صنعت به دلیل تاخیرهای طولانی‌مدت دولت در پرداخت مطالبات ریالی، به بیش از یک سال رسیده است؛ این در حالی است که فروشندگان خارجی و تامین‌کنندگان داخلی، به صورت یک‌صدا تقاضای پیش‌پرداخت نقدی دارند. نتیجه این معامله نابرابر، مستهلک شدن بنگاه‌های دارویی، زیان‌دهی انباشته و در نهایت افت شدید حجم تولید است که خود را به صورت کمبودهای گسترده در بازار نشان می‌دهد.

تومان شده است. وقتی سه یا چهار قلم مکمل به حدود ۲۰ میلیون تومان می‌رسد و طبیعی است که بسیاری از مردم دیگر توان خرید آن را نداشته باشند.»

به گفته این فعال کارگری، بسیاری از مراجعه‌کنندگان حتی در صورت تجویز پزشک نیز خرید این اقلام را به ماه‌های بعد موکول می‌کنند یا به‌طور کامل از خرید آنها صرف‌نظر می‌کنند. برهان آرش تأکید کرده کارگران، از جمله کارکنان داروخانه‌ها، امروز برای زندگی کار نمی‌کنند؛ فقط برای زنده ماندن کار می‌کنند. فردی که دو فرزند دارد، مستأجر است و ماهانه ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، وقتی باید ۱۵ تا ۱۶ میلیون تومان اجاره خانه پرداخت کند، دیگر چیزی برای خوراک، پوشاک، رفت‌وآمد و هزینه‌های خانواده باقی نمی‌ماند.

به گفته او، افزایش‌های سالانه دستمزد نیز تأثیر محسوسی بر بهبود زندگی کارگران نداشته است. آرش می‌گوید: «هر سال چند میلیون ناقابل به حقوق اضافه می‌کنند و انتظار دارند خوشحال باشیم، اما مشکل معیشتی ما حل نمی‌شود. ما قشری هستیم که تا آخر عمر با نگرانی تأمین هزینه‌های زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم.»

در همین حال وبسایت «اقتصاد۲۴» با اشاره به آشفته‌گی بازار دارو در ایران نوشته بررسی‌های میدانی از قیمت داروهای پرمصرف نشان می‌دهد افزایش نرخ‌ها دیگر محدود به داروهای خاص، نایاب یا وارداتی نیست. داروهای عمومی و حیاتی نظیر گاباپنتین، پرگابالین و آتورواستاتین در ماه‌های اخیر نرخ‌های رشد ماهانه نزدیک به ۲۰ درصد را پشت سر گذاشته‌اند. این بدین معناست که بدنه اصلی بازار دارو دچار یک جابه‌جایی بزرگ قیمتی شده و توان خرید دهک‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه را به شدت نشانه رفته است.

در ادامه گزارش آمده داستان تلخ بیمار سرطانی که هزینه‌های هر دوره شیمی‌درمانی او از ۷ میلیون تومان در دو سال گذشته به نزدیک ۷۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۵ رسیده، نماد آشکاری از این واقعیت است که سرعت رشد

۱۶ سال افزایش پیوسته تورم؛ سقوط دستمزد کارگران ایران به روزانه سه دلار



● عباس کریمزاده، اقتصاددان و نایب‌رئیس کانون دانش‌آموختگان اقتصاد ایران، تأکید کرده که فشار خردکننده وضعیت اقتصادی و تورم در کشور، بیش از هر زمان دیگری بر دوش دهک‌های پایین درآمدی آوار شده است.

● در فاصله سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۵ خورشیدی قدرت خرید پایه جامعه از محدوده ۴۰۰ دلار در ماه به زیر ۱۰۰ دلار سقوط کرده و ارزش دلاری دستمزد کارگران نیز به حدود روزی سه دلار کاهش یافته است.

● این تراژدی عددی، فراتر از یک تغییر شاخص، نشان‌دهنده وقوع یک «فقیرسازی ساختاری و تدریجی» است که موتور محرک آن، تحریم‌های همه‌جانبه، جهش‌های ارزی و البته سیاست سرکوب دستمزدها بوده است.

تورم خوراکی‌ها در ایران زنگ خطر معیشت را به صدا درآورده است و در آنسو ارزش دلاری دستمزدها با سقوطی تاریخی به حدود سه دلار در هر روز کاهش یافته است. در خردادماه امسال تورم نقطه‌به‌نقطه در مناطق شهری به عدد بی‌سابقه ۲/۸۵ درصد رسیده است. تورم مواد خوراکی اما با افزایش پرشتاب‌تری روبرو بوده است و از میان ۵۳ قلم کالای خوراکی منتخب، ۳۵ قلم با افزایش قیمتی بسیار فراتر از نرخ تورم عمومی روبه‌رو بوده‌اند.

عباس کریمزاده، اقتصاددان و نایب‌رئیس کانون دانش‌آموختگان اقتصاد ایران، تأکید کرده که فشار خردکننده وضعیت اقتصادی و تورم در کشور، بیش از هر زمان دیگری بر دوش دهک‌های پایین درآمدی آوار شده است. به باور این کارشناس اقتصادی، نبود یک نظام اقتصادی شفاف و منسجم، به عنوان سدی بزرگ در برابر مهار تورم عمل کرده و شکاف طبقاتی را در کشور به نقطه بحرانی رسانده است. این اقتصاددان توضیح داده که «طبیعتاً اولویت اصلی و حیاتی این گروه از مردم، تامین کالاهای اساسی و مواد غذایی است. در نتیجه، وقتی نرخ تورم اقلام خوراکی بسیار بالاتر از کالاهای غیرضروری می‌ایستد، افشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه فشاری مضاعف و چندبرابری را روی دوش خود احساس می‌کنند.»

او افزوده «وقتی یک خانواده مجبور می‌شود بخش عمده یا تمام درآمد ماهانه خود را صرف خرید مواد غذایی اولیه کند، گرانی همین چند قلم کالا، آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت و در نهایت، چرخه نابرابری درآمدی را در کشور تشدید می‌کند.»

این اقتصاددان در حالی بر تشدید نابرابری میان افشار کم‌درآمد و پردرآمد با افزایش تورم موادخوراکی تأکید کرده که در آنسو بررسی یک نمودار از روند ۱۶ ساله حداقل دستمزد در ایران نشان می‌دهد ارزش دلاری حقوق کارگران از حدود ۴۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ به کمتر از ۱۰۰ دلار در سال ۲۰۲۶ رسیده است؛ روندی که از تأثیر همزمان تحریم‌ها، جهش نرخ ارز و کاهش قدرت خرید خانوارها حکایت دارد.

به بیان دیگر درآمد افشار کم‌درآمد از جمله کارگران نه تنها طی سالهای گذشته ثابت نمانده بلکه ارزش واقعی رقم دستمزد این افشار کاهش یافته است؛ به بیان دیگر قدرت خرید افشار کم‌درآمد با سقوطی مضاعف روبرو شده است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده بررسی روند «ارزش دلاری حداقل دستمزد در ایران» بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۶ میلادی (۱۳۸۹ تا ۱۴۰۵ خورشیدی)، یک سقوط آزاد

۳ دلار در روز است؛ رقمی که در استانداردهای جهانی، جامعه را در محدوده فقر مطلق قرار می‌دهد. دوبرابر شدن قیمت مواد غذایی و کالاهای اساسی در ماه‌های اخیر، پیامد مستقیم این سقوط ارزش پول ملی است.

در بخش پایانی این گزارش تأکید شده «پیام روشن این نمودار ۱۶ ساله آن است که تا زمان تداوم سایه تحریم‌ها و بلاتکلیفی دیپلماتیک، بازار ارز آرام نخواهد گرفت و هیچ فرمول داخلی نمی‌تواند بدون حل مسئله تحریم، سفره‌ها را احیا کند. در کنار گشایش‌های بین‌المللی، سیاست‌گذار داخلی نیز باید شجاعت تغییر رویکرد را داشته باشد. فریز کردن دستمزدها به بهانه کنترل تورم، سیاستی شکست‌خورده است که تنها به لاغر شدن توده مردم و چاق شدن واسطه‌گران متصل به منابع قدرت انجامیده است. برای نجات اقتصاد، توقف این «تحریرسازی تدریجی» معیشت کارگران و بازگرداندن توازن به نسبت دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی، اولیوی است که تاخیر در آن، هزینه‌های غیرقابل‌جبرانی را به آینده کشور تحمیل خواهد کرد.»

با اینهمه به نظر نمی‌رسد در کشوری که اقتصاد آن به گفته عباس کریمزاده «فاقد یک ساختار و نظام اقتصادی قانون‌مند و مشخص» دولت بتواند اقداماتی برای افزایش ارزش واقعی درآمد و مراقبت از قدرت خرید خانوارها انجام دهد.

عباس کریمزاده معتقد است «بودن هویت نظام اقتصادی، تبعات سنگینی به دنبال داشته که امروز در زندگی مردم می‌بینیم. در اقتصاد امروز ما، حتی وظایف بدیهی دولت نیز نامشخص و تعریف‌نشده است.»

او هشدار داده «منطق سیستم‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی در دنیا کاملاً روشن است و هر کدام تعاریف، قواعد و الزامات خاص خود را دارند؛ اما در ایران، فقدان یک چارچوب تئوریک روشن باعث شده تا سیاست‌های اجرایی اقتصاد از ثبات و پیوستگی لازم برخوردار نباشند. در نتیجه هر دولتی که روی کار می‌آید، یا حتی هر دستگاه اجرایی، بخش مربوط به خود را با منطق و سلیقه متفاوتی مدیریت می‌کند. خروجی این وضعیت، چیزی جز بی‌ثباتی مزمن بازارها و تداوم مهارگیخته تورم نیست.»

تمام‌عیار را به تصویر می‌کشد؛ وضعیت که دستمزدها ریالی و هزینه‌ها به نرخ دلار تعیین می‌شود.

در این بازه، قدرت خرید پایه جامعه از محدوده ۴۰۰ دلار در ماه به زیر ۱۰۰ دلار سقوط کرده است. این تراژدی عددی، فراتر از یک تغییر شاخص، نشان‌دهنده وقوع یک «فقیرسازی ساختاری و تدریجی» است که موتور محرک آن، تحریم‌های همه‌جانبه، جهش‌های ارزی و البته سیاست سرکوب دستمزدها بوده است.

مبنای آماری این تحلیل تکان‌دهنده، برآمده از جدیدترین تصویرسازی پلترم بین‌المللی «Voronoi» (از زیرمجموعه‌های رسانه معتبر Visual Capitalist) است که داده‌های خام و پایه‌ای آن توسط احسان سلطانی، پژوهشگر و تحلیل‌گر اقتصادی، گردآوری و پردازش شده است. این داده‌ها با ترسیم دقیق منحنی «فروپاشی دستمزد در ایران در میان تحریم‌ها و سقوط ارزش پول ملی»، پیوند ارگانیک میان سیاست‌های کلان ارزی و سفره مردم را به تصویر کشیده‌اند. این مستندات نشان می‌دهند که چگونه نوسانات سنگین نرخ ارز در طول ۱۶ سال گذشته، مستقیماً به ذوب شدن ارزش بین‌المللی دستمزد ریالی منجر شده و به عنوان یک سند آماری معتبر، فرضیه فقیرسازی تدریجی را به اثبات می‌رساند.

این گزارش افزوده سال ۱۴۰۵ (۲۰۲۶) با چالش‌های به مراتب سهمگین‌تری آغاز شده است. با وقوع جنگ و بالا گرفتن تنش‌های منطقه‌ای و افزایش ریسک برخورد دوباره بین ایران و ایالات متحده، بازار ارز کشور وارد کانال‌های بی‌سابقه‌ای شد؛ به طوری قیمت دلار قله‌ها ۱۷۰ هزار تومان را نیز فتح کرد.

در ادامه گزارش «اقتصاد ۲۴» آمده این جهش جنون‌آمیز ارزی، آخرین خاکی‌های مقاومت معیشتی را نیز در هم شکسته است. ارزش دلاری حداقل دستمزد برای اولین بار در طول ۱۶ سال گذشته، به زیر مرز ۱۰۰ دلار سقوط کرده و به عددی در حدود ۹۰ دلار در ماه رسیده است. این یعنی یک نیروی کار در ایران، امروز با وجود کار تمام‌وقت، دستمزدی دریافت می‌کند که ارزش بین‌المللی آن کمتر از

احتمال بروز تورم ۱۵۰ درصدی در اقتصاد ایران تا پایان سال



درصدی مواجه خواهد شد. این محاسبات به وضوح نشان می‌دهد که دولت هیچ برنامه مشخص و کارآمدی برای تأمین کالاهای اساسی نداشته است. در این میان، مرغ، گوشت و برنج بیشترین افزایش قیمت را در سبد معیشتی داشته‌اند و بازار خودرو و کالاهایی که در زنجیره تولید خود از مواد پتروشیمی استفاده می‌کردند نیز دچار رشدهای نجومی و سرسام‌آور شده‌اند.

در حالیکه علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان اواخر خردادماه در گفتگو با خبرنگاران مدعی شده بود دولت نخواهد گذاشت تورم سه رقمی در اقتصاد ایران رخ دهد، آلبرت بغزیان تأکید کرده که تورم سه رقمی همین حالا نیز نمایان شده است.

بر اساس توضیحات این اقتصاددان «سه رقمی شدن نرخ تورم، آن هم در بخش متوسط قیمت‌ها همین حالا هم عملاً اتفاق افتاده است، چرا که شاخص قیمت، اصولاً میانگینی از کل بازار است؛ بنابراین وقتی میانگین تورم نقطه به نقطه خرداد ماه رشد بیش از ۸۰ درصدی را ثبت می‌کند، معنایش این است که قیمت برخی کالاها تا ۲۰۰ درصد و برخی دیگر شاید ۱۰ درصد افزایش یافته است. به همین دلیل، نرخ تورم واقعی برای اقشار کم‌درآمد و دهک‌های پایین جامعه که بخش اصلی سفره و هزینه‌هایشان را مواد غذایی و دارو تشکیل می‌دهد، بسیار بالاتر از این میانگین رسمی است.»

او در ادامه با اشاره به وضعیت تورم سه رقمی در مناطق مرزی و محروم افزود: «برخی شهرهای مرزی در بخش مواد غذایی بیشترین تأثیر منفی را پذیرفته‌اند. البته بعید است که عامل اصلی در این مناطق مسکن یا حمل و نقل بوده باشد، چرا که رشد قیمت مسکن در مناطق مرزی به اندازه تهران نبوده است، بلکه بیشتر مواد غذایی و کالاهای اساسی هستند که بر سه رقمی شدن تورم در مناطق مرزی کشور تأثیر گذاشته است و این یعنی رفاه مردم به شدت کاهش یافته است. حتی اگر تصور کنیم که بانک مرکزی و مرکز آمارها، عددها را با اغماض اعلام نکرده باشند، همچنان این وضعیت نشان می‌دهد که دولت در نظارت بر قیمت‌ها یا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر موفق نبوده است.»

تغییری که در آن سفره‌ها نه فقط گران‌تر، بلکه کوچک‌تر و ساده‌تر و کم‌کالری‌تر شده‌اند.

این گزارش افزوده اگر یک خانوار در ابتدای اسفند ۱۴۰۴ برای خرید یک سبد معمولی مواد غذایی شامل برنج، نان، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات، حبوبات، میوه و سبزیجات ۱۰ میلیون تومان هزینه می‌کرد، با استناد به روند افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، همان سبد در پایان خرداد ۱۴۰۵ به حدود ۱۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسیده است.

در بخشی از این گزارش بر اساس محاسبات و آمارها آمده تنها در فاصله سه ماه، هزینه تأمین همان سبد مصرفی بدون اضافه شدن حتی یک قلم کالا، بیش از ۲ میلیون تومان افزایش یافته است. این رشد نزدیک به ۲۱ درصدی قیمت‌ها در حالی رخ داده که درآمد بسیاری از خانوارها در این مدت تغییر محسوسی نداشته و همین شکاف، قدرت خرید را به همان میزان کاهش داده است؛ موضوعی که خود را نه فقط در کوچک‌تر شدن کیسه‌های خرید، بلکه در حذف یا کاهش مصرف اقلامی مانند گوشت، لبنیات، میوه و سایر کالاهای باارزش غذایی بالاتر نشان می‌دهد.

این گزارش افزوده در شرایط فعلی که تورم نقطه‌به‌نقطه نزدیک به ۹۰ درصد و تورم خوراکی‌ها در سطوح بالای ۶ تا ۷ درصد ماهانه قرار دارد، چشم‌انداز کوتاه‌مدت نشان می‌دهد فشار بر سبد غذایی ادامه‌دار خواهد بود. اگر روند فعلی بدون تغییر در متغیرهای کلان اقتصادی ادامه پیدا کند، سناریوی محتمل تداوم کوچک‌تر شدن ادامه دار سبد غذایی، افزایش حذف اقلام پروتئینی و تشدید شکاف تغذیه‌ای میان دهک‌هاست.

بسیاری از اقتصاددانان نیز معتقدند روند افزایش پرسرعت تورم در اقتصاد ایران ادامه‌دار خواهد بود. در همین رابطه آلبرت بغزیان اقتصاددان و استاد دانشگاه گفته «در حال حاضر که تورم نقطه به نقطه سه رقمی شده، اگر از ماه چهارم تا آخر سال با همین روند و با همین میزان تورم پیش برویم و برای سال ۱۴۰۵ نیز تورمی در حدود ۷۰ درصد داشته باشیم، یعنی جامعه با یک افزایش قیمت کلان ۱۵۰

● وبسایت «اقتصادنیوز» در گزارشی با اشاره به سه رقمی شدن تورم مواد غذایی در خردادماه نوشته امروز دیگر صرفاً «گرانی مواد غذایی» مطرح نیست؛ بلکه تغییر تدریجی ساختار تغذیه جامعه است؛ تغییری که در آن سفره‌ها نه فقط گران‌تر، بلکه کوچک‌تر و ساده‌تر و کم‌کالری‌تر شده‌اند.

● آلبرت بغزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه، گفته «اگر از ماه چهارم تا آخر سال با همین روند و با همین میزان تورم پیش برویم و برای سال ۱۴۰۵ نیز تورمی در حدود ۷۰ درصد داشته باشیم، یعنی جامعه با یک افزایش قیمت کلان ۱۵۰ درصدی مواجه خواهد شد.»

● در حالیکه علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان اواخر خردادماه در گفتگو با خبرنگاران مدعی شده بود دولت نخواهد گذاشت تورم سه رقمی در اقتصاد ایران رخ دهد، آلبرت بغزیان تأکید کرده که تورم سه رقمی همین حالا نیز نمایان شده است.

آمارهای تورم خردادماه نشان می‌دهد ایران در کنار کشورهای قرار گرفته است که نه با تورم‌های مقطعی، بلکه با تورم غذایی مزمن و پایدار روبرو هستند. به عقیده یک اقتصاددان روند صعود تورم همچنان ادامه خواهد داشت و دولت نیز هیچ برنامه‌ای برای مهار قیمت‌ها ندارد.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، شاخص قیمت مصرف‌کننده در خردادماه امسال به عدد ۴/۶۵۶ رسیده و تورم نقطه‌به‌نقطه خانوارها ۶/۸۸ درصد ثبت شده است؛ در کنار آن، تورم سالانه به ۶۲ درصد و تورم ماهانه به ۹/۵ درصد رسیده است. در این میان تورم ماهانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به ۸/۶ درصد رسیده که به‌طور مستقیم بر افزایش هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد اثر داشته است.

وبسایت «اقتصادنیوز» در گزارشی اشاره کرده که تورم خوراکی‌ها در ایران در خرداد ۱۴۰۵ به نقطه‌ای رسیده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک شاخص آماری دانست. در واقع مسئله امروز دیگر صرفاً «گرانی مواد غذایی» مطرح نیست؛ بلکه تغییر تدریجی ساختار تغذیه جامعه است؛

بی‌معنا شدن «امنیت شغلی» در بازار کار ایران با قراردادهای موقت



اصلانی فعال کارگری ساکن همدان با اشاره به خسارت قراردادهای موقت برای کارگران گفته که کارگران قرارداد موقت از سقف قانونی بیمه بیکاری به دلیل فواصل بیمه‌ای محروم می‌مانند.

این فعال کارگری توضیح داده «یکی از بندهای چالش‌برانگیز در حوزه آسیب‌های قراردادهای موقت و شرکت‌های پیمانکاری، به سوابق کارگران و مدت زمان پوشش بیمه‌ای بازمی‌گردد. بر اساس سوابق موجود در قانون، سقف پرداخت مقرری برای افراد مجرد با سابقه پرداخت حق بیمه بالای ۲۴۱ ماه، حداکثر ۳۶ ماه و برای افراد متأهل حداکثر ۴۸ ماه تعیین شده است. با این حال، رواج قراردادهای موقت کار و فعالیت شرکت‌های واسطه‌ای و پیمانکاری سبب شده است تا بخش وسیعی از نیروی کار، به‌ویژه در بخش‌های فصلی و خدماتی، به دلیل ایجاد فواصل بیمه‌ای نتوانند از این سقف‌ها بهره‌مند شوند. ضعف مدیریت در اجرای ماده ۱۶۸ قانون کار و کوتاهی برخی کارفرمایان در ارسال به موقع لیست حق بیمه ۳ درصدی، عملاً دسترسی کارگران دارای اشتغال ناپایدار را به این چتر حمایتی مسدود کرده است.»

در این میان کارگرانی که با قراردادهای موقت فعال هستند به صورت گروهی اخراج می‌شوند بدون اینکه کارفرما از سوی دولت یا دیگر نهادهای حکومتی پاسخگو شود. این در حالیست که قراردادهای موقت امکان شکایت کارگران اخراج شده از کارفرما، یا مطالبه حقوق‌شان را غیرممکن می‌کند.

برای نمونه در بهار امسال شرکت «بشل موتور» که در زمینه تولید انواع قطعات اتومبیل در شهرستان سوادکوه فعالیت دارد از ابتدای سال جاری حدود ۳۰۰ کارگر قرارداد موقت خود را به بهانه کمبود مواد اولیه تولید، از کار بیکار کرد. این اخراج گروهی در شرایطی که گزارشی از امکان دریافت بیمه بیکاری کارگران اخراج شده در دست نیست در حالیست که بر اساس گزارش‌ها بسیاری از شرکت‌های صنعتی در استان مازندران هیچ آسیبی به صورت مستقیم در جنگ ندیده‌اند.

آینده را از خانواده‌های کارگری گرفته است.» او افزوده «گزارش‌ها و مشاهدات میدانی فعالان کارگری نشان می‌دهد در برخی بنگاه‌های اقتصادی، به جای سرمایه‌گذاری برای حفظ نیروی انسانی با تجربه، توصیه‌هایی در حوزه مدیریت منابع انسانی با هدف کاهش هزینه‌های حقوق و دستمزد مطرح می‌شود که نتیجه آن، خروج تدریجی کارگران باسابقه و جایگزینی آنان با نیروهای جدید با هزینه کمتر است.»

این فعال حوزه کارگری این رویه را در درازمدت مخرب دانسته و می‌گوید: «اگرچه کنترل هزینه‌های بنگاه اقتصادی امری قابل درک است، اما هنگامی که این هدف صرفاً از مسیر کاهش حقوق و مزایای نیروی انسانی دنبال شود، سرمایه انسانی قربانی ملاحظات کوتاه‌مدت اقتصادی خواهد شد. متأسفانه در برخی موارد، اخراج یا تعدیل تدریجی نیروهای باسابقه به ابزاری برای کاهش بار مالی بنگاه تبدیل شده است.»

او نسبت به تبدیل شدن این روند به یک رویه ثابت هشدار داده و اضافه می‌کند: «چنین رویکردی اگر به یک الگوی مدیریتی تبدیل شود، نه تنها با فلسفه حمایت از نیروی کار در قانون کار همخوانی ندارد، بلکه موجب از دست رفتن تجربه، کاهش بهره‌وری، تضعیف انگیزه کارکنان و افزایش ناامنی شغلی در محیط‌های کار خواهد شد.»

سیمین یعقوبیان با نقد ناکافی بودن چترهای حمایتی دولت در اوضاع کنونی، گفته «ما امروز کارگرانی با بیش از ده یا حتی بیست سال سابقه خدمت داریم که ناچار به امضای قراردادهای کوتاه‌مدت هستند و هر ماه دغدغه تمدید قرارداد خود را دارند.» یعقوبیان در همین زمینه می‌افزاید: «در نهایت نیز با وجود شرایط تورمی و پسا جنگ، بیمه بیکاری یک سرپرست خانوار حتی یک زن سرپرست خانوار به این شکل عمل می‌کند که صرفاً باید ۵۵ درصد حقوق، مقرری بیمه بیکاری دریافت کند؛ تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل.»

برای مردان کارگر نیز قراردادهای کاری موقت به تهدیدی جدی در رابطه با امنیت شغلی آنها تبدیل شده است. چنگیز

● در نبود نهادهای ناظر کارآمد در ایران، اکثر متقاضیان کار ناچار هستند به خواسته کارفرماها برای امضای قراردادهای موقت کار تن بدهند و همین موضوع در عمل «امنیت شغلی» را بی‌معنا کرده است. در این میان زنان در صدر قربانیان عدم امنیت شغلی و اخراج به علت قراردادهای موقت کاری هستند.

● خبرگزاری «ایلنا» نیز در گزارشی تأکید کرده سکوت در برابر قراردادهای یک‌ماهه، سفیدامضا و سه‌ماهه در مشاغلی که ماهیتی کاملاً مستمر و دائمی دارند، به معنای چراغ سبز نشان دادن به استثمار نیروی کار است.

● سیمین یعقوبیان، فعال صنفی زنان کارگر: هر صبح هزاران زن سرپرست خانوار، پیش از آنکه نگران ساعت ورود به محل کار باشند، نگران این هستند که آیا فردا نیز شغلی خواهند داشت یا خیر. بسیاری از آنان تنها نان‌آور خانواده هستند و کوچک‌ترین وقفه در اشتغال، معیشت، آموزش فرزندان، سلامت روان و حتی کرامت انسانی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در نبود نهادهای ناظر کارآمد در ایران، اکثر متقاضیان کار ناچار هستند به خواسته کارفرماها برای امضای قراردادهای موقت کار تن بدهند و همین موضوع در عمل «امنیت شغلی» را بی‌معنا کرده است. در این میان زنان در صدر قربانیان عدم امنیت شغلی و اخراج به علت قراردادهای موقت کاری هستند.

خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده قراردادهای موقت به تهدیدی دائمی و سایه وحشت بر گردن طبقه کارگر تبدیل شده است. واژه «امنیت شغلی» در ادبیات بازار کار ایران به یک طنز تلخ و نوستالژی دست‌نیافتنی تقلیل یافته است. در حالی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف است سپر بلای نیروی کار در برابر زیاده‌خواهی‌های سرمایه باشد، در عمل شاهد انفعال و عقب‌نشینی مستمر این نهاد در برابر هنجارشکنی‌های کارفرمایان هستیم.

خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده سکوت در برابر قراردادهای یک‌ماهه، سفیدامضا و سه‌ماهه در مشاغلی که ماهیتی کاملاً مستمر و دائمی دارند، به معنای چراغ سبز نشان دادن به استثمار نیروی کار است.

سیمین یعقوبیان، فعال صنفی زنان کارگر، روایتی از وضعیت زنانی که در نبود امنیت شغلی دچار احساس ناامنی شده اما چاره‌ای جز تن دادن به شرایط تبعیض‌آمیز شغلی ندارند ارائه کرده است. او در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته «هر صبح هزاران زن سرپرست خانوار، پیش از آنکه نگران ساعت ورود به محل کار باشند، نگران این هستند که آیا فردا نیز شغلی خواهند داشت یا خیر. بسیاری از آنان تنها نان‌آور خانواده هستند و کوچک‌ترین وقفه در اشتغال، معیشت، آموزش فرزندان، سلامت روان و حتی کرامت انسانی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

این فعال صنفی با بیان اینکه «در چنین شرایطی، امنیت شغلی دیگر یک مطالبه صنفی نیست؛ بلکه ضرورتی اجتماعی و یکی از ارکان امنیت ملی محسوب می‌شود» گفته با وجود مصوباتی «مبنی بر تفکیک مشاغل مستمر و غیرمستمر و تعیین نصاب ۴ سال، هنوز بخش قابل توجهی از کارگران در مشاغل با ماهیت دائمی، با قراردادهای یک‌ماهه و سه‌ماهه مشغول به کار هستند.»

به گفته سیمین یعقوبیان «این وضعیت عملاً امنیت شغلی را از نیروی کار سلب کرده و امکان برنامه‌ریزی برای

خطر بروز ابرتورم بیخ گوش اقتصاد ایران است



کنترل تورم باشد که عمدتاً از طریق مهار نقدینگی امکان پذیر است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، نرخ رشد نقدینگی در سال ۱۴۰۴ حدود ۵۳ درصد بوده که این رقم نسبت به سال ۱۴۰۳ دو برابر شده است. از زمانی که تنش‌های نظامی آغاز شد، به کسری بودجه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد نقدینگی بی‌توجهی شده است. وقتی میان منابع درآمدی و مخارج دولت تعادلی وجود ندارد، کسری بودجه رخ می‌دهد که عامل اصلی خلق نقدینگی است.»

او همچنین با اشاره به اینکه «اصلاحات ساختاری باید هرچه سریع‌تر آغاز شود» گفته «وزیر اقتصاد اواخر سال گذشته اعلام کرد که بانک مرکزی حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان برای خود این بانک، ۳۰ هزار میلیارد برای گمرک و ۴۰ هزار میلیارد تومان دیگر نیز برای بخش‌های دیگر خلق پول کرده است. همه این‌ها نشان می‌دهد که حتی در سال ۱۴۰۵ نیز بخش زیادی از مخارج دولت از طریق کسری بودجه تامین شده و بانک مرکزی را ملزم به خلق پول کرده است.»

مهدی پازوکی در بخش دیگری از این گفتگو تأکید کرده «اگر توافقنامه حتی یک روز زودتر منعقد شود، به نفع اقتصاد کشور است. اگر آتش‌بس نقض نشود، می‌توانیم به آینده امیدوار باشیم» و افزوده «ما در وضعیتی هستیم که باید هرچه سریع‌تر برای تامین هزینه بازسازی این موارد، صادرات نفت را احیا کنیم. اگر بنا را بر این بگذاریم که بودجه بازسازی را از طریق خلق پول و چاپ اسکناس تامین کنیم، قطعاً باید منتظر تورم‌های بسیار گسترده‌تری باشیم، چرا که این رویکرد ویرانگر است.»

این اقتصاددان همچنین بروز ابرتورم را نیز محتمل دانسته و گفته «اگر جنگی دیگر شروع شود و ادامه پیدا کند، قطعاً به سمت ابرتورم حرکت خواهیم کرد. ما در حال حاضر تورم مزمن داریم، اما هنوز به تعریف علمی ابرتورم (تورم سالانه ۶۰۰ درصدی) نرسیده‌ایم. با این حال، اگر سیاست‌های جنگ‌طلبانه اسرائیل و رویکردهای تندروانه برخی در داخل کشور تشدید شود، احتمال جدی وجود دارد که به سمت ابرتورم و دلاریزه شدن اقتصاد حرکت کنیم.»

سقوط قدرت خرید خانوارها و بحران تکانه‌دهنده معیشتی در میان اقشار مختلف است.

در همین رابطه وبسایت «فرارو» گزارش داده رکوردهای نگران‌کننده‌ای نظیر تورم ۸۸ درصدی در کنار رشد ۵۳ درصدی نقدینگی، نشان می‌دهد که موتور خلق پول و کاهش قدرت خرید مردم همچنان با قدرت روشن است. در این میان، کوچک شدن کیک اقتصاد و ثبت رشدهای اقتصادی منفی بدون نفت، طبقه متوسط را به لبه پرتگاه رانده است.

مهدی پازوکی، اقتصاددان، در گفتگو با «فرارو» تأکید کرده ریشه اصلی این مصائب «بی‌ثباتی» و «فقدان انضباط مالی در دولت» است. او با انتقاد از رویکردهای پوپولیستی و پولی‌سازی کسری بودجه از طریق بانک مرکزی، هشدار می‌دهد که بدون اجرای فوری اصلاحات ساختاری، حتی در صورت برقراری صلح پایدار و توافق دیپلماتیک نیز مهار تورم سرکشی که اینک زندگی میلیون‌ها ایرانی را می‌بلعد، ناممکن خواهد بود؛ روندی که در صورت تداوم تنش‌ها، خطر سقوط اقتصاد به ورطه ابرتورم را بیش از هر زمان دیگری محتمل می‌سازد.

مهدی پازوکی افزوده «در حال حاضر عمده‌ترین مشکل اقتصاد ما بی‌ثباتی است که مهم‌ترین شاخص آن هم نرخ فزاینده تورم است. بر اساس گزارش رسمی کشور، تا پایان سال ۱۴۰۴ نرخ تورم کشور بالای ۵۰ درصد و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت نیز منفی ۰.۳ درصد بود. این بدان معناست که نه تنها کیک اقتصاد کشور کوچک شده، بلکه تورم به شکل فزاینده‌ای بالا رفته است. بدیهی است که در چنین وضعیتی ابعاد فقر گسترش پیدا می‌کند و آمارهای جدیدتر، به‌ویژه آمار تورم خردامه، این وضعیت اسفبار را تأیید می‌کند. حجم فقر روند صعودی را طی می‌کند و زندگی طبقه متوسط رو به نابودی است؛ در واقع ارتش فقرای کشور در حال بزرگ شدن است. در چنین شرایطی، چرا بودجه مجلس باید ظرف ۴ سال به ۶ برابر افزایش پیدا کند؟»

به عقیده این اقتصاددان «مهم‌ترین وظیفه دولت باید

● تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد نقدینگی از مرز ۱۵۵۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده و پایه پولی نیز به سطحی نزدیک به ۲۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. ● بدهی دولت به سیستم بانکی در آذر ۱۴۰۴ به حدود ۲۴۴۳ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که نسبت به پایان سال ۱۴۰۳ نزدیک به ۴۰ درصد و نسبت به آذر سال قبل بیش از ۵۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. - مهدی پازوکی، اقتصاددان، تأکید کرده ریشه اصلی این مصائب «بی‌ثباتی» و «فقدان انضباط مالی در دولت» است.

● مهدی پازوکی با انتقاد از رویکردهای پوپولیستی و پولی‌سازی کسری بودجه توسط دولت، هشدار داده بدون اجرای فوری اصلاحات ساختاری، حتی در صورت برقراری صلح پایدار و توافق دیپلماتیک نیز مهار تورم سرکشی که اینک زندگی میلیون‌ها ایرانی را می‌بلعد، ناممکن خواهد بود. ● مهدی پازوکی گفته در صورت تداوم تنش‌ها، خطر سقوط اقتصاد به ورطه ابرتورم بیش از هر زمان دیگری محتمل می‌شود.

آمارهای رسمی از افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد ایران و افزایش بدهی دولت به نظام بانکی حکایت دارد. این آمار به معنای زمینه‌های رشد تورم با اقدامات خسارت‌بار دولت را توضیح می‌دهد. کارشناسان اقتصادی نیز معتقدند یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران بی‌انضباطی مالی دولت، رویکردهای پوپولیستی و پولی‌سازی کسری بودجه از طریق بانک مرکزی است.

تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد نقدینگی از مرز ۱۵۵۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده و پایه پولی نیز به سطحی نزدیک به ۲۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ اعدادی که نشان می‌دهد سال گذشته، یکی از سال‌های پرتنش در سمت پولی اقتصاد بوده است.

از سوی دیگر بر اساس آخرین داده‌های بانک مرکزی بدهی دولت به سیستم بانکی در آذر ۱۴۰۴ به حدود ۲۴۴۳ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که نسبت به پایان سال ۱۴۰۳ نزدیک به ۴۰ درصد و نسبت به آذر سال قبل بیش از ۵۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. این فقط یک عدد بزرگ نبوده بلکه نشانه‌ای از آن است که دولت در ۹ ماه نخست سال بخش قابل‌توجهی از فشار مالی خود را به‌ترازنامه شبکه بانکی منتقل کرده است.

بانک مرکزی علت بخشی از این رشد را شرایط خاص اقتصاد کشور دانسته است. در گزارش رسمی، به دو جنگ در خرداد و اسفند ۱۴۰۴، ضرورت حفظ جریان فعالیت‌های اقتصادی و نیاز به کمک در تامین مالی دولت اشاره شده است. این توضیح نشان می‌دهد بانک مرکزی، رشد نقدینگی را در بستر یک سال پرریسک و غیرعادی تحلیل می‌کند.

با این حال، برای اقتصاد ایران مسئله اصلی همچنان پابرجاست؛ حتی اگر بخشی از رشد نقدینگی با شوک‌های بیرونی و ملاحظات حمایتی توضیح داده شود، سطح بالای نقدینگی می‌تواند در صورت تداوم انتظارات تورمی، به سوخت تازه‌ای برای بازار ارز، طلا، مسکن و کالاهای مصرفی، و محرک اصلی افزایش پرسرعت‌تر تورم تبدیل شود. این شرایط در حالیکه هم‌اکنون نیز ارقام اعلام شده از سوی نهادهای حکومتی درباره تورم نه تنها رکوردهای تورم هشت دهه گذشته را پشت سر گذاشته بلکه نشان از

خانوارهای کم درآمد به علت هزینه‌های سرسام‌آور درمان به مرز «فروپاشی» رسیده‌اند



● افزایش قیمت دارو و درمان سبب شد این گروه در گزارش تورم خرداد ۱۴۰۵ در صدر گروه کالاهای پرتورم قرار بگیرد. فعالان کارگری و بازنشسته هشدار می‌دهند که افزایش هزینه دارو و درمان بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد را به مرز فروپاشی رسانده است.

● خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده بسیاری از کارگران به دلیل نداشتن پسانداز کافی یا پوشش بیمه‌ای مؤثر، ناچار به دریافت وام، فروش دارایی‌های اندک یا صرف‌نظر کردن از ادامه درمان می‌شوند؛ موضوعی که نه تنها سلامت فرد، بلکه امنیت اقتصادی و معیشتی خانواده را نیز به خطر می‌اندازد.

● مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، معتقد است که برای خانواده‌های کارگری حتی یک تشخیص پزشکی ساده نیز می‌تواند آغاز یک سقوط مالی تمام‌عیار باشد: «نبود پوشش بیمه‌ای کامل، هزینه‌های کمرشکن درمان و از دست رفتن درآمد در روزهای بیماری، سه ضلع بحرانی را تشکیل می‌دهد که خانواده را در مدت کوتاهی به ورطه فقر می‌کشاند.»

افزایش قیمت دارو و درمان سبب شد این گروه در گزارش تورم خرداد ۱۴۰۵ در صدر گروه کالاهای پرتورم قرار بگیرد. فعالان کارگری و بازنشسته هشدار می‌دهند که افزایش هزینه دارو و درمان بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد را به مرز فروپاشی رسانده است.

کارشناسان هشدار می‌دهند افزایش مداوم هزینه‌های درمان، کاهش قدرت خرید خانوارها و ناکارآمدی نظام‌های حمایتی، بیماری را برای بسیاری از خانواده‌های کارگری از یک مسئله صرفاً پزشکی به بحرانی اقتصادی و اجتماعی تبدیل کرده است.

خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده که بخش قابل توجهی از درآمد کارگران صرف تأمین نیازهای اولیه زندگی می‌شود، بروز یک بیماری، حتی اگر چندان پیچیده نباشد، می‌تواند تعادل مالی خانواده را بر هم بزند و آنان را با هزینه‌هایی روبه‌رو کند که پرداخت آن از توانشان خارج است.

این گزارش تأکید کرده که بسیاری از کارگران به دلیل نداشتن پسانداز کافی یا پوشش بیمه‌ای مؤثر، ناچار به دریافت وام، فروش دارایی‌های اندک یا صرف‌نظر کردن از ادامه درمان می‌شوند؛ موضوعی که نه تنها سلامت فرد، بلکه امنیت اقتصادی و معیشتی خانواده را نیز به خطر می‌اندازد.

در این میان فعالان کارگری معتقدند سلامت نیروی کار، یکی از ارکان توسعه اقتصادی و افزایش بهره‌وری است و هرگونه ضعف در حمایت از کارگران در زمان بیماری، پیامدهایی فراتر از یک خانواده خواهد داشت. از این رو، اجرای دقیق قوانین حمایتی و تقویت پوشش بیمه‌ای، از مهم‌ترین مطالبات کارگران به شمار می‌رود.

در همین رابطه، مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، معتقد است که برای خانواده‌های کارگری حتی یک تشخیص پزشکی ساده نیز می‌تواند آغاز یک سقوط مالی تمام‌عیار باشد: «نبود پوشش بیمه‌ای کامل، هزینه‌های کمرشکن درمان و از دست رفتن درآمد در روزهای بیماری، سه ضلع بحرانی را تشکیل می‌دهد که خانواده را در مدت کوتاهی

به ورطه فقر می‌کشاند.»

این فعال کارگری تأکید کرده «در اقتصاد شکننده خانوارهای کارگری، مرز میان بیماری و فقر بسیار باریک است و هزینه یک بستری ساده یا یک عمل جراحی می‌تواند تمام پسانداز سال‌ها کار و تلاش را از بین ببرد و کارگر را وارد چرخه بدهی‌های سنگین کند» و افزوده «شوکه‌های ناشی از بیماری، از مهم‌ترین عوامل گرفتار شدن خانوارها در فقر مزمن به شمار می‌رود.»

به عقیده مازیار گیلانی‌نژاد میزان دسترسی مردم به خدمات درمانی و حمایت بیمه‌ای، یکی از شاخص‌های مهم سنجش عدالت اجتماعی و کارآمدی دولت‌ها است. در بسیاری از خانواده‌های کارگری، بخش قابل توجهی از وام‌های خرد صرف پرداخت هزینه‌های درمان می‌شود. همچنین سهم بالای پرداخت از جیب بیماران که در ایران بیش از متوسط جهانی است، منابع مالی خانوار را از حوزه‌هایی مانند تغذیه، مسکن و آموزش به سمت درمان سوق می‌دهد.

این فعال کارگری با بیان اینکه «برای کارگری که درآمد ثابتی ندارد، بیماری حتی می‌تواند به معنای از دست دادن شغل باشد» گفته «افزایش هزینه‌های درمان و تضعیف پوشش بیمه‌های تکمیلی کارگران و بازنشستگان، فشار مضاعفی بر اقتصاد خانوارهای کارگری وارد کرده است. همچنین ناقص بودن نظام ارجاع و پوشش ناکافی خدمات پاراکلینیکی و داروهای خاص، این مشکلات را تشدید کرده است.»

او همچنین با اشاره به چرخه معیوب بیماری، هزینه درمان، بدهی، کاهش توان کار و ابتلای دوباره به بیماری، گفته «این روند بیانگر فقدان یک نظام جامع حمایت اجتماعی است؛ نظامی که در آن بیمه نباید صرفاً یک کارت تخفیف باشد، بلکه باید نقش یک سپر حمایتی مؤثر را ایفا کند.»

مازیار گیلانی‌نژاد هشدار داده که تداوم وضعیت موجود،

بیماری را به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری فقر جدید در میان کارگران تبدیل خواهد کرد.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» هم گزارش داده افزایش هم‌زمان قیمت و کمبود دارو، بازار سلامت کشور را در وضعیتی بی‌سابقه قرار داده است؛ وضعیتی که در آن داروهای عمومی نیز از جهش قیمتی مصون نمانده‌اند و فاصله میان توان خرید مردم و هزینه درمان هر روز بیشتر می‌شود.

این گزارش افزوده کافی است در هفته‌های اخیر یک مسکن یا مکمل ساده خریده باشید، گذرتان به ناصرخسرو افتاده یا از مقابل داروخانه‌های بزرگ و مطرح تهران عبور کرده باشد تا بدانید که بازار دارویی کشور روزهای غریبی را سپری می‌کند. کمبود دارو از یک طرف، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها نیز از سوی دیگر؛ تلاقی این دو موج سهمگین، حق دسترسی به درمان را از گروه بزرگی از مردم گرفته است.

پیامدهای احساس محرومیت بخش زیادی از جامعه از دسترسی به نیازهای حیاتی همچون خوراک، دارو و مسکن گسترده و عمیق است. حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس، معتقد است جامعه ایران در حال تجربه «عبور فشار اقتصادی از آستانه تحمل» است.

این جامعه‌شناس تأکید کرده فشارهای مزمن اقتصادی، هم‌زمان سه پیامد اصلی ایجاد می‌کند: گسترش شکاف‌های طبقاتی، افزایش نارضایتی عمومی و تعمیق گسست اجتماعی. در این میان، از نگاه او، مسئله مهم‌تر از خود فشار اقتصادی، «کسری امید اجتماعی» است؛ چیزی که به گفته او می‌تواند مهاجرت، انزوا و کاهش مشارکت اجتماعی را به صورت هم‌زمان تقویت کند.

این جامعه‌شناس هشدار داده مسئله اصلی امروز جامعه ایران فقط نابرابری اقتصادی نیست، بلکه «ادراک گسترده بی‌عدالتی» و تجربه روزمره تبعیض است؛ تجربه‌ای که اگر تداوم پیدا کند، می‌تواند اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را به شکل جدی تضعیف کند.

با آغاز دوباره حملات نظامی در خاورمیانه قیمت نفت افزایش یافت و بازارهای سهام ریزش کرد



از سوی دیگر در پی آغاز دوباره درگیری نظامی در خاورمیانه، بازارهای سهام آسیا تحت تأثیر نگرانی سرمایه‌گذاران نزولی شد.

وبسایت «اینوستینگ» گزارش داده اغلب بورس‌های آسیا روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ با ریزش همراه شدند زیرا سرمایه‌گذاران پس از کاهش سهام شرکت‌های نیمه‌هادی در روزهای اخیر، نسبت به سهام مرتبط با هوش مصنوعی محتاط‌تر عمل کردند. بر اساس این گزارش افزایش قیمت نفت و تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی نیز فضای احتیاطی در بازارها را تقویت کرده است.

همزمان، بازارهای سهام اروپا نیز متأثر از تنش‌های نظامی در تنگه هرمز با روندی کاهشی فعالیت روز چهارشنبه را آغاز کردند. در این میان سهام شرکت‌های اتومبیل‌سازی و شرکت‌های هواپیمایی به علت افزایش قیمت نفت که سبب افزایش قیمت سوخت خواهد شد و تهدید اختلال در زنجیره تأمین به علت اختلال در حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز، با ریزش ارزش روبرو شد. سهام بانک‌ها نیز متأثر از شرایط ژئوپلیتیکی خاورمیانه کاهش یافت.

گزارش ساعات گذشته نشان می‌دهد در نخستین ساعات بازگشایی بازار سهام اروپا در بامداد چهارشنبه شاخص فراگیر «استاکس ۶۰۰» اروپا ۶/۰ درصد کاهش یافت. سهام شرکت‌های هواپیمایی از جمله «ایر فرانس»، «ویز ایر» و «لوفتهانزا» نیز با افزایش بهای نفت و نگرانی از پیامدهای تنش‌های ژئوپلیتیکی، ریزش کرد.

قابل توجه اینکه بازار بورس تهران در آغاز معاملات روز چهارشنبه با افزایش ۶ هزار واحدی به ۵ میلیون و ۳۱۷ هزار واحد رسید؛ رشد شاخص بورس ایران در حالیکه بار دیگر آزر خطر جنگ نظامی به صدا درآمده است بیانگر دخالت مستقیم حکومت در این بازار است. با اینهمه در روند معاملات امروز خروج پول حقیقی از بازار بیانگر واکنش سرمایه‌گذاران به اخبار از سرگیری حملات نظامی بود.

است. پس از حملات ساعات گذشته جمهوری اسلامی به سه کشتی تجاری در تنگه هرمز، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) حکومت ایران را به نقض آتش‌بس متهم کرد و هدف حملات متقابل که ده‌ها هدف نظامی در جنوب ایران صورت گرفته را تحمیل «هزینه‌های سنگین» به تهران عنوان کرد.

از سوی دیگر واشنگتن، همزمان تعلیق تحریم‌های نفتی ایران که یکی از بندهای تفاهم‌نامه اخیر امضا شده با جمهوری اسلامی بود را لغو کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا سه‌شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۵ به وقت محلی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد مجوز قبلی درباره تولید، فروش و انتقال نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشاء ایرانی را لغو کرده و یک دوره ۱۰ روزه برای پایان‌دادن به معاملات قبلی مجازشده در نظر گرفته است.

وبسایت «اکسیوس» نیز به نقل از یک مقام آمریکایی نوشته تفاهم‌نامه میان آمریکا و جمهوری اسلامی کاملاً بر پایه «اقدام در برابر اقدام» تنظیم شده و حکومت تهران تنها در صورتی از مزایای آن بهره‌مند خواهد شد که به تعهدات خود عمل کند و رفتار مورد انتظار واشینگتن را نشان دهد. این در حالی است که قیمت نفت در ماه ژوئن، پس از امضای تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر سر چارچوب یک توافق صلح و بهبود شرایط تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز، به پایین‌ترین سطح خود از پیش از آغاز جنگ رسیده بود؛ اکنون در حالی آینده این توافق و روند مذاکرات میان دو کشور با تردید روبرو شده که بسیاری از تحلیلگران پیشتر نیز بر شکننده بودن تفاهم تأکید کرده بودند.

● تحلیلگران بانک اوسیبی‌سی نیز تأکید کرده‌اند نگرانی‌های تازه درباره ریسک عرضه در خاورمیانه، تأثیر تصمیم اخیر اوپک‌پلاس برای افزایش تولید را تا حد زیادی خنثی کرد و بار دیگر عامل اصلی جهت‌گیری بازار نفت شد.

● بازارهای جهانی روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ به تشدید تنش‌ها در خاورمیانه با حملات جمهوری اسلامی به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز و حملات متقابل ایالات متحده به تأسیسات نظامی در جنوب ایران واکنش نشان دادند.

● هر بشکه نفت برنت با افزایش ۳/۵ درصدی در سطح ۲۵/۷۶ دلار معامله شد. همچنین در معاملات آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت، قیمت هر بشکه نفت با ۵ درصد افزایش به ۲۸/۷۲ دلار در هر بشکه افزایش یافت.

● اغلب بورس‌های آسیا روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ با ریزش شاخص همراه شدند.

● بازارهای سهام اروپا نیز متأثر از تنش‌های نظامی در تنگه هرمز با روندی کاهشی فعالیت روز چهارشنبه را آغاز کردند.

بازارهای جهانی روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ به تشدید تنش‌ها در خاورمیانه با حملات جمهوری اسلامی به سه کشتی خارجی در تنگه هرمز و حملات متقابل ایالات متحده به تأسیسات نظامی در جنوب ایران واکنش نشان دادند؛ قیمت نفت با افزایش روبرو شد و بازارهای سهام ریزش کردند.

در نخستین ساعت بازگشایی بازارهای جهانی در بامداد دوشنبه هشتم ژوئیه ۲۰۲۶ برابر با ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ هر بشکه نفت برنت با افزایش ۳/۵ درصدی در سطح ۲۵/۷۶ دلار معامله شد. همچنین در معاملات آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت، قیمت هر بشکه نفت با ۵ درصد افزایش به ۲۸/۷۲ دلار در هر بشکه افزایش یافت.

تشدید تنش‌های نظامی در تنگه هرمز و نگرانی درباره محدودیت دوباره حمل‌ونقل دریایی در این تنگه که به‌طور مستقیم در عرضه نفت در بازارهای جهانی اثرگذار است علت افزایش قیمت نفت طی ساعات گذشته بوده



دکتر مطبوعاتی شاهزاده رضا پهلوی: رسانه‌های که با بحران جدی اعتبار مواجهه است، گزارش مغرضانه خود را اصلاح کند



پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت چهل‌وهفتمین سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران



شاهزاده رضا پهلوی در نشست اقتصادی آکس: در کنار مردم ایران بایستید!



حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان هلند: «سازش با رژیم ایران بی‌فایده است، به سرکوبگرها مشروعیت ندهید»



شاهزاده رضا پهلوی: ایران عزادار خامنه‌ای نیست!



گزارش ویژه: ادغام دو بال شکسته‌ی «اصلاح‌طلب و اصولگرا» در دو بال «سپاه» و «روحانیت»



عاقبت قدرت‌نمایی زمامداران ایران در تنگه هرمز
نگاه دیگران



شهرنوش پارس‌پور نویسنده و مترجم ایرانی درگذشت



محکومیت الهام زراعت‌پیشه، وکیل دادگستری، به شش سال زندان، ممنوعیت خروج از کشور و ابطال گذرنامه



الگوی نادرست کشاورزی، تهدیدی علیه تحت جمشید و نقش رستم



تعطیلی اجباری و چهار روزه اصراف پایتخت برای برگزاری مراسم دفن خامنه‌ای



رافائل گروسی: جمهوری اسلامی درخواست آزاتن برای بازدید از تأسیسات آسیب دیده را نپذیرفته است



بحران گرانی و کمبود، دامن کارکنان داروخانه‌ها را گرفت؛ از درآمدهای ناچیز تا اخراج!



ادامه اعتصاب غذای زوج بریتانیایی محبوس در زندان اوین



بی‌معنا شدن «امنیت شغلی» در بازار کار ایران با قراردادهای موقت



آقامه نماز منکب بر نابوت خامنه‌ای و خانواده‌اش؛ باز هم از مجتبی خبری نبود اما برادرانش ضجه و مویه کردند



سه دانشجوی دانشگاه خواجه نصیر به مدت یک سال از تحصیل محروم شدند



اسرائیل رفت و آمد رهبران و مقامات سازمان‌های تروریستی به مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای را زیر نظر دارد



اشک تمساج
طرح از س. روزبه



با آغاز دوباره حملات نظامی در خاورمیانه قیمت نفت افزایش یافت و بازارهای سهام ریزش کرد



مرکز پژوهش‌های مجلس: مالکان به راحتی سقف ۲۵ درصدی افزایش اجاره مسکن را دور می‌زنند



فشار تورم چگونه بر دوش اقشار کم‌درآمد تحمیل می‌شود؟



مسعود ترکمن‌مفرد، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، به «جاسوسی برای اسرائیل» متهم شد



تهران در بین ۱۰ شهر با پایین‌ترین کیفیت زندگی جهان



پایان آتش‌بس؛ قیمت دلار به مرز ۱۸۱ هزار تومان رسید



چند نظامی در حمله شبانه آمریکا به مراکز نظامی در ایران کشته و زخمی شدند



حملات سنگین آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران؛ دبیرکل ناتو: این حملات ضروری بود



وزیر دفاع اسرائیل: با همکاری آمریکا در حال ساختن خاورمیانه‌ای امن‌تر و بهتر هستیم



پیوستن بریتانیا و فرانسه به ماموریت «آزادسازی کشتیرانی در تنگه هرمز»؛ استقبال عمان، تهدید جمهوری اسلامی



ایران در آینده مذاکرات؛ صلح برای چه کسی، و بهای آن بر دوش چه کسی؟



حمله سایبری سامانه آموزشی دانشگاه آزاد را از دسترس خارج کرد



جمهوری اسلامی و «تفاهم» هایش در سی و ششمین نشست ناتو در آنکارا نگاه دیگران



خطر بروز ابرتورم بیخ گوش اقتصاد ایران است



دومین روز برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای؛ ترامپ: یک هفته برای عزاداری به جمهوری اسلامی فرصت دادیم



«کانون فرهنگی پارس» برگزار کرد؛ نشست بررسی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران



قیمت هر بشکه نفت از ۸۰ دلار عبور کرد



دونالد ترامپ در حاشیه نشست ناتو در آنکارا؛ «آتش‌بس» میان آمریکا و جمهوری اسلامی تمام شد



حماس انحلال دولت خود در غزه را اعلام کرد



در حکمی منتسب به مجتبی خامنه‌ای، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه باقی ماند



احتمال بروز تورم ۱۵۰ درصدی در اقتصاد ایران تا پایان سال



کارکنان ایرانی بی‌بی‌سی؛ معامله بر سر پوشش مراسم خاکسپاری خامنه‌ای «شرم‌آور و غیرقابل قبول» است



خانوارهای کم‌درآمد به علت هزینه‌های سرسام‌آور درمان به مرز «فروپاشی» رسیده‌اند



قالبیاف: اگر آمریکا و اسرائیل به تعهدات خود عمل نکنند اقدام متناسب از سرگرفته می‌شود



مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای در فضایی امنیتی برگزار شد



محکومیت به اعدام پنج شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴



کارشناسان: بحران آب در حال تبدیل شدن به موضوعی فاقد راهکار است



حمله به سه نفتکش در تنگه هرمز؛ آمریکا مجوز فروش نفت توسط جمهوری اسلامی را لغو کرد



بحران آب در تهران تا پنج سال آینده «دائمی» میشود



۱۶ سال افزایش پیوسته تورم؛ سقوط دستمزد کارگران ایران به روزانه سه دلار



خطر تعطیلی گسترده آزمایشگاه‌های تشخیص طبی به‌علت بحران نقدینگی



عکس هفته | حمایت از شاهزاده رضا پهلوی در لاهه

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ششم ژوئیه ۲۰۲۶ برابر با ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ به دعوت نمایندگان پارلمان هلند در نشستی در محل پارلمان در شهر لاهه شرکت کرد. همزمان شماری از ایرانیان در نزدیکی محل پارلمان تجمعی در استقبال از شاهزاده رضا پهلوی برگزار کردند.